

مساواة

شماره هشت ماه عقرب سال ١٣٦٢ مطابق ربیع الآخر
١٤٠١ مطابق تواریخ ١١٨٨ شماره سلسل ١٤

Ketabton.com

تدای خوشمزه رفعت

دعا کے رسم شناختی، محافرہ عوام و شہری خواز

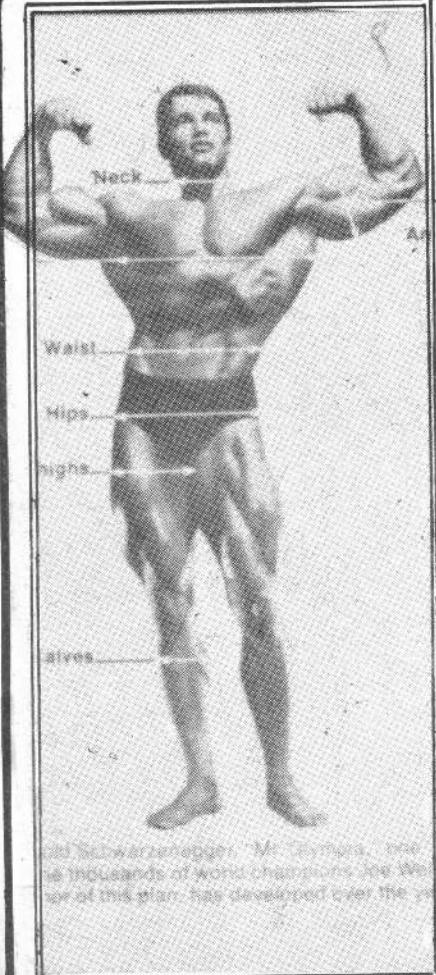
شہر یا نہ نہ رفته پیشود۔



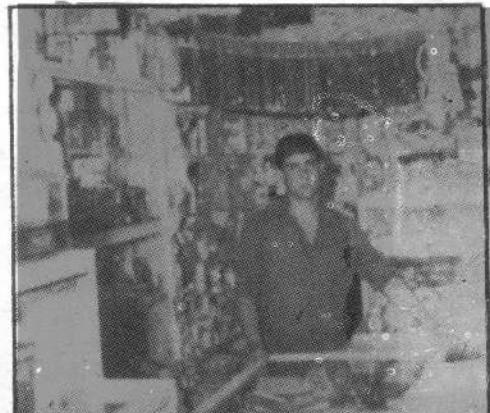
A circular stamp with the word "PROPERTY" at the top, "ACKU" in the center, and "S803" at the bottom.

The image shows a page from an old Persian manuscript. At the top, there is a large, flowing calligraphic heading. Below it, there are several large, stylized red hearts arranged in a grid-like pattern. The rest of the page contains handwritten Persian text in a smaller, more standard script.

مکان مسجد جامع شیرپور



بادمی شیر پر بای زیبایی آندام سما
اجناس لوکس مورد صنورت خنواره ۴
دو دپاک کن برای نجی ریحای دیزله
که رحمت شمارادر سرماکم میازد



123333

مکتبہ ملیٹری ایجنسی
کراچی۔ ۱۳۳۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

لباسها و بیوتهای قشنگ خوراکه های لذید - قرطاسیه

بیمار آمین ویدیوکست

بیشترین فلمهای ویدیویی گلچین (پیشتوک هنری و ایرانی آماده فروش دارند فلمبرداری از مخالف خوش شما پذیرفته میشود
کدیس: منزل اول فرشتگان بزرگ دفعه ۲۶۷۷۶ - ۳۵۷۰۴



خریداری فمایلی

خانمهای آقایان اشیای مورد نیاز خانواده‌گی تأثراً می‌باشد
از مغازه‌های ذیل به قیمت مناسب بدست آورید و آن شوید

فروشگاه انور میناید.
درسته تیک شیک آدرس: تهران بزرگ
بسیاری سجاق

فروشگاه روشی زدنوغه میدان

فروشگاه مصطفی جهه صبح تهران پارک شهر

فروشگاه طارق جهه صبح تهران زینده کافه شهر

فروشگاه علیزاده -

مارکیت ابدانیه مریم
حصه ۵۰مین خیابان

شریفی ویدیوکست

ثبت هرگونه لشک و فلمبرداری مخالف خوش
آدرس: متصل رستوران لالی فاین

قرطاسیه فروشی ازدان

کارت زن تعمیر سینما اقبال

نمایه فدوی شعبانی ستاره ستوران

مکوریان ویدیوکست

فلمبرداری از مخالف خوشی پذیرفته میشود
آدرس: مکوریان اول

لونا قرطاسیه فروشی

نواع قرطاسیه مورد ضرورت وجود دیده
نوانم آرایی سریعی مشتریان خود را به
میدارد. کدیس: عجیز سینما قمال شیراز فروشی

پرای شهریان ادوبه مورد نیاز شان را به قیمت محض

آدرس: حوتچال مسنه هتل لمسه سینما

هر صده میدار

رضا در ملتون

پیکار و پیش

در باغ و حش کابل



شیرد ست پسرکی را درید
خوبی‌شاؤند آن پسرک او را
به طرف خود می‌کشیدند
اما شیرت‌توانست یک دست
او را قطع نموده و دریک
چشم زد نبخورد.
صفحه ۱۲

صفحه ۲۴



آن‌تیک فر و شی‌ها

بی‌باگه امپراطور

صفحه ۱۴

مرد هلیزهای سیاست

صفحه ۱۶

برقله‌های داش محاصر

صفحه ۲۶

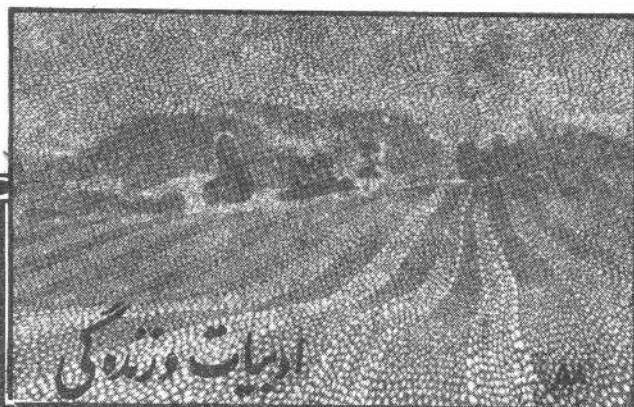
کلپریس

کشور اسلامی در زیارت

صفحه ۲۸

۶۵

شماره هشت ماه هقرب ۱۳۶۲ مطابق ربيع الآخر ۱۴۰۹
مطابق نومبر ۱۹۸۸ سال ده شماره مسلسل (۱۴)



که ما شوم په او بوگی و زیبول شی

من ۴۲

اسرار قتل اندیرا گاندی

من ۱۱

دکتور ظاهر طنین : مدیر مسوول
 ۶۱۹۰۲ : تیلفون
 محمد اصف معرفت : معافون
 ۶۲۲۰۲ : تیلفون
 ۶۱۸۲۸

لشکر احمد به زور بالستان
جمهوری افغانستان

هیئت تحریر :

بارق شفیعی
 دکترون حسون حبیبی
 عبد الله شادان
 لطیف ناظمی
 رهنوود زیاب

شفیق وجہان
 آدم روس : مکروریون سر
 بلکه ۱۰۰۱ امتاپل مطبوعہ

د ولغه ایارتان ۶۰۰۰ منزل تیوار

۲۵ US dollar - 6 mounts

SABAON

MAGAZINE OF AFGHANISTAN

Block 106,
Kabul, Afghanistan

Our account No 40233
 ۸
 Da Afghanistan Bank,
 Kabul, Afghanistan

Subscription: Abroad - 50 US dollars yearly

۴۰۰۰ - ۲۵ US dollar - 6 mounts

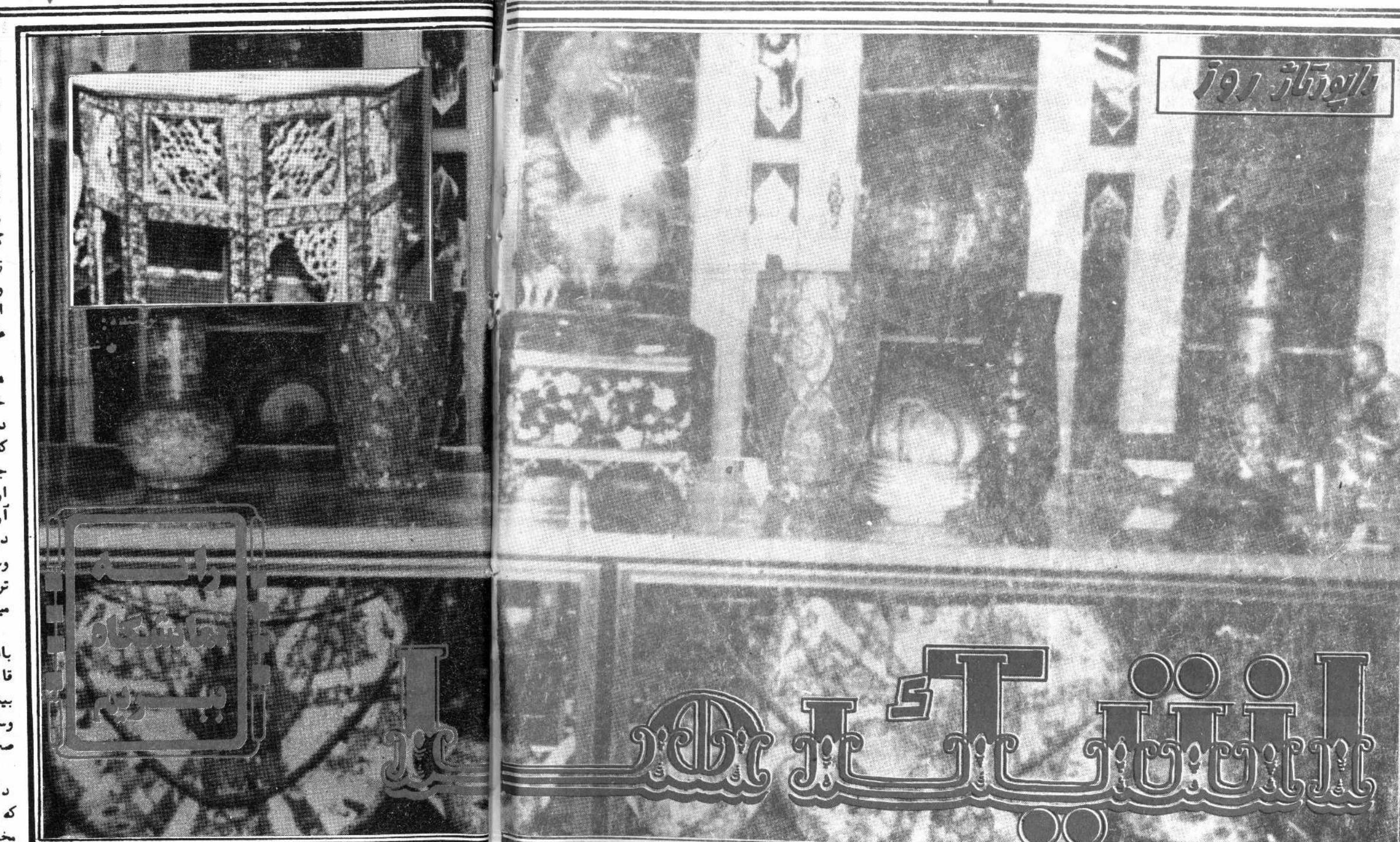
اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست آزاد دارد. مضمونی که به اداره
 مواصلت مینماید در صورت نشر یادم نشر و این به نویسنده مسترد نمیگردد.
 نظرات ارایه شده در رسائل، صرف نظر نمیشود و میباشد

میناکش من ۶۲

میره الیسا من ۶۱

۶۱

لطفاً
جذب



آنان راقع شد . چیزی بپنداش
بیست سال ، زمانی که بازار انتیک
فروشی گرامی خاص داشتند
من همراه با برادر داشتیم
اینکار نداشتیم . در همین زمان
بازارهای در فرنه پوای ساخته
ظرف نفره و کارگاه های م-

در ولایت بروان برلی ساختن تونک
ها که بعنوان پارسایل گوناگون
این تونک ها و ظرف نفره را به
شکل کلاسیک دری آوردند بدید
آمد .

در همین زمان سفرهای
انتیک فروشان به کشورهای
خارجی فرسانیده بناشگاه
های وسایل انتیک افغانی
آغاز شد . چنانچه من نیز جندیم
بار در نایشگاه های ایتالیا و
جمهوری ندرالی آلمان اشتراک
پذیریدم . در این نایشگاه
همزدهم ترین فروشها و فروش
ترین وسایل ، انتیک باب افغانی
بود .

همچنان هرسال وسایل
انتیک و صنایع دستی افغانستان
از طریق امیددم وزارت -

تجارت در کشورهای خارجی به
نایشگاه میشود که این
وسایل با سرعت به فروش میرسند.
در این اولین کلیم های سال خود
وارآجرون برآمدند . افغانی
هزاران تخته فرش می روشن
که دست باقی زیبائی آنها
عامل همه بوده میتواند .

چه راه هایی برای انتکاف
انتیک فروشی میتواند وجود
داشته باشد ؟

محمد ظاهر راین میورد
چنین ابراز نظر کرد : « اگر و
یکان راه موثر نمایشگاه
های داخلی و دعوهای اتباع خواه
رجی برای بازدید از این نایشگاه
ها و همچنان اشتراک بیشتر -
در نایشگاه های بین المللی
است . در این صورت بازار انتیک
فروشی ها رونق بیشتر خواهد
داشت و شهرت وسایل انتیک
افغانی هم کمتر خواهد شد .

کلمه انتیک را بیشتر در مردم
اشیاء و سایلی بکار می بردند که
دارای سابقه طولانی بوده و -
در کشورهای دیگر نظیر آن موجود
نمیشد . امریکا استقدیم موسیقی
افغانی ، زیارات تقریبی و طلاقی ،
وسایل جنگی متینه چون کارد ها
شاخ هاوتنگ ها ، قالین ها و گلیم
های کهن ، شماوارهای مسی ،
گلوئند های زنانه ، لباس های
زنانه (بیراهن های افغانی)
وسایل صنایع دستی طرف را -
انتیک خوانند که هر کدام آنها
علاوه بر خود را در این
مقداری از این وسایل در بازار
های داخلی توسط خارجی ها
خریداری میشود و مقداری هم
در نایشگاه های بین المللی
که همساله در نقاط مختلف
جهان به نمایش گذاشته میشود
ارسال میشوند و در فرنه های
آن نایشگاه ها به فروش میرسند.
در کلیه نایشگاه های جهانی
وسایل انتیک افغانی پرفروش
ترین وسایل عرضه شده را تشکیل
میدهند .

انتیک فروشان شعر کابل
باد و برادری بنام های محمد
قاسم و محمد ظاهر ، از عرصه
بیش از دو ده بکارهای فروش
وسایل انتیک اشتغال دارند ،
صحبت بعمل آورده .

در دکان آنها
داخل می شم . وردی رامیم
که با موهای ((ماش و پون)) در محل
خصوص فروش نشسته و مدد
ویرش وسایل گوناگون انتیک
جایگشته است . باری معرفی
می شم . به رسم معمول در ساره
به کشور ایجاد کسترن بازار انتیک
محمد قاسم برادر بزرگتری برسم .
وی در ساخن می گوید : می
محمد ظاهر وادی کارها رفت
سخن در باره چونکی کار آنها
زیارت نمایشگاه نایشگاه
می باشند و دعوهای اتباع خواه
می باشند .

آنها که بکار آن اشتغال داشتند
از این بات ، آنها صفت آشناشی
فروشان مبد العلى و بعد ظاهر
مشغولیه لی و ظاهر و برا دری
که در کابل آغاز به اینکار کردند و
اولین انتیک فروشی را در چهار راه
راهن صادرت ایجاد نمودند .
کشورهای شان انتیک که نمایش
گرفت آثار متینه و صنایع دستی
وطن مایه شتر مورد لجهبی
گشته اند .

نام نویشید که میدهد .
از ایاض سافرین خارجی
به کشور ایجاد کسترن بازار انتیک
محمد قاسم برادر بزرگتری برسم .
وی در ساخن می گوید : می
محمد ظاهر وادی کارها رفت
سخن در باره چونکی کار آنها
زیارت نمایشگاه نایشگاه
می باشند و دعوهای اتباع خواه
می باشند .

که در مدت کوتاهی شدت و -
علاوه بر آن آن فروشی بافت .
نخستین ها :
در آغاز شمار انتیک فروشان
و آنها که بکار آن اشتغال داشتند
اندک بود نخستین انتیک
سافرین خارجی در افغانستان
از ایاض بات ، آنها صفت آشناشی
فروشان مبد العلى و بعد ظاهر
مشغولیه لی و ظاهر و برا دری
که در کابل آغاز به اینکار کردند و
اولین انتیک فروشی را در چهار راه
راهن صادرت ایجاد نمودند .
کشورهای شان انتیک که نمایش

گردید که شهرت جهان گیرد از
خانه های گرد دیوار از شواهد
و انتیک فروشی در کشور مایشینه
نم فرنه دارند . هنگامیکه تمددا
سافرین خارجی در افغانستان
از ایاض بات ، آنها صفت آشناشی
فروشان مبد العلى و بعد ظاهر
مشغولیه لی و ظاهر و برا دری
که در کابل آغاز به اینکار کردند و
اولین انتیک فروشی را در چهار راه
راهن صادرت ایجاد نمودند .
کشورهای شان انتیک که نمایش

گردید از این نمایشگاه های خوب و معمولی
تعدی از این وسایل و معرفی میباشد .
در این انتیک فروشی در چهار راه
راهن صادرت ایجاد نمودند .
کشورهای شان انتیک که نمایش
گردید از این نمایشگاه های خوب و معمولی
تعدی از این وسایل و معرفی میباشد .
در این انتیک فروشی در چهار راه
راهن صادرت ایجاد نمودند .
کشورهای شان انتیک که نمایش



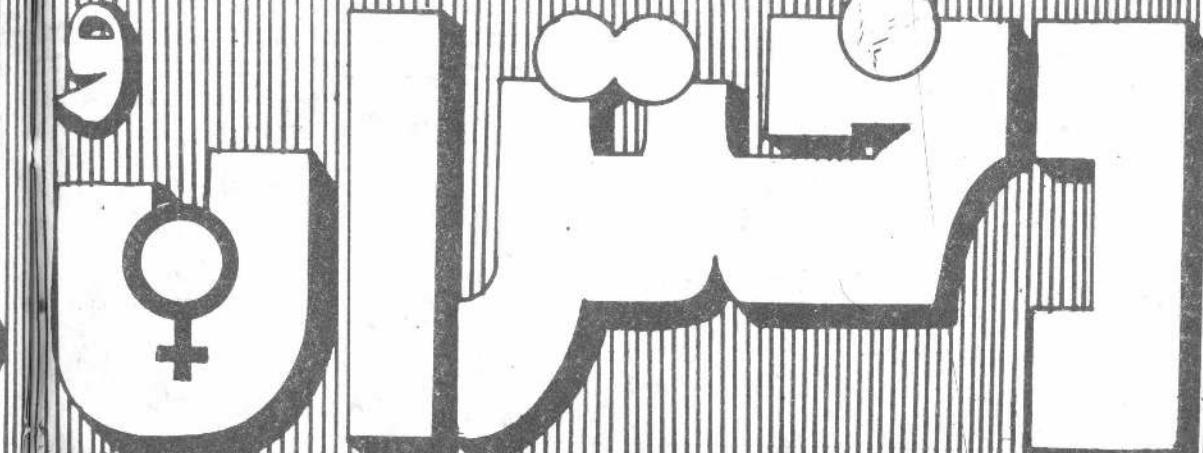
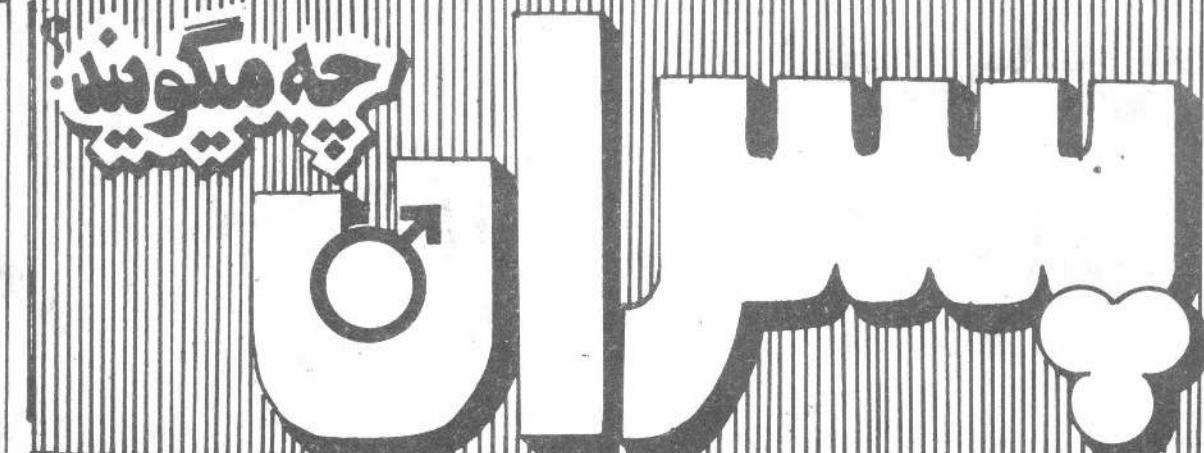
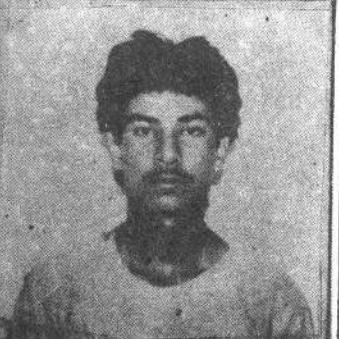
دقت در انتخاب لباس

عبد الرحمن محلل بوهمندی
علم طبیعی:
در انتخاب لباس نبایستی
تعابه زیبایی های عمومی دکتر
زیبا به تا"ثیر جازیه توجه داشت،
بلکه قبل از آن لازم است
به خصوصیات فردی و مقتضیات
شخصی اندیشید و از مردم رجھار
چوب این عوامل بیرونی کرده.
تعابه راینصرور است که جازیه
جنس و جانشی شخصیت فردی پی
بچای آنکه یک یگر را خشنی کند
به کلت همدیگر شناخته و فربیندگی
واعنی و خیره کننده ای بوجود
می آورند.

لباس های را دوست دارم

محمد قاسم محلل بویتختی
کاپتن:

الترسخن بر سر لباس است نا
گزیر موضع مد که بدیده "بیرونی
است به یاری میاد و دنیست تا
آنقدر که از حوصله" جامعه فراختر
بد رنیا پید مداریست و دست دام که
لباس ملی مارازی پاد و دست دام که
میتواند میان افغانستان باشد.



همیشه لباس بچه گانه

لیدا متولی صفت ۱۰ لیسه عالی آمنه فدوی:
لباس هایی کاملاً بجه گانه را می‌شنند و دلیل هم داشتن تیپ
بجه گانه است که دام و بیگانه نیزه همین لباس تشوه می‌کنند
و تا حال هیچگاهی دام نیو شده ام حتی در مکتب هم، در اول -
مسئولین مکتب مانع می‌کردند ولی حال امانت وجود ندارد. هیچ
آنفعی ندام تا مجبور به پوشیدن دام من شم واولین شرط
در انتخاب همسفر زنده کی قبولاندن" همیشه در طبلون بودن من
خواهد بود. و همیشه در بیرونی و طبلون سیاه و سرمه عی دیده میشم
به کلت همدیگر شناخته و فربیندگی
واعنی و خیره کننده ای بوجود



در انتخاب رنگ باید دقیق بود

هر کس باید لباس مناسب اندام خود را انتخاب کند و همیشه
بکوشد لباس اعماقی به تن کند که باشد مناسب باشد. من اکریا"
بپراهن و طبلون به تن میکنم و در نمایشات لباس همیشه لباس
غیر مبیوش چون لباس های محلی برخلاف خوب نکنند مراد هم
میگوید.

در انتخاب رنگ های نظرمن باید همه دختران دقیق باشند
چه رنگ های شنیده دوق و سلیقه آنهاست و خودم در پوشیدن
لباس همیشه از رنگ های فیروزه ای، لیمویی، کلابی و دیگر رنگ های
ظرف دخترانه استفاده میکنم.



بطلوان های تیمه مصححک ایست

بر بنیان محلل سال سه استیتوت دوتش طب کابل:
بیرونی از مسد را کاملاً رد نمی کنم، مگر بپوشیدن
بطلوان های تیمه و امثال آن های نار من منع کنم
در انتخاب لباس زیاد ترین نظر خامنی بخصوص مادران
اج میگذارم. گذشتہ از آن، من بادرد لرد ایست
اندام خود، که هر دختر باید بآن توجه داشته باشد،
لباسی بونم.
گلها ای زرد مورد بسند همیشه گی منست، شاید
همین عالم گزینش لباس ایام ازین رنگ باشد.



طرقدار مذ روز است

انیسه جعشن متولی صفت ۱۲ لیسه عالی آمنه فدوی:
لباسی را می‌شنند که مدروز یافتد مثله" امروزه امن کلان مدد
است و همیشه در همه حالات مرا با این لباس می‌بینند و البته بر علاوه
مدروز همیشه برای دختران لباس کلان و از اراده نظر گرفتن ذوق مردم را در
به مدروز برای بسیار میکند و دهه ای دیگر باشد ر
نظرد اشت اینکه کدام لباس را مردم
پوشیدن لباس نمایانگری کند و خواهش من هم همین است که نیاز
بخرم خود پسند، ولباس بیوش مردم پسند و از رنگ های برای لباس
همیشه کلابی و زرد را انتخاب میکنم.



لباس ساده و سنتگین

در انگه اوریا خیل متولی صفت ۱۲ لیسه آمنه فدوی:
من لباسی را می‌شنند که بتواند آبرو و هنر دختران را در اجتماع
محفوظ نگهدازد یعنی در قدم نخست در پوشیدن لباس مدد برایم
مطرح نمی‌شود و میکوشم لباس هایی کاملاً ساده و سنتگین که هیچ گونه
کشن بیجاد را می‌گویند و همچنان به حینیت همه دختران لطف
وارد نکند، بیوش. چه بپوشیدن لباس به نظرمن دقیق ترین عنصر
شناخت کرکنند و دختر است.
در انتخاب رنگ بیشتر پاسمن را می‌شنند.



رنگ فیروزه ای و لاجوردی دلخواهیست

فریده دلاروی معلم لیسه آمنه فدوی:
به نظرمن بعترین و مناسب ترین لباس های آنست که مناسب
به اندام و تیپ انسان بوده و باشد امش مطابقت داشته باشد
از هترین و به مد برابر ترین لباس های مطابقت به تیپ اندام است
باشد، هیچگاه استفاده نخواه کرد و در انتخاب لباس های مجنان
رنگ های دوخته های نه چندان شنخ را ترجیح میدهند. برای اینکه
اضافه از حد جلب توجه نکند.
از رنگ های اکثر فیروزه ای و لاجوردی را دوست دارم.



چه و وقت و کجا چیگونه لباس پوشید

سین عسکرزاده متولی
لیسه آمنه ای:

برای حسپوانان زیاد
بد نیست، اگر لباس بقیان برابر
به مد باشد. اما پاکمه جوانان
مازیوان مدد خود را در اینجا رنگها
پنهان میکند و دهه ای دیگر باشد ر
نظرد اشت اینکه کدام لباس را مردم
چه موقعی و در کجا پوشند کوشان
استند "که من نیز هنرمند با همین
همیاشم".

کریمی رنگ خاطر خواه من

عبدالستار سریارد رمکسب
لامعه شهید:

پوشیدن دریشی سنته را -
نسبت به دیگر لباس ترجیح میدهند.
رنگ خاطر خواه من کریم است.
انگیزه" بسند این رنگ مطابقت
آن باز و سلیقه" دختری
است که اراده دوست دارم.



دلم کن همان کنم

“



سیما با برآرد زاده اسحاقی سعادت

ان جای قمیون وجود ندارد
کشواره دوست دارم

فاکنون از فشر باز مانده است

سینما ترانه قصیدانم

ساحجه از صبح رهن

ازتلخی کدام خاطره اش جیزی بگوید:
- راستشاینست که نابسامانی هاد رمحیط هنری مازیاد است...

- مثل؟
- مثل؟ برای نوروز سال ۱۳۶۲ شن آهنگ را که حاصل زحمت پکساله بود برای برنامه "کسرت تلویزیونی" لبستگ کردم. در شبیکه قرار بود آهنگانش روشن صرف سه آهنگ را نشکرند و نشرسه آهنگ دیگر تا عید بمعطل شد.

- بد ون دلیل؟
- خیر به دلیل اینکه گویا کسرت فلان هنرمند اخافه از جند آهنگ داشته که علاقمندی بیننده "تلوزیون را جلب نکرده".
بس باید از سینما ترانه منافقه" تعداد آهنگی آن نشر شود.

احساس میکم که ترانه زیاد گفتنی های دیگری نیز دارد. با سخن صیغه و صدای آرام ادامه می‌دهد:
- بالآخره باید کسی و یا کسانی بپداشوند که بتوانند تغییک نمایند که کن، جطور و چگونه آهنگها را -
بمرايد؟ میخواهم بگرم من نیتوانم از کار خلاص و بقیه در صفحه (۸۲).

سینما ترانه را در منزلش مراج
من گفتم اوردریک ایارستان باما دارد
خواه هر برآرد رش زنده گی مینماید
حینیکه در رامگشاپه همان
گروه و صحیت ترانه های من را
دارد. در معاشرت صحیمیس و
کم نظیر است. حینیکه دقیق
میکنی در می یابیم که پشارت ایام
متلعلی اش (سالهای ۱۳۵۶ تا
۱۳۵۸) که حنجره طلای آمه
ند وی بوده هنوز را و جوانانه
با قیمت.

سینما ترانه کارمند رسی را در یو
تلوزیون و بروز پوس ببرنامه
جوانان امروز در راد پروانه -
ستان میانند. گاه تا همی اگر میل
او شد میخواهد و میخواهد.
میخواهم بدام جراحت نیست
که فاصله این با او از خوانی زیاد
شده! احساس میکم کسی خواهد

دیگری هنرمند
و سینما ترانه

۰۰۰ آهنگها یشد



سینما های بلند و سینما های زیاد دوستداره

در باغ و حشی کابل:

داد دید

بازوی
بازوی

کارا شکر: سیدا

بند اشته شود)

برخی کد بعد از شکنش زیاد راست یک کودک برای شما یک گپ مه نیست؟

- ((هست، ولی مسولیت مستقیماً متوجه فامیل طفل است که در وقت غیر رسمی تاشامها در باغ و حشی بوده‌اند))

- آیینه نعله ناگهانی شیرا زگرسنگ اونبوده است؟

- ((نخیر، شما کامله غلط فکری کنید. اگر مایل شترکشته شده رابرای شیر اند اخته باشیم و شما خود نزدیک قفس شیرشده بیاید داخل قفس بروید، شترانی، اگر شیر راهنم شد مامسوب بود یم بیلکه شمارا خواهد خورد. شیریک حیوان و حتی استه نه اهلی))

- امکان ندارد برای تasha گران آگاهی ولواین در چاهای طفل کوچک راندیک پنج هزار می‌بود نصب شود؟

- چه کنم؟ بار بارست ایستاده می‌کند، بگویید ماچه که موظفین ما این موضوع را به مردم می‌نفعانند، اما انتوجه نی کنند بسیار مشکل است که برای هرفرد که از باغ و حشی دیدن کند مایک نفر نمایدیں لاجرم شیراید مجرم بقیه در صفحه (۹۲)

به هر صورت من هم در مسوبه نهاده خوش باشیاری می‌نمایم و مسؤول حفظ و مراقبت با غر و حش را وارد روسی ساز نموده و مورد توضیح داده باش های او جنین بود: ((ماهیجی نوع مسؤولیت در مورد اینکه نهاده طفل را شیر خورد نهاده و نهاده آنها باند))

بنده عقیق نهفته است.

از این جوانیکه درست کرد که قرار دارد خود را راعمه طفل می‌خواند جان رامیمیرس اوردر -

حالیکه گویا از تراپی این قصه خسته شده باشد بالحن گرفته و خشن شروع به سخن کرد و گفت: ((پکوز و قشم به باغ و حش از بیش قفس شیری که گذشت که ۱۰۰۰ اوردر یک گرجیزی نگفت و بعد از رسشن اور یک گرجیزی نگفت و بعد از رسشن چنان که زیاد از تراپی این معالج چنین در اینست که عصریکی از زیزمه ماه سنبه کودکها چند تا از اعصابی خانواده در جریان دیده اند از علی صحبت کم خواهند بد پرست د رغیر آن من حاضر نیست باشما من گذشتند که دفعه ای شیر خواهند دیده اند، اما انتوجه نی کنند صحبت کم با خود فکر می‌کنم؟ (وی نموده دست راست کودک را که که حاضر نیست د مرد باماصحت نمایدیں تماش داشت به دهن

مزمل کودک بسیاری با معموم که د ونم سال عمر دارد، روی پسترش خانه آزمیده و گنجایش دست ازدست رفت این می‌اند -

پند وی و حشیت سبیمانه عیوانی که شهد زنده عکن اش را برازی همیشه تلغی کرده است. کودک برش نگاه می‌کند. در سیما پیشتر من و هوی عقیق نهفته است.

از این جوانیکه درست کرد که قرار دارد خود را راعمه طفل می‌خواند جان رامیمیرس اوردر -

حالیکه گویا از تراپی این قصه خسته شده باشد بالحن گرفته و خشن شروع به سخن کرد و گفت: ((پکوز و قشم به باغ و حش از بیش قفس شیری که گذشت که ۱۰۰۰ اوردر یک گرجیزی نگفت و بعد از رسشن اور یک گرجیزی نگفت و بعد از رسشن چنان که زیاد از تراپی این معالج چنین در اینست که عصریکی از زیزمه ماه سنبه کودکها چند تا از اعصابی خانواده در جریان دیده اند از علی صحبت کم خواهند بد پرست د رغیر آن من حاضر نیست باشما من گذشتند که دفعه ای شیر خواهند دیده اند، اما انتوجه نی کنند صحبت کم با خود فکر می‌کنم؟ (وی نموده دست راست کودک را که که حاضر نیست د مرد باماصحت نمایدیں تماش داشت به دهن

گناه از گیست: از شیر، از کودک و یا از مسؤولین باغ و حشی؟
آمو باغ و حش میگوید:
”مادر مورد هیچ نوع مسؤولیت نداشته“

ضمن اطلاع از نایه، یکی از دوستان مجله چنین در یافتن که چندی تبلیغ با غر و حش کابل واقعه محیب و لخراشی روزداده است. واقعه طولی بود که کودک د ونم ساله س جین تماشای حیوانات با غر و حش کابل به کار قصه نیمیز راندیک می‌شود و شیر با حشی توڑه اش برآ و حمله ریشید و از راه پنجه را جتلایل می‌بیند پرده دست راست کودک را از شانه جدا کرده و پی بلند ...
 هرای دنیافت را قیمتی بوضع روانه شفایخانه صفت طفل می‌شم تایا کودک شد پختی که دستش طعمه پستانه شیر در سند با غر و حش تگردیده، از زنده یک صحبت نایاب



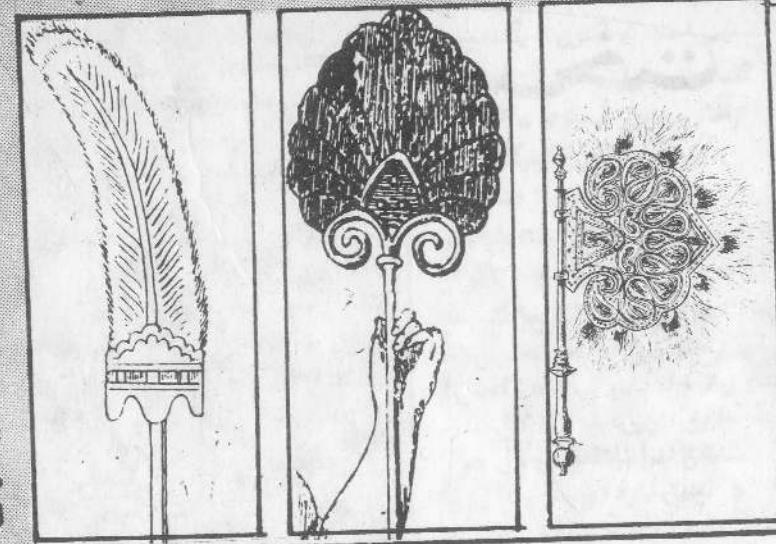
دەرىتارىخ

په اړان کې ټیاپکۍ د یو مکرون
سایان پرخواي یو ډن هم او ډن
ښولو : هلت د اوپک کول ډن
هی احترامی مطل کهد ۰

به یونان کی لعل غرفونیزمانو
را ادوس کریم تندل کیده هله
نهنه دینی و عشق المی (زب
الشرع) اپروده است (phrodite)
نه اهد اکیده ایه دیده ولی
غشتل جس ریب النوع و خیل و
عشق به مطلب کی راجذ
گزی میخواهه له هنچ شعفه
کی قیه ایول می پکوون در لطفه
بروست بحال الرغون و دم ته انتقا
جس بیان اوهای بر اخته
و نده هه

د مساحت ده هن دروازه اد
ختیار سرمه پلای هم پکی د
نهشه آراش بروسلمه اوت
رات اندازی هم چویه مذ همه
اسوده اجرا کولمه وخت هـ
ل کدهه دروسته بیانیه بروهم
بوده کن ده دروازه هاس کونه
لر و نوهد بنایسته سامان توخته
کدل کدهه میده ده وخت کـ
هه د اگر تا خنده جمل الطارة
رساند لـ و پکی د همینه کلشـ
هم شویه

بـهـنـيـهـ سـاـخـتـانـ کـيـ خـسـرـ
بـوـزـونـهـ تـراـوـسـهـ هـيـرـامـشـ تـ
بـاـ اـوتـرـاـوـسـهـ هـمـ رـوـاجـ لـرـوـ
بـهـمـ دـ (نـازـولـوـ) بـنـخـواـوـ
بـرـزـرـهـ دـ بـهـهـ (ظـرـافـتـ) لـ
بـنـهـ دـ آـبـرـوـيـ شـكـلـهـ سـهـكـ بـهـ
بـكـعـزـيـ .



د پنجه هار پیچیده به ل پرس خواه
نیوز مانوا هم پردازی شویس
لرزتر لیز مدد د ریز روکل کنونه شاد خواه
کن د هفتم له موجود پست خخخه
تنه بزی *

د پکی به جو پرست کی ترا و سعی پرس
بد لولونه رانقی پکی به پرس خخت
کن د اسان په زوند کن د بز نهات
هی مثاله رول د رلوه ۰ ۰ هی سوی
صری ملکی چن د میلا د شخه ۱۲۰۰
کاله بخواهی زوند کاوه ۰ د قمره
کند لمورخت کی پولوی پک و -
موندل شو چن د لام نهولسو
خای س بوده طلا عین خوکه د رله و
د هفتم نیم د ابروی سر ظاهرا -
د اوین ما رغه (شترمنغ)
د بنتکود کلکلوبهاره کیجنس سوی

میسان شر پس دار من سیوسو
خای بس بود طلاین خوکد رلو وه
د هفده نیم دا هرودی سر ظاهرا -
د اون مارغه (شترمنغ)
د بنکود کلکلولهاره کوچنی سوری

The image consists of three vertical panels from a historical manuscript. The left panel shows a long, slender key with a large, curved head featuring fine, radiating lines. The middle panel displays a key with a bulbous, rounded head and a decorative scroll at the base. The right panel features a key with a head that is highly ornate, resembling a floral or mandala pattern, with a small finial at the top.

هندو امپراتور چی خپلہ مودا و میر منی یہی و وزلہ

به عن بن هوبنے بخه یانجلش د
بالاتین مانی او ناکوم بل قصر تمه
ولیزد وله او کله کله بن به دستی
به حال کی ((بنکارشویی مزارید))
خبل کوم ملکری ته وبله .
نرون د خبیلوه سپازیه د وام
در روم پرنسکی پناراد اسی فاجعه
راومنله چی حتی تراومه هم د -
رومیانوارد روم له او سینیون ملوخه
عییر نده . او عفنه د روم د پسار
سوزنول و . نرون د دی لباره جس
خبل دیوست شعرولیک روم تهیں
او رواجاوه او له لیری ی داورد -
وحشتاناکو لمبو او د تورو د بد ونسو
تماشاکله . روم و سوزنید او ورسه
به زدگونی سخنی ما شومان سبیین

زیری او خوانان اود رومی تمد ن
مانی و سوزیده . خلکود لیونی او
هوسیاز امپراتور پر ضد قیام و کمر او
امپراتور خیلونه هیرید و نکوچنا -
یتونتو بارلاند ی ونرید او به خبلو
وینوکی ولعید او دروم باتی خلک عی
له شره خلاص شول .
لدی بیسی و روسته دروم خلکود
نرون د زوند تول باتی اثارله منحه
ویویل او داد دی لباره چی د -
دغه انسان ویونکی او جلاد منشه
امپراتور نم دتل لباره د بشتری
قاموس له پاپوتخته باک کری خسو
لدی تولوسره سره د هفه نوم
او د هفه د شرم زوند کیسی له پیوه
نسله ملته انتقال موی او د هفه
اعمال او کارونه لاتراوسه به ریه و او
وحشت سره پان زنری .

هفعه لری قریانی چی بشرکولا ی
نی قریان بکری . در اندی کم پیش
وی او بدی بول من دخان لیاره
لپیر لوی او تلپاتی افتخار او شهرت
گتیل وی (۱۰)
واسی چی نرین پیر خله خیل
لخان د بیخی به بول جور اوه اور
در باریه محافلوکن به نخیده . کله
به بی د تیاتر د من پر سرسند ری
ولی او کله به بی د نایشنامو بیه
تمثیل کی و نده اخیسته . اوتر بوله
حاله د اجی یوه ویع یعنی لخان د
بیخی په شان سینکارکر اود سلکونو
در باریانه ویه اندی بیه له فیشا -
غورت سره واده وکر .
نرین به نیموشیوکی د ((مردار شد
بنکار)) کایه . داهنجه نوم و چس

نرون دغه بول لویوته ورگر یو .
پدی بول چی هرشیه به عی جس
هوس و شونوله خبلوئندید ربارانو
سره عی دنباره تورتم کوخوکن
کمین و نیوا و هر کله به چی له هفن
کوشی خخه کوبه بخه یانجلس
تیریده . هفه به عی به زوره بیمه
به خبلو لاسو سیله اوله لنه کنمکش
وروسته به عی و تبته له اوی می به
عی هفه لوخه کبره به خبل شال
کی به عی و نغبته اوت رهفه وخته
پوری به عی و رسه لویی و کری جس
سله بل ته انتقال موم او د هفه
اعمال او کارونه لاتراوسه به دیره
اور حشت سره یاد نیزی .
بن ھونه به شود اوله هفه و رسه

هعن عزمه سوی شواخ خلله بنکل
این کاه میرعن بی جلاست
وسبارله اوبی وزله . او بیانی لـ
خیلی بخوانی معمتنقی سره جـ
((بیوه)) خویده او پرور سرور
سریره بـ لـ بویزبور کسانی سـر
هم جنس ناروالی یکـ دـ رـ لـ وـ دـ
وـ دـ وـ کـ رـ .
زـون دـ خـبلـ مـورـاـ وـ مـیرـشـیـ اـ
نـیـلـ کـیدـ وـ بـارـهـ کـیـ دـ اـسـ دـیـلـ وـ
((اـیـاـبـوـعـیـرـیـ جـیـ مـورـاـ وـ مـیرـمـنـیـ
وـلـ وـدـلـ اـ دـدـیـ لـبـارـ مـیرـ
شـعـوـیـ بـ هـرـکـ مـحـکـمـ کـرـیـ جـیـ دـ
شـلـ شـلـهـتـ اوـ وـیـلـ لـیـارـ مـیـ

شـیـطـانـیـ اوـهـ هـوـسـوـنـگـرـ فـکـرـهـ
وـسـیـلـهـ بـیـ دـ رـمـ خـارـوـهـ یـهـ وـیـسـوـ
ولـرـ لـهـ اـوـدـ خـلـکـوـنـیـکـ اـرـمـانـهـ بـیـ لـهـ
خـاـ وـرـوـ سـرـهـ خـارـوـیـ کـرـ لـ .
دـ نـوـنـ دـ اـمـپـرـاتـرـیـ بـهـ دـ وـرـانـ کـیـ
دـ اـسـ نـیـهـ نـهـ وـ جـیـ بـیـ کـاـهـ
خـلـکـ دـیـ یـهـ وـحـشـیـانـهـ اوـ فـجـیـعـ
لـوـلـ وـنـهـ وـزـلـ نـیـ اـوـدـ هـغـرـوـیـ
لـهـ سـرـوـنـهـ دـیـ مـنـارـوـنـهـ جـوـنـشـیـ .
نـوـنـ دـ اـسـتـبـدـ آـدـ اوـوـحـشـتـ سـرـیـرـهـ
هـوـسـیـاـزـسـرـیـ هـمـرـهـ دـ خـاـوـانـیـ یـهـ
کـلـوـنـیـ بـرـوـهـ بـلـکـلـ نـجـلـ جـسـنـ
اوـکـتاـوـیـانـوـمـیدـهـ مـنـ شـوـاـلـهـ هـغـیـ
سـرـهـ بـیـ وـادـهـ وـکـ خـوـدـ بـلـلـیـ لـهـ

دـ عـرـونـ دـ اـمـپـرـاتـرـیـ بـهـ لـوـمـ بـوـ
شـیـزـ وـکـلـوـنـیـ دـمـ دـ بـیـشـیـرـ وـهـاـسـوـ
وـلـیـسـوـفـاـرـ دـ بـیـوـهـیـ مـعـقـلـ اـوـسـمـ
چـلـنـدـ بـهـ نـیـحـهـ کـیـ تـرـیـهـ حـدـهـ
بـرـمـخـتـکـ وـکـ خـوـرـسـتـهـ حـمـاـنـ
شـوـیـسـوـکـیـ اـوـلـیـسـ اـمـپـرـاتـرـدـ اـسـتـبـدـ
چـارـهـ لـهـ تـیـکـ رـاـجـهـ لـوـمـسـرـیـ
بـیـ لـهـ خـبـلـ شـاـخـوـانـهـ تـوـلـ بـرـهـ اوـ
بـاـدـرـاـیـهـ کـسـاـ لـسـیـ کـوـنـ اـوـ تـوـلـ
وـاـنـ اـوـقـدـرـتـیـ بـهـ خـبـلـ لـامـ کـسـیـ
مـقـرـکـرـ کـ اـوـدـ خـبـلـ سـدـایـ اـوـ

هعمہ امیرا تور چی خپله مرد ا و
میرس جی دوزله او بایاخت یس
وسوزاره نمی گلوه یوس سزار
در یوسوس کرما یکوس و خود ایرون
بے نامه بی شعرت در لیو د همه
شمرت تور یاتم حد د قیامت —
بی رحن ا استبداد او ایمان
دزی مستقیمه نتیجه وہ
نیون یه اوہ د یونیم میلادی
کال د استیم یه بیماری ویز یکه
بلاریں گایوسرد و بیتیور اهنتر
باریوس او منیع اکریتا نومیده
بلار او یوری د تسب لم تھی د یون
بے لومری امیرا تور اکستوس سو ری
او د د لیو د
د تروں مر خپل میره گلوه یوس
و هخواهه جی خپل اوہ لر گل رونی
نزو د خپل جانشین یه حیث
وہاکی خوکله جی تروں د اکاروکر
میرسی ی هعمہ تھ زهر دیکرل او
عن واڑہ او دار دی پیاره چس
لہی بی تروں قدرت کے درستیز ی
خرکله جی تروں د امیرا توری بسر
تحت کنیاست لومری بی تول
اخنیارات اصلاحیتیہ تونتیرو
لہا تکر و مشادریوئے و مباریں از دیسی
عی خپله مردے خپل اسوسو زلے .
د تروں د امیرا توری به لومری بی
نیز و کلوکی نم د یوشیری و ھانسو
اویلسوفاتر د یوهی «عقل اوسم
چلنے بے نتیجه کی تریوہ حد د
برمحنتک وکر خو زیریسته لھا ن
تو میتوکی اولیس امیرا تور د استبداد
چاره له نیک راواسته - لومری بی
جی کھ خپل شاوخوانه تول بسو او
ایم رایته کسای لیزی کرل از تول
وال اوندرت بی به خپل لامر کسی
تمھر کر کر ایود خپل سعد ای او

دروزه ملی پژوهشی سیاست

محله سیاست با شرایط ملحة
آنکه وارد سیاست
شود، مطلب درج بشه
جهان سیاست را برای خواننده
گاه از این مدارد. آید و رام
د و مثان علاقه دارند در زمینه
سایر امور
رسانید.

دروزه فصلنامه

هر دوی خود دین انتخابات را
مرهن چند نفر خواهد داشت
نخست رئیسی که به
یک از برآورده نزد روسای جمهوری
ایلات متحده در این فتن ت
وزنه خود را در کله اونهاد به
دوی اجنبی که با زنگ خاص میباشد
خوازند که با زنگ خاص میباشد
کارزار انتخابات از این همراه و
تصویر را در این همان مرد امریک
جاداد که بوضیع افعی و اسد
میباشد که خواهد بود و بسا
همین خدمات بیکر بود که بسو
پس از دنیافت خبر بیرونی از
بعیض وزیر خارجه خود معرف
کرد.
شخص سوی خود را کاکه
است که کهاین غیرموده از کوچک
دلیل را برای رای دهندگان
امرا کای از این نتوانست تا
گونر نسبتاً ناشناخته از ایالات
ساجوست را برای اداره کند
خود بر گزینند.
د و کاکه حتی نتوانست ام
پکانیها را قاتم دهد که رفته
دوره ریگن به نفع نروپتنده ای
به بھای قرضه عظم و بزرگ برای
دولت امریکا دست داده است.
هم اکنون کسر بودجه امریک
زیاده از ۱۵۰ میلیارد دالر
است که در نتیجه ایالت متحده
بزرگترین کشور قرضه دهند
کلانترین کشور قرضه گزینه تبد
شده است.
قرضه خارجی امریکا که به
بقیه در صفحه (۸۲)



دری یکی از کهنه توزانه د
ترین مبارزه انتخاباتی برای
رسیدن بمقام رئیس جمهوری
در تاریخ معاصر ایالات متحده
امریکا. جویی بوش با کسب
پیروزی بر قطب خود مایکل د ولک
کهی از حزب دموکرات بعیض
جهل و یکین رئیس جمهور امریکا
راهی قصر سفید شد. اما نتوان
نیکیتی خود را درین ریاست داشت
کهی از شعرت و معنویت خاص
برخورد ارادت، تکمیلی از ایا
ند دادن حزب وی رای منابع
نمی داند به نظر وی باید در لیست
کاند بداین حزب کنکری میان (ای)
تغییراتی وارد آید.
د پیشنهادی چند روز قبل برای ۱۰
گزارش سری درباره وضع سکه ای
از تصمیم ارد وی هند بخاطر ایکان
زی جای مقدمه همین سکه
امید طلبی در امریکا از ایا
طیون عده ای از سکه های
تاثیر تبلیغات دشمن فرار گرفته
و تکمیل که دولت به مذهب آنها
آهانت نموده است. رهبری ایشت
ادای وی به این نظر اند ناز
محافظین شخصی وی سکه های
برطرف کنند. به طبق ایکان
راه حل نیست و تکمیل که ایکان
سکه های از اقامتگاه شان بکشند
مثالی غلطی برای موده هند خواه
هند بودیم باید بخاطر وجود تسلی
ومذ همی هند از این کار صرف نظر
کرد.
در همین وقت نتیجه دارست که
شخصی وی تبلیغون میکند، که
گروه که میان ها در ایالات متحده
ت که در راه اقامتگاه وی فرار
داشت آمده اند روسای پوتینی
قبل آماده شده است.
بقیه در صفحه (۶۶)

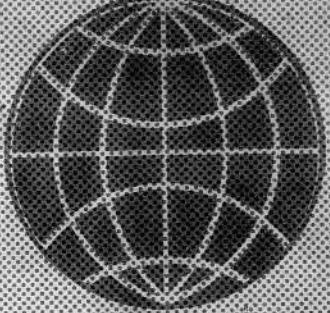
اندرالاندی به ساعت ۷ شب
از ستر خراب برخاست بعد از
ریتن به شناب در عقب میرشسته
و شروع به خوبیدن فنای صحنه
نمود. امروز اوچه در پیشتر
دانسته آخرین مسافت های
انتخاباتی به بعضی ایالات -
شان داد که در بعضی جاهای
اتحاد احزاب مخالف که در این
واخر به سیان آمد بود مستعد
میشود. به این معنی که باید
حزب کنکری میان هند (ای) را
تعالی از هر وقتی پیش از خود
اندرالاندی درین را بید هند -
گان آن شعرت و معنویت خاص -
برخورد ارادت، تکمیلی از ایا
ند دادن حزب وی رای منابع -
نمی داند به نظر وی باید در لیست
کاند بداین حزب کنکری میان (ای)
تغییراتی وارد آید.

د پیشنهادی چند روز قبل برای ۱۰
گزارش سری درباره وضع سکه ای
از تصمیم ارد وی هند بخاطر ایکان
زی جای مقدمه همین سکه
امید طلبی در امریکا از ایا
طیون عده ای از سکه های
تاثیر تبلیغات دشمن فرار گرفته
و تکمیل که دولت به مذهب آنها
آهانت نموده است. رهبری ایشت
ادای وی به این نظر اند ناز
محافظین شخصی وی سکه های
برطرف کنند. به طبق ایکان
راه حل نیست و تکمیل که ایکان
سکه های از اقامتگاه شان بکشند
مثالی غلطی برای موده هند خواه
هند بودیم باید بخاطر وجود تسلی
ومذ همی هند از این کار صرف نظر
کرد.

در همین وقت نتیجه دارست که
شخصی وی تبلیغون میکند، که
گروه که میان ها در ایالات متحده
ت که در راه اقامتگاه وی فرار
داشت آمده اند روسای پوتینی
قبل آماده شده است.

بقیه در صفحه (۶۶)

در ده ملی پژوهشی سیاست



ترجمه: میریوس سلیمان

اسرار قتل اندیکا

**پیش از مرگ خانم گاندی
بر سرقاטל فریاد برآورد:
شماچه می کنید؟**

۲۵ وانگاه
مرمی دیگر
درجاتش
ربخت

تحقیقات آنرا بدین کدام شن
به اینات رساند: قاتلین هریک
بیانات منگه، ستفات منگه
(۲۲) ساله، کیخار منگه (۲۳)
ساله و بالپر منگه (۲۴) سالدار
پیک شوطه جنایت امیزکه هد ف
آن به قتل رسیدن اند رالاندی
بود باهم سازی کردند و در روز
احرام آین توطه (۲۱ آکتوبر
۱۹۸۶) به ساعت ده و نیم
دقیقه صبح بیانات منگه وستغا

نت منگه که معرف احراجی و طا
پد امتهنی و درین زمان کارمند
محافظی افغانستان اند رالاندی
بودند توسط اسلحه دستی
دانش خود یعنی تقطیعه و کارا
بین اینها باید بخاطر وجود تسلی
نیز نمودند که در نتیجه اوزخم
مرگبار بود اشته و وفات نمود
متوجهند.

پتانی ۲۲ جنوری ۱۹۸۶ ام
آخرین جلسه قصاص، قاضی یکی
از محکمکه های بنام باخیش -
جندر ۱۲۶۱۹۸۶ و آخرین برق ادعای
نایه راد درباره قتل اند رالاندی
(۱۱) سفارجنگه که راورد
زندگی به قسم عادی آغاز شد.
من به این نتیجه رسیدم که





به وقت تقصیر است .

- بهترین مؤمنان آنها اند که خلق نیکو دارند .
- شریعتین آدمان ، روز حشرنده خدا (آج) آنها اند که در دنیا مردم از شر شان هراسان و ترسان باشند .
- خاموشی و خلق خوش بهترین عباد تھامی باشد .
- اسلام با عمل آشکار شریعت است . ایمان در قلب پنهان است .
- امنیت و سلامتی دو نعمت بزرگی است که بسیاری ها قادر آنرا نمیدانند و شکر آنها را نمی گردانند .
- به همدیگر هدیه بد هدیه ، همدیگر را درست بد آراید ، با هم مصالحه و ملاقات نمایید تا از دلای شماکدوت و ملالت بیرون شود .
- به همدیگر هدیه بخشید زیرا هدیه محبت رامی افزاید و پیار را زدیل می زداید .
- در معامله دنیا بکار رفتن تدبیر نیم معهشت وزنده کی استه مردم را بخود بتوستن و دوست نمودن نیمه عقل و خرد است .
- فرزون اندوه و رنج نم بجزی است که نفوسها یله یکی از راحتی ها و آسودگی هامی باشد .
- بعزم گمان نیک کردن حسن عبادت است .
- وقتی بیماری راهیادت می کنی ، در راه بھشت می خرامی .
- آنچه رامید اندی به دیگران آموزید . کار مردم را سهل سازید ، بهم به مردم مزده خوب بد هدیه ، سخنان نفرت آمیز نگویید . هرگاه خشمگین شدید برجا پنشنیده تاخشم تان فرونشنیده .
- کینه خوش های انسان رامی زداید ، چنانکه آتش هیزم رامی سوزاند .
- برای مرد همینقدر جعل کافی است که مغزی خود خواه باشد .
- برای ناراحت نمودن وجود انت همین کافی است که همسواره با مردم دشمنی و خصوصت می فرزد .

خدالج ، محمد (مر) را بروزید را از بیعت را ساخت تابسمان حق را به بند کاشن برسانند ، و سعد (مر) این رسالت را افسد . ارشد ، ایشان ۱۵ قرن میگذرد و همین را ک محدثی در پنهان طعن اند از است و مسلیع نهاد انسان در مردم توین تکیه مقدس نہیں برمیاری .
جه چیزی پسر بیان از ایمان را سین ایست .
ایمان که انسان را بزرگواری می پنند . محمد (مر) رسالتی جزا این ادعا است که انسان راه و سنتگاری و میادت خدا (ج) بر اخراج و آینین بعتری نیستن و ایمان ریستن را بیامونانه . محمد (مر) ایس را ظیف نماید درست ننماید ای ایشان د راستانه مهداد مسعود و چشمی ایشان برویار و رهگشای ای ایشان را بارشوانی می کنیم .

- به دعوت بروید و دعوت را جابت نمایید .
- آنکه در خصوصت و کینه شدت دارد ، دشمن ترین خد است .
- مساجد را ساده بنا کنید ولی شهرهارا با شکوه و آراسته بسازید .
- هدیه را رد نکنید .
- دوست تان را آشکار نمایید .
- هرگاه کارهای نیک ترا شاد گرد اند و کارهای نا شایسته ترا اند و همکن سازیس تومون واقعی هست .
- وقتی خشمگین شدی ، سکوت کن .
- بنج از شر را مقدار غنیمت شعریده زنده کی را بیش از مرگ ، تند رست را بیش از بیماری ، کار را بیش از بیکاری ، جوانی را بیش از بیماری و توانگری را بیش از در رویش .
- ایمان را سین در شکیابی به هنگام صیخت و غور میبرد .

کست تازه

محترم ستابنخواز چیزه رست
ماکه از جمله همکاران گروه باران
بود تصمیم گرفته بعد از این کاملاً
تنهاییدون کل کسی نعمتات
چنانه بی باستر انته نوار گند.
شاید تازه دانسته است که تنهایی
هم عالی دارد به هر صورت
در آینده نزد یک گست شازه از ارجه
های شنیدنی ستاره هنرمندانی
محترم ب دست من هلا فتند ا ن
قرار خواهد گرفت.

نامزدی و نیمه ماه عسل

سد بدیع "اوزخون حسوان
وقتی دیدخانه بر این است به
فکر زن شدم هو نامزد گردید اما
قره ای روز شیرینی خوبی اسد بدیع
برای اجرای کسری دقتیوال
میخک سرخ غازم سوچی شد ا و
برای برگزاری جشن نامزدی دوبار
به کشور بازگشت.

تازه ها

کنسرت مجانی

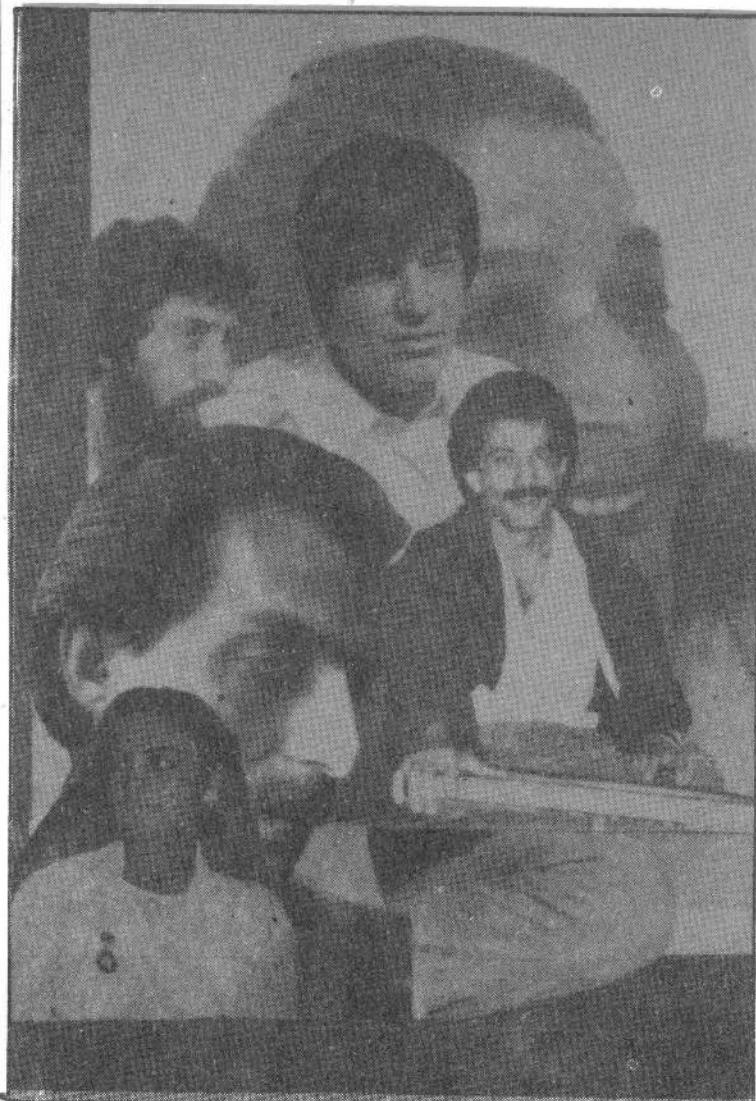
ظرف شامل یکی از آوازخوانان
برآورده شده است که همواره
با مشترکان در محافل خوشی و سرور
مردم شغل شویش را دنبال کرد.
آخر "اطلاع گرفتم که ظفرشامل
قبل "زینه علاقه مند انس را به سهر
آورد خود نی از آوازخوانی به سهر
آمد و تصمیم گرفته بعد از اجرای
کنسرت مجانی در یکی از سینماها ی
شهر برای مردم از آوازخوانی را
کنار گذاشت.
نمید ام تاجه حد موافق خواهد
شد.

سینمای سنگی

سلم سنگ چهره شناخته شده
سینمای ماکه در این اوخرسیار
موندانه در خنده همایح ششمین
فرزند می شود. او اکنون دارای سه
دختر و پسر است. امیدوار
است ششمین فرزندش نیز بسر
پاشد تا در چون "ولاد همسایه"
گردد. و اگر فرار اشند همه فرزند انس
را هی جهان سینما شوند به زود ترین
فرصت سینما یا سینما یا سینما یا
خواهد

سی درد دیست

"خبر" اطلاع گرفتم که منزل
وحید صابری هنرمند جوان
زاد یوتلوزیون موزد سرت قرار
گرفته و قرآن معلم به بع ای
بلع بنجده هزار تعدادی
جنس که شامل ویدیو را دیسو
کست است به سرت برده شده
است. وقتی وحید صابری
ظاهر ب خانه برمیگردید بگرس
حایی بولهایش را نکه و بارچه
دردم دروازه منزلش بازی باد.
وقتی جهان واقعه را به حسوزه
استیق مربوط اخبار میکند، مو
ظفین امنیتی یک از خوشایونه ان
خود وی را به این جم تهشم
میکند. و مامورین امنیتی سایه
لوشن دیگری سراغ گردید نه تنها این
به اصطلاح گپ بزرگان که
زخوشیت به مال میزد
و از بد بخت به جانش به وحید
صابری توصیه می کنیم که با خاطر
جمع به کارهایش بیرون از دنی و نفس و دو
که این حادثه در دنگیز بر رو ا
و تاثیر بگارد.



آل تعلیل

حمدیه عبد الله که نیزین گل
برسوز مشهور است چندی قبلاً
بعد ازدواج مفصل با اهیات زیویه
حاضر اینکه چرا به اوجایزه سه
اعطا گردید اند، از راد یوتلوزیون
تهرکرد است.
قبه اینطور بوده که برای کار
هایی هنری لرزنده جایزه های
در نظر گرفته شده بود و کاندید اند
فراوانه حمیده مجان که "زجمله
کاندید اند بون جایزه سه را میگیرد
و اهیات زیویه دعوا می کند و بعد
از نیایش و تعلیل توبه نصوح گردید
قهرمانی کند. اینکه دعویا شیرین
بوده پائے مانید نیم.

اتحاد مقدس

بخش هنر و بیانات را دیو.
تلوزیون یک تعداد هنری شده
های را خود را اشت که جدید
از تیاتر مرکزی اجرای کار میکردند
و حق بنده گان خداراد راهیین
آن تیاتر مرکزی هم کسانی را در خود
دانست که تغیری بیگانه با اداره
هنر و بیانات اد ای دین میکردند
در نظر گرفته شده بود و کاندید اند
فراوانه حمیده مجان و جدا از هم با هم
دوارگان همگن و جدا از هم با هم
متعدد شوند. ولی متلاط راد پیسو
تلوزیون نهاد برفته و قصر کرد اند.
از زیویه شم به خاطر آنست شیان
دعاوتی به یاد ازند و مارا هم بی نصیب
نگرد اند.

او سلسله استراتژی

کار و خود

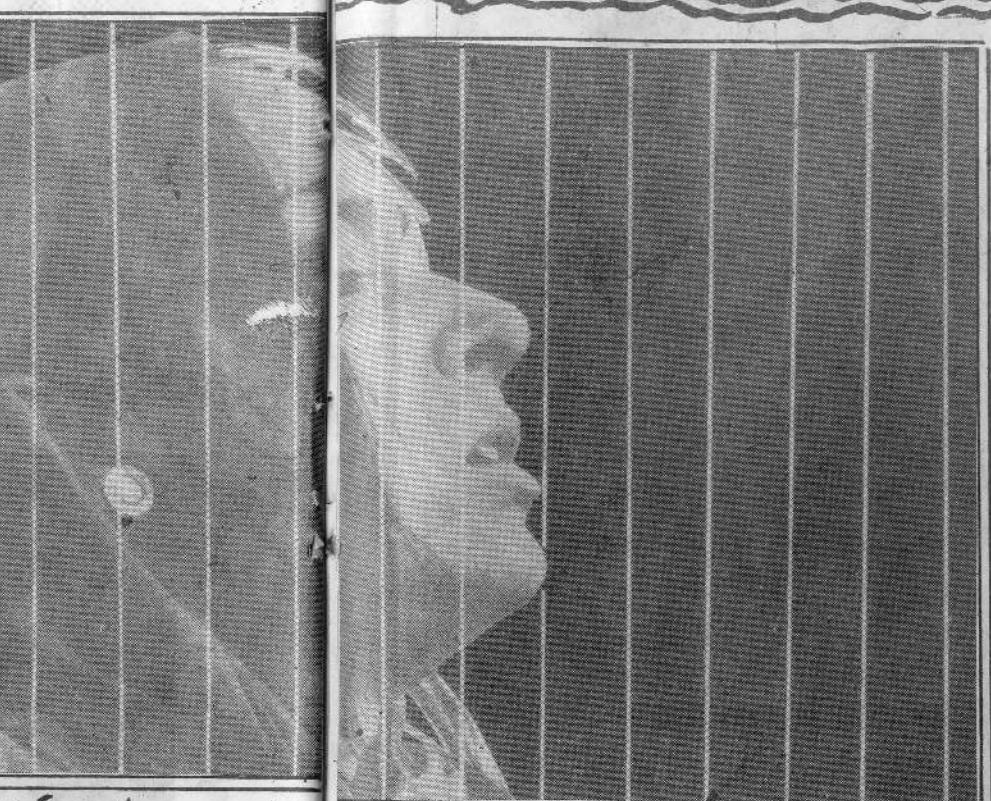
پیش

دروزه ای خود که

افتاد در موظف خرد و

دوش فرازگفت

برور شکته در حریق و گرداب های مخوف
کران زندگی ره می بیمود ، او راه کام خود میکشد ، او راهی
به ساحل نمی آید نشید ، اصلاً از
ساحل بیخی بود و چون زور شکسته
درست باده هرسو سرگردان
بود ، موجهاً او راه هرسومیکشان ،
او تا خود ای بود که از طوفان و گردان
باچیزی نمیدانست ، از اینها ی
رفته دیگر از گردان هارهایی
سیاهیکه برای الای سرش سایه
ندازی ، تو سیر موجه هارگرد ای
انگنه ، از موجه هایکه زور را خورد
خواهد کرد ، از گردان هاییکه در
اعماقش غریب خواهد رفت ، بسیار
کوک که هنوز هفت بهار زندگان
رانگ ، شناخته بود را فوش زنی
دریغاه که به ساحل نمیرسید ، در
بعنای بیکران بحر ، همچوکا هی
سرگردان بود ، سراین اسایه های
اضطراب فراگرفته بود ، سایه
ستگینی از وحشت یک فاجعه تمام
میگشتند و کوک آنسته آنسته
وجود را در خود فروزد و
بود به هرسومیا میدوارد "س نظر از
میگرد اما جز موجه های خشک این
وابرهای سیاه توفانی چیز دیگری
نمیدید . نریاد برآورد : هایی
هکاهی مردی به خانه من آمد
گرد اب هانجات بد هید ایکنکم
میداد و گاهی هم که اود بروقتها
هاین روح موجه هایی که آسود میگشت
بیجید و خفه میشد ، موجه هایی
مادر ، مامام چرانی آید ۲۰



کابل بنادوالی
خده وخت جور شو؟

دایمی عد الرحمن خان د -
سلطنت به دیوار کی د کربالی د -
تند شرکتکه یه اداره بروجوره
و هیچ دسرا اوتسته های
رسولی اداری به نامه نهاد
لیت کاره . دنی اداری -
تشکیلاتی اداره اداری خود
لایر بحدود او همانکه نهاد
که هم بیزی لزی دی خوده -
شاد امان الله د سلطنت میخواست
که بیزه سیستان براخه اداره -
("دینستبلدیه") به نامه خود
شوه پی اوس ساروالی پس
ستگان سکل دی .
دیلکسی دیرسته کار اودند
د براحتی اداره بیانی له کلمه د
بلدی به ریاست بدله شود د -
دقه ریاست جاری دیلکسی د -
نظم امنی به ویله تنطعه تویار
و بلدی داداری لیاره آنتحایی
و یکلان و یاکل شول .
همه وخت د کامل بلده د -
شعر تطبیق برجاره سریزه د
عویی باخونو خود د - سار
رسانه کول او سار بازمه د خیلو
د ای و د رسولیه مقصد د ای و
رسولی دنبو خود دلهم به غاره
و انشغل .
یه همه وخت کی د دارا -
لایان به ساده کی د سویی نیار
جهنم دل بیل شول . د دعه شار
نقند د آنای مهند مینویه خواه
جهنم و شوی و د دار الامان او
تاجیب به نامه قصرویه یه هنف
سینی نهی نهانکی سکل د -
پیش دهی به شاده وخت کی
جهنم شول . د افر قصر نوشا خوا
ته لمر کاری دیاره بقنه کی
به نظر یک بوق شوی وید . بیمه
عده ساده کی د دل جه نهاده
برویه هم ترلاس لانه دی سیل شوی
و ه ، خوشا سعادت یه غیاد کی
دیگر وی د رایه اکیده وله کلیه
ده نهضت هم نیکی پاشی شوی
ده وخت به تیره و سرمه بیلسی
نیاست به کابل ساروالی سدل
شوار دندیع هم بیاختیاره میوله
او د کابل سار و دیوار به پرسته
ملیکی سار و دیوار بی ارسان
ساده تابوه بی اکره د شاره
پیش و سکنی بلان سره سه
جهنم خیل اوس احستلوه
پیل کیزی .

هزبات مشت ولکمیکرد . این
نخستین بار بود که میانه بضریات
دستهای سنگین مرد خورد و خیبر
می شد . مینامیکید و بیرحانه
برآمده میزند بالین هم راضی
نمیشود ، اور ایام ، بالای خار
هاییکه برازی تبور جمع شده بود
برتاب میکند ، خاره اجره د
نازک رانجه میکند و باد اد و فریاد
از آنجا بیرون میشود ، در اینها ،
دستهای دنی خاره افرومیر و د
رزو بعد مینار اد رحالیکه زار زار -
میگریست با خود میر ند و ارابه
ای مباراچ اساحب میبردند ، در
آنجا بیکفشنل نامزدی وی بود ، وقتی
مینایه این خانه آمد و باره گریست
به هرسوکه نگاه میکرد همه چیز
د رنگش ناشناخته انگیز مینمود
من هاکه از خواب برخیواست
تباله کاورا به دیواره ایندز ،
هارا بدیر اشیو ، این خارها
چیزی نیست ، زخمی آن التیام
می یابد ، اما خارهای دیگری در -
میزند مکن ات فراخواهد گرفت
که زخمی ای خواب برخیواست
تباله کاورا به دیواره ایندز ،
تثور را آتش میکرد ، حتی ببالای او
نشارم آورند تانان بیزد ، هینم
کس بود که این نوازه میداد ،
جمع میکند ، آما و هنوز خورد بود
کس بود که خارهای وجود دارد .
هنوز غذا بخت و نان بخت در -
بیت احسان گنگ و ناشناخته
تثور آنید است ، دستان لایف
و کوچک تحمل آتش سوزان تصور
می ساخت ، روزهایکه اونی آمد
دل و این میشه و به تکرار از این د
میکرد . ساله اند شست و ایه منف
خاکستر خواهد شد و در منجلاب
تا آنکه درازه خوبی به ماده ای د
آید . ۰۰۰ چشم های مینا از خوشی
زندگی اش چون روزی شکسته
د متغیرش اموج ملاط خواهد
گردید . روزه اولمه این هم که شتند
تا آنکه روز نمذن که یک شتر
بد هم .
میناکه هنوز از این که هایی
نمیداند ، شن آلوهه میگردید :
- چه میکنی مادر لشونه جیسته
- بدر اماده را بکوکه دیگر این
کن !
میناکه از او خیلی میرسید دوان
بدن کبود شده و خارهای فورنسته
درین اونکاهم میکند ، خارهای
میکند اما زورش نمیرسند . مرد و باره
میگردند :
- جلت رانی و دی !
- مادرت به خیر تو گپ میزند
معد ماینست که بایت رایه
چای بند بسازم ، زمانه خرابست
د ختن ، مامیخواهیم که زندگی
آنده ات خوب شود ، تهاترا
نامزد میگشند :
- ماما ایان ، مر ایزین ، ماماجان
مرا هم اخوند بیز .
- آم باش د ختم ، تو ای خود
میخواهد ازینه پایان شنود
میمیم ، گرمه نکن حان بدرا ، آم -
باش . ۰۰۰ بقیه در صفحه ۱۸

در برای بر ریگانگه اشته و میگردید :
- د ختر اگرچه خورد است اما
مارس دارم که نامزد خورد را
تازه ایکه بزرگ میشود در خانه
خود نگه دارم ، تابه خوی هادت
خانه بلک شود . فقط یک د سال
بعد اینگه میشود . ۰۰۰

وقتی بای بول در میان می آید
بد ر ماد ریدون آنکه به نکرد ختر
باشند سخن اورامی به بینند و چند
روز بعد مینار اد رحالیکه زار زار -
میگریست با خود میر ند و ارابه
ای مباراچ اساحب میبردند ، در
آنجا بیکفشنل نامزدی وی بود ، وقتی
مینایه این خانه آمد و باره گریست
به هرسوکه نگاه میکرد همه چیز
د رنگش ناشناخته انگیز مینمود
من هاکه از خواب برخیواست
تباله کاورا به دیواره ایندز ،
تثور را آتش میکرد ، حتی ببالای او
نشارم آورند تانان بیزد ، هینم
کس بود که این نوازه میداد ،
جمع میکند ، آما و هنوز خورد بود
کس بود که خارهای وجود دارد .
هنوز غذا بخت و نان بخت در -
بیت احسان گنگ و ناشناخته
تثور آنید است ، دستان لایف
و کوچک تحمل آتش سوزان تصور
می ساخت ، روزهایکه اونی آمد
دل و این میشه و به تکرار از این د
میکرد . ساله اند شست و ایه منف
خاکستر خواهد شد و در منجلاب
تا آنکه درازه خوبی به ماده ای د
آید . ۰۰۰ چشم های مینا از خوشی
زندگی اش چون روزی شکسته
د متغیرش اموج ملاط خواهد
گردید . روزه اولمه این هم که شتند
تا آنکه روز نمذن که یک شتر
بد هم .
میناکه هنوز از این که هایی
نمیداند ، شن آلوهه میگردید :
- چه میکنی مادر لشونه جیسته
- بدر اماده را بکوکه دیگر این
کن !
میناکه از او خیلی میرسید دوان
بدن کبود شده و خارهای فورنسته
درین اونکاهم میکند ، خارهای
میکند اما زورش نمیرسند . مرد و باره
میگردند :
- جلت رانی و دی !
- مادرت به خیر تو گپ میزند
معد ماینست که بایت رایه
چای بند بسازم ، زمانه خرابست
د ختن ، مامیخواهیم که زندگی
آنده ات خوب شود ، تهاترا
نامزد میگشند :
- ماما ایان ، مر ایزین ، ماماجان
مرا هم اخوند بیز .
- آم باش د ختم ، تو ای خود
میخواهد ازینه پایان شنود
میمیم ، گرمه نکن حان بدرا ، آم -
باش . ۰۰۰ بقیه در صفحه ۱۸

در برای بر ریگانگه اشته و میگردید :
- د ختر اگرچه خورد است اما
مارس دارم که نامزد خورد را
تازه ایکه بزرگ میشود در خانه
خود نگه دارم ، تابه خوی هادت
خانه بلک شود . فقط یک د سال
بعد اینگه میشود . ۰۰۰

وقتی بای بول در میان می آید
بد ر ماد ریدون آنکه به نکرد ختر
باشند سخن اورامی به بینند و چند
روز بعد مینار اد رحالیکه زار زار -
میگریست با خود میر ند و ارابه
ای مباراچ اساحب میبردند ، در
آنجا بیکفشنل نامزدی وی بود ، وقتی
مینایه این خانه آمد و باره گریست
به هرسوکه نگاه میکرد همه چیز
د رنگش ناشناخته انگیز مینمود
من هاکه از خواب برخیواست
تباله کاورا به دیواره ایندز ،
تثور را آتش میکرد ، حتی ببالای او
نشارم آورند تانان بیزد ، هینم
کس بود که این نوازه میداد ،
جمع میکند ، آما و هنوز خورد بود
کس بود که خارهای وجود دارد .
هنوز غذا بخت و نان بخت در -
بیت احسان گنگ و ناشناخته
تثور آنید است ، دستان لایف
و کوچک تحمل آتش سوزان تصور
می ساخت ، روزهایکه اونی آمد
دل و این میشه و به تکرار از این د
میکرد . ساله اند شست و ایه منف
خاکستر خواهد شد و در منجلاب
تا آنکه درازه خوبی به ماده ای د
آید . ۰۰۰ چشم های مینا از خوشی
زندگی اش چون روزی شکسته
د متغیرش اموج ملاط خواهد
گردید . روزه اولمه این هم که شتند
تا آنکه روز نمذن که یک شتر
بد هم .
میناکه هنوز از این که هایی
نمیداند ، شن آلوهه میگردید :
- چه میکنی مادر لشونه جیسته
- بدر اماده را بکوکه دیگر این
کن !
میناکه از او خیلی میرسید دوان
بدن کبود شده و خارهای فورنسته
درین اونکاهم میکند ، خارهای
میکند اما زورش نمیرسند . مرد و باره
میگردند :
- جلت رانی و دی !
- مادرت به خیر تو گپ میزند
معد ماینست که بایت رایه
چای بند بسازم ، زمانه خرابست
د ختن ، مامیخواهیم که زندگی
آنده ات خوب شود ، تهاترا
نامزد میگشند :
- ماما ایان ، مر ایزین ، ماماجان
مرا هم اخوند بیز .
- آم باش د ختم ، تو ای خود
میخواهد ازینه پایان شنود
میمیم ، گرمه نکن حان بدرا ، آم -
باش . ۰۰۰ بقیه در صفحه ۱۸

در برای بر ریگانگه اشته و میگردید :
- د ختر اگرچه خورد است اما
مارس دارم که نامزد خورد را
تازه ایکه بزرگ میشود در خانه
خود نگه دارم ، تابه خوی هادت
خانه بلک شود . فقط یک د سال
بعد اینگه میشود . ۰۰۰

وقتی بای بول در میان می آید
بد ر ماد ریدون آنکه به نکرد ختر
باشند سخن اورامی به بینند و چند
روز بعد مینار اد رحالیکه زار زار -
میگریست با خود میر ند و ارابه
ای مباراچ اساحب میبردند ، در
آنجا بیکفشنل نامزدی وی بود ، وقتی
مینایه این خانه آمد و باره گریست
به هرسوکه نگاه میکرد همه چیز
د رنگش ناشناخته انگیز مینمود
من هاکه از خواب برخیواست
تباله کاورا به دیواره ایندز ،
تثور را آتش میکرد ، حتی ببالای او
نشارم آورند تانان بیزد ، هینم
کس بود که این نوازه میداد ،
جمع میکند ، آما و هنوز خورد بود
کس بود که خارهای وجود دارد .
هنوز غذا بخت و نان بخت در -
بیت احسان گنگ و ناشناخته
تثور آنید است ، دستان لایف
و کوچک تحمل آتش سوزان تصور
می ساخت ، روزهایکه اونی آمد
دل و این میشه و به تکرار از این د
میکرد . ساله اند شست و ایه منف
خاکستر خواهد شد و در منجلاب
تا آنکه درازه خوبی به ماده ای د
آید . ۰۰۰ چشم های مینا از خوشی
زندگی اش چون روزی شکسته
د متغیرش اموج ملاط خواهد
گردید . روزه اولمه این هم که شتند
تا آنکه روز نمذن که یک شتر
بد هم .
میناکه هنوز از این که هایی
نمیداند ، شن آلوهه میگردید :
- چه میکنی مادر لشونه جیسته
- بدر اماده را بکوکه دیگر این
کن !
میناکه از او خیلی میرسید دوان
بدن کبود شده و خارهای فورنسته
درین اونکاهم میکند ، خارهای
میکند اما زورش نمیرسند . مرد و باره
میگردند :
- جلت رانی و دی !
- مادرت به خیر تو گپ میزند
معد ماینست که بایت رایه
چای بند بسازم ، زمانه خرابست
د ختن ، مامیخواهیم که زندگی
آنده ات خوب شود ، تهاترا
نامزد میگشند :
- ماما ایان ، مر ایزین ، ماماجان
مرا هم اخوند بیز .
- آم باش د ختم ، تو ای خود
میخواهد ازینه پایان شنود
میمیم ، گرمه نکن حان بدرا ، آم -
باش . ۰۰۰ بقیه در صفحه ۱۸

در برای بر ریگانگه اشته و میگردید :
- د ختر اگرچه خورد است اما
مارس دارم که نامزد خورد را
تازه ایکه بزرگ میشود در خانه
خود نگه دارم ، تابه خوی هادت
خانه بلک شود . فقط یک د سال
بعد اینگه میشود . ۰۰۰

وقتی بای بول در میان می آید
بد ر ماد ریدون آنکه به نکرد ختر
باشند سخن اورامی به بینند و چند
روز بعد مینار اد رحالیکه زار زار -
میگریست با خود میر ند و ارابه
ای مباراچ اساحب میبردند ، در
آنجا بیکفشنل نامزدی وی بود ، وقتی
مینایه این خانه آمد و باره گریست
به هرسوکه نگاه میکرد همه چیز
د رنگش ناشناخته انگیز مینمود
من هاکه از خواب برخیواست
تباله کاورا به دیواره ایندز ،
تثور را آتش میکرد ، حتی ببالای او
نشارم آورند تانان بیزد ، هینم
کس بود که این نوازه میداد ،
جمع میکند ، آما و هنوز خورد بود
کس بود که خارهای وجود دارد .
هنوز غذا بخت و نان بخت در -
بیت احسان گنگ و ناشناخته
تثور آنید است ، دستان لایف
و کوچک تحمل آتش سوزان تصور
می ساخت ، روزهایکه اونی آمد
دل و این میشه و به تکرار از این د
میکرد . ساله اند شست و ایه منف
خاکستر خواهد شد و در منجلاب
تا آنکه درازه خوبی به ماده ای د
آید . ۰۰۰ چشم های مینا از خوشی
زندگی اش چون روزی شکسته
د متغیرش اموج ملاط خواهد
گردید . روزه اولمه این هم که شتند
تا آنکه روز نمذن که یک شتر
بد هم .
میناکه هنوز از این که هایی
نمیداند ، شن آلوهه میگردید :
- چه میکنی مادر لشونه جیسته
- بدر اماده را بکوکه دیگر این
کن !
میناکه از او خیلی میرسید دوان
بدن کبود شده و خارهای فورنسته
درین اونکاهم میکند ، خارهای
میکند اما زورش نمیرسند . مرد و باره
میگردند :
- جلت رانی و دی !
- مادرت به خیر تو گپ میزند
معد ماینست که بایت رایه
چای بند بسازم ، زمانه خرابست
د ختن ، مامیخواهیم که زندگی
آنده ات خوب شود ، تهاترا
نامزد میگشند :
- ماما ایان ، مر ایزین ، ماماجان

دکتر غضنفر دریو هشتوں امر، حکایی بیروت، از میان محصلین پنجاہ کشور جہان حایر مقام اول کر دید۔

جَنْدِيَةٌ مُهَاجِرٌ فَتَاهُ، وَفِي سُورَةِ الْقَارِئِ



محمد ظاہر ایوبی بقیہ از شماره گذشتہ

سطح عالی قرار داشت: مدیر مکتب
 (دارسن) نپذیرفت که شاگرد
 شبی مستقیماً به صفت ۱۲ لیسه
 حبیبیه شامل شود. "لذا" تصمیم
 گرفتند که صفت ۱۱ را ازدواج امتحان
 دانستند: همه شاگردان خاموش ماندند
 - به درجه.
 - به گرای.
 ولی استاد به تکار میرسید
 که در مثلثات اکثر "زاویه را
 به چه اندازه من کنند؟
 همه شاگردان خاموش ماندند
 بگیرند.

استاد بازسوال راطرح کرد اما مکسی
جواب نداد .
من که نبیع از سوالها هم را حل
کرده بودم . قلم را لذا شنید دستم
را بلند کرده ، گفت : من بگویم .
استاد که خیل خنده اش گرفته
بود گفت :
لا بگوی که به دولت ایران نماند .
حواله داشتم :

در مثیلهای اکثر "زاویه رابه"
رادیان اندازه میکنند .
باشندن این جواب ، استاد
واقعه "خوشحال شد . نزد آمده
پارچه ام را گرفته گفت : برو بچیم
کامهاب شدی ، پارچه ات را بدیه
در زیده آن شاگردان هصنفی
هاش سهندنه :

پس بروز
ولی او که فکر کرد احتمال داره
از شیخ لیسه به طب شاملش نکند،
بس از چند روز درستن در صنف
۱۶ شبی لیسه، عنوانی وزارت
لذ اوزارت اورا (به گفته خودش
که نیمجه د استریو) باد و تسن
دیگر به طب کاندید کرد و سه
بوهنتون مریکائی بیروت بعلبنان

فرستاده شد دریو هنتون مذکور رسم چنان
 بود که محصلان کانند ید طب باید
 دو ذاکولت بخوانند، سه سال
 ساینس و ((۰)) سال طب .
 از میان هزاران محصل ، ۶۰۰
 نفر کانند ید طب شدند و شامل ذاکولت
 شدند، گویندند که د. آ. حمیط

مدارف عرضه دیگر نوشته
 و تفاصیل اکرد در یکی از لیسه های
 عالی مثلاً (لیسه حبیبه)
 شاملش سازند .

شاگردان لیسه حبیبه ، انتقت
 توسط استادان افغانی و ایرانی
 تدریس نمیشد و سطح آموزشی آن در

4

卷之三

100

111

100

هر سه محصل افغانی شامل بودند .
درخت سال اول ، نتایج امتحانات تمام محصلان که از کشور های مختلف آنجا آمدند بودند از زبان گردید که در نتیجه دو دروسیان هزاران محصل از (۵۰) کشورهای عجمان ، افغانستان حاصل مقام اول گردید .
و بعد از آن ، هرسال که محصلان خارجی به این پوهنتون شامل می شدند از آنها امتحان دخول گرفته میشد ، به جز شاگردان لیسه حبیبه افغانستان .
غضنفر درانجا ((۸)) سال تحصیل کرد و در ضمن درس - فقه البت ها و تحقیقات متعدد دعلم را تجاهم داد که چند تای آن فرار زیرین پادشاهیت میشود :
۱- تجربه عملی برای تعیین ثابت ((بلانک)) با تطبیق معادله فوتوالترونی ((اشتاین))
۲- تعیین ارسنیک در جکر ، در واقعات تسمیات با این ماده و دریافت تشابه تعاملاتی بسمو و اسفلوراین نوع تسمیات .
۳- دریافت هلت رسوب فو - سفمات در مضر .
۴- ساختن PH میتواند بقیه در صفحه (۱۶) .

د نایابه سند رو خپویه سر .
د خپویه رو و پیخو غنیمه ته نهان سپاری .
او هفه پلتوه چی سند
بی بی باکی سره د رویه شوندی محیینشی
پیسته سرمه اوسیدله . نورخوک بی نه درلولد د هفه پلاردد وهم
واده خخه خه موده . ولطفتله مر شو . دری کاله پس د (ر) موزه مره
شوه . نود اخبلی سیری سره ارسیده خوجندان ورسه خونه نمه .
د هفه له رانکه خخه ان دبانده په واته کی کم خوت و جی دایس

د سند رو لوله فزه بی پوه اول دیوال لکیده . (ج) د خپوکی خخه

پا خید اویه چپرکت باندی و فزه . (ر) هم با خیده دالتاری دارخ

خخه بی د هفه توره کوچنی توانجه رابر سیه کرده . (ج) د بالبت

سرمه بی کیسده . راتاوشه خپل خرمین کوتی بی واسته داسی

بی د ابل بخ واغوست چی دین ختی بی به بخ شوبایه هند اری تا

مخامیخ و درنده . خپل و بستانه بی چی د منجولی به شان بی اوبلو

رو خواره واره کرل . د خپلی خپوی له بدلون سره خونه قمه . هفه

کوچنی بکس چی له همانه لومری وخت خخه بی تراوشه له نهان سره

کلک سائلی و خلامن کر . د کوتله جهپ خخه بی کم بل ش همینکی

واچول بکر بون شو . پوچل بیاهیند اری ته ودرنده وی فوشتل .

خپله لعن هم به بل بخ واغوتدی . لعن بی واسته . د ورنوان دیه

پورتنی برخه بی د خراخ ریانه به هوستاکه تونکه بنکاره شوه . لعن پی

خخه و هله اویه بل بخ بی واگوسته . پوچل بیاهیند اری ته مخام

و درنده د (ج) خواته بی وکتل . هفه هملافس پرور و سترگی

د بی خوبی له لاسه بیتی بیتی کله بی . پوچز بی بالبنته کر اوی

بل بی د لاسه وغزاره چی هنخ فز وانه دی .

(ر) گرامافون غلی کر . دلی بی ور برانیست وونه . د ریم کام .

لانه واخیستی چی د توانانجن کر زشو .

(ر) خپره رره به عهکه د بیوی ستمانه ناری سره بیرونه . ته ب

داعی دی سره پولخای بی کوچنی بکس هم له منکلو والوت به تور

تیاره کی پواعی د خوکر ند بیو کامونکر واویدل شو .

(ج) ا له د بیری غوسی د بالبنت خنده به غوز راکن کر ترشو هم

وانه وری . خورب کب بلورنکی چی له خونه دیک سترگی بی موبلسی

له خپل کوتی راوت . (ر) به لیده منده له اپارتان

ووت د سر ک دخواکر کن خخه بی امنیتی مامون نونه تیلفون وکر .

ترخویی چی پر سید لی سترگی موبلی افونزی بی بیزنه کیشوده .

امنیتی مامورین رادر سیدل . کب بلورنکی ورسه پولخای د اپارتان

د ریم پور ته وختل د امنیتی مامون نومش شاوخوانه د لاس خسرا

رنا اچوله . د (ج) کوتنه بی اینیتی دیالکتی دیالکتی دیالکتی

د میزیه سرگری کی سره بخن تونی چی سره تونکه بی درلولد

به بزرل بیسی بول سرخواهه . مخاخ دیوال باندی به کوز لیک

کی د چت خوانه دیک شوی ود الیکه بنکاریده .

هله .

د سینین باد بان لونکی بیز بی .

هفه دستی خواب وکره : کوری پواعی د . میره می نه و اوستا
میلمنه شوم .

لچ (ا) او (ر) دوار وه بیوه پوچنخی کی لوست ویلی (ر) خپلی

میری سره اوسیدله . نورخوک بی نه درلولد د هفه پلاردد وهم

واده خخه خه موده . ولطفتله مر شو . دری کاله پس د (ر) موزه مره

شوه . نود اخبلی سیری سره ارسیده خوجندان ورسه خونه نمه .

(ج) د (ر) ستری او الوتی بیتی ته همداسی غمیز جی بیايسی

بوشننه تری وکره : -

- هیله کم که خه . هدالوس جی د کور خخه راتم . بنا بی

د هفه شخري پاچکری له امله چی هلتی د د ونچور منع وشوه -

افیزه بی رايانه ته کره . ام آن بیایی ۱۰۰۰ نه

اوله دی خپری سره بی به بیزه د کوچ د کوچ د کوچ د بیزه

وغفر لی . گرامافون بی ولکاوه . بیه بی لور کر . د کوتی به د د -

خواووکی دایسیدل شویو لامبیکر وشخه د موزیک ضیز خپور شو . د -

سند رو فز سره بی سه ده دری خرخه و خپول . لنده لعن به پی

د شیو بیولس بجی وی جی (ج) ستمانه له چا بخونی خخه د -

د نهه اپارتان د ریم بیز کی خپلی کوتی ته را خوت . دره له برا -

نیستو ورسته کوتی ته نوت .

د د ریمی له خواهیه دشیون کی زده کره کوله . د زده کری سره

پونخای بی د اپارتان د بیز کید ولیاره ای و جی کارزکری . هفمیازی

و . نورخوک بی نه درلولد . له خه مودی راهیسی بی د زده کری سره

خخه روسته دشیون له اترو بجو تریولسو بوری کارکاو . دی بای-

دشیون له خواهیه ناخنی کی کوتی ته راتلای . بیه دی اپارتان

کی بل خوک نه اوسیده . پیازی پو خرب کب بلورونکی دده سره

به اپارتان کی کاوندی و جی ان له کوتی خخه بی د کابانو سوی بسوی

راوهه .

(ج) کوتی ته د نفع تو سره سه خرا غولکاره . د کالیو الماری بیس

پرانیسته . به لریه هیند اری کی بی حان و کوتی . تیوپیستانکی بی

منکولی تیزی کری اویسی زیری اوزدی موزی له پیون واپیستی بی

کرچ ته بی وارنیلی . به بیز باندی د زده کابونه د بیز شیبی راهیسی

غوره یدلی پاتی دو . خنک ته بی د زده بانی سین کافند چی بیه بی

کر دوز و کریشو د که شوی و اویه بله کی بی بیل شیوی د ومه لیکل شیوی

(د انتیگرال د ومه بیونته . ایم گراف) .

اود د غوپانو خوانه کری ایپس و . (ج) گری را بورته کره د -

سخار شیز و بجوت بی کوك کره چی هنه وخت بی راویجن کری .

خوکری بی لابرته نه و اویسی چی د کوتی د زده بیزه خلاص شو .

(ر) به الوتی بیه اوستمانه کوتی ته رانوته . دیز بیزته به زغد د

بوري کر . (ج) ته بیه بخ غفلنده نظر وکل بیانی د زده له بوری

کید و خخه حان پاوه کر . (ج) د (ر) ستمانی خیری ته خیری

شوه . پیخه وساوسی شوه . بیونته بی وکره :

- خنکه دی بیه الوتی اوستمانه بنکاری .

پس اآلن دولن به ۸ماه
حبس محکوم شد

انتونی دولن که ناد روش -
ناتالی دولن هنرمند سینماست
قبلاً به دزدی موتو میراندگی
بدون جواز نامه "شیزانی" -
داشتن تفکه بدون مجوز
قانونی وینا کردن هنر و صرح
در لیک کلب شبانه محکم شناخته
شده است.
در مطلع ۱۹۸۵ آلن دولن
پرسش را بخطاطری که بدون اجازه
اواینستی برای اشتغال و اعلان
استفاده کرده ۶۰۰۰ فرانک
جزمه کرد.
انتونی دولن پسر بازیگر
معروف فلمهای فرانسوی "آلن"
دولن بخاطر گیری زبرد اخته
مالیه به هشت ماه جبس تعلقی
و پرداخت ۲۰۰۰ فرانک -
جزمه "محکم شده" است.
این جوان ۲۴ ساله مدعا
بیود بخطاطری مالیه موتو موتو -
سایکل خود را نهاد اخته که
هنوز به بولیکه ماهانه نقد آندر
ومادر در ریافت میدارد زندگی
خود را به بیش میرد و علاوه بر
۱۰۰۰ فرانک مدینه است.
اما سعکه ادعای او را نهید بیفرت.



لئن د ولن که بصرش حکم به حبیش شد ۵

در حدود ۱۰۰۰ نفر را یاری-
لات متحده در تولید "انکشاف"
و تحقیق و ترویج برای ساختن
سلحه ذری مسلح بکار آند.
پالات متحده هرسال ۶۲ میلیارد
الررا برای تولید انواع جدید
سلحه ذری مصرف میکند.
آزادس خبری اسوشیتد پرس-
مرکا گزارش میدهد زیاده از-

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طیاره مسافربری جدید جت
۲۰۴ - کار ۵۰۰ کیلومتر ناصله را با
۱۱۶ کم زمانی طی کرد. این طیاره
در اتحاد شوروی ساخته شده است و تکنیک
شود که اقتصادی ترین طیاره
ترنخ خود میباشد.

و در این دو دسته از میان این دو دیدگاه، دیدگاه اول این است که با وجود بعده برداری - از ارآآن مصروف و مطمئن خواهد - و مقدار کتر مواد سوخت را - سرف میکند.

طیاره پرای مسافرین بصر اتاب
تریج و آرام است ریقاپیس
پارا تایر و فلت نصف نفت -
نتهان شد در آنها رامصرف
نماید . صد ای کسر دارد و در
را پی خراب جوی میتواند طور
وماتیت بزمین بشیند .
این طیاره در سال ۱۹۱۰ مورد
مره برد این قرارخواهد گرفت و
وازهای آزمایشی آن از اسلام
رخواهند شد .

ملخ‌هادر

شرایط مناسب را برای تکامل این
ملخ ها بوجود آورده است.
گرچه تاکنون از ویرانی مزارع
توسط این دسته های ملخ جلو-
گیری شده، امансیل دوین و -

از تبلیغات پرگزیده ایم

کردن بزارهای بهترینگستر
روه کشورهای در حال رشد
سوده اند .
د اکثرهای از ماله سابق امر
سازمان صنیع حفاظ میگردید در
کشورهای منتهی استعمال
تبلاک و رهرسال یک نیمده کیم
میشود، اما افزایش آن در رسالت
در حال رشد نبود رصد است .
جزیمات کشور شیان می
د هند که در آغاز سده آییند .
در رسالت در کشورهای روئے
توضیع دوبلیک میم ترازه
سرطان پیغام خواهد آمد .

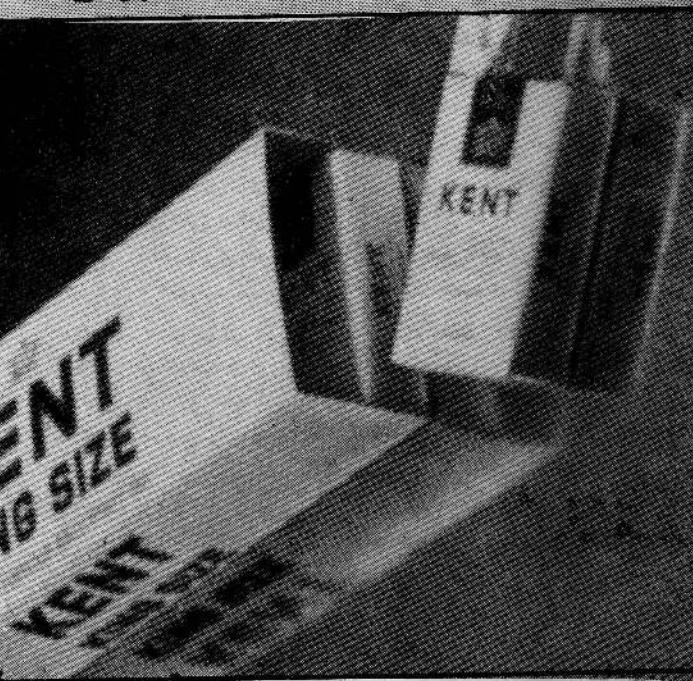
شهران مظلوم هندی دست
بدست هم داده اند تا علیه
((استبداد)) فراینده خانها و
دامادهای شان میازره کند.
آنها میگویند امروز آواز مرد هاراکس
نمیشنود و بعثراست درین زمینه
دست بکارشد.

از جهار ماه است که برای -
نخستین بار رهندگروهی تشکیل
شده که در پایتخت واپسی مجاور
آن ۲۰۰ عضو دارد .

پقول امر سابق سازمان مخن
حهان درحالیکه تعداد مردان
سترت کندر سطح جهان رویه
کاهن است زنان هرچه بیشتر و
بیشتر به دو دکون سترت خودرا
عادت مید هند و در میان دختران
جوان از همه جلوتر میروند .

امیکنید تعداد زیاد ((شو -
هران بیکناء)) سرمههای اخیر
مجبر شده اند از جبرخانهای
شان دست بخود کشی بزنند .
زیرا ((بولیس، مطبوعات و مقامات
قمعی هم جانب خانه ارامش
گذشت .

آفای جوگ که یک سال و نهم قبل
خانمیرا طلاق داده بیکوئد
بس از آنکه این «جهه» را
تشکیل نمود برای کسب عضویت
در آن تقاضای زیاد و فزاینده
وجود داشته است. و هر عضو
باید در زیبی هندی بپردازد تا
عضو این جبهه شود. او مدعا
است بسیاری از شهروان از تشکیل
هیچ جبهه قدردانی کرده اند
اما از ترس خانمهای شان نمیتوانند
عضویت آن را حاصل نمایند.



سیاوهون هندان مالد اشناب

لیست مایه
کارگردان فیلم
هر عدید استین
آواز خوان
مشعل
و کمپوزیتور
مور عدید قهقان
کیست ؟
نظر تان را ببرای
ما بسکارید ؟

کرسی میرزا شاہزاده
پانچ سو هشتاد و سی

905 Guru

و مخاطبی دارد اخلاق ارکانیست
بدن بشمول عوامل کیمیاگی، رزمند
نقش معنی را پیدا میکند، ولی قدرت
مبارزه این عوامل مخاطبی دارد -
اشخاص مختلف، متداول است.
طرومثال، حتی در واقعیت ایدئیک
تمام اشخاصیه در معرض خطر
عوامل بیماری تراویمیگرند، به
بیماری مبتلا نمیشوند. انکار
عame حکم میکند که در زمانه تحقیقات
اخصائیوی طب را بایست محترم
شمرد ولی از جانب دیگر عادت ها
نیز سختی ترک میشوند و ازین
میوروند و درنتیجه این مردان -
سخت جان جوانتر خواهند مرد
ولی با اینهمه در مرود به منازعه
و مناقشه اراده میدهند که صد
فیصد اثبات لازم است تا سگرت
رابعنوان عامل سببی سرطان
ریه محکم کرد .
زمانیکه سگرت روش شود ،
درجه حرارت در انجام روش
شده آن به ۱۶۰۰ درجه سانتیگراد
و پیشتر از آن میرسد. درین درجه
حرارت، ماده کیمیاگی بنام
benzpyrene (3,4-)
با مواد مشابه دیگر تولید شده
و در دود تباکو خوبی قابل
تشخیص است. این یک ازعوامل
موولد معرف سرطان است
که تاکنون طب قادر به شناخت
آن بوده است. دلچسب است
یاد آوری کرد که در ارتباط به رنگ
آمیزی کالاهای و صنایع شاید دیگر
جاییکه اینگونه محصولات تولید
باشند در صفحه (۴۸)

مانند در صریح بیشتر مجمل است ،
توجه جدی مبذول داشته است.
قرار گرفتن دایع اعصاب مختلف
بدن در برابر انواع تحریکات وابسته
به عادت ها و عنعنات محلی است
و قیده برآنست که عامل معم سببی
در ایجاد انواع مختلف سرطان -
محسوب میگردند. اگر این عقیده
درست باشد، پس افکار عاده باید
آماده بذیرش این نظر را شند تا در
صورت تشخیص این چنین عوامل
بیکانه در موضع لازم به رفع آن بکوشند
مکمل سرطان :
اجازه دهدید صرف یکی از -
این عوامل محیطی یعنی عادت
به دود کردن سگرت را مورد ارزیابی
قرار دهیم. اکثر ایده یمولوژست
ها طی تحقیقاتی که بعمل آورده
اند، نشان داده اند که تعداد
سگرت هایی که بوسیله افراد دود
میشوند مستقیماً باگرت و قرع
و فریکونسی سرطان ریه کددن یک
گروه مشخص بعثاً هده رسیده
متناوب است. در واقعیت امر،
تا هنوز هم ((از روی تجربه)) ثابت
نشده که دود تباکو در مردان
تولید سرطان میکند، گرچه این
مسئله در حیواناتی که تحت
مطالعات لاپراتواری قرار گرفته اند
به اثبات رسیده است ولی با آنهم
این مناقشه هنوز وجود دارد که
بس چرا تمام مردانی که سگرت
دود میکنند به سرطان مبتلا
نمیشوند. درین مورد استدلالی
وجود دارد عوامل اساسی

اند. اتفاقاً بعضی اوقات حجرات
ظاهر نرم مال نیز شکل کتل
غیر منظم پیش میخوردند. اینها
((تومورهای سلید)) اند که شکل
سرطانی نداشتند و قاعدتاً بوسیله
یک کپسول که در داخل دیوارهای
مرزی خود آنزه نگهدارند، احاطه
دهند.
تمام فعلیتها و تغییرات وارده
در انساج زنده به عکس العمل
های کیمیاگی وابسته است.
مطالعات این بخش را بنام کیمی
حیاتی یاد میکند. پرواصلح است
که در سرطان این عوامل حیاتی
و کیمیاگی نیز غیرنرم مال خواهد بود
و تحلیل اینهمه عوامل وضع را روشن
خواهد ساخت.

عوامل محیطی :
نجع حیاتی تحت کنترل
کیمیاگی قرار داشته و در عین حال
من تواند تحت تأثیر نیز عوامل محیطی
و خارجی که خود نیاز اساساً دارد ی
منشأ کیمیاگی بوده، قرار گیرد.
مطالعه این عوامل خارجی خیلی
برازش است. روی این ملاحظه
امروزه توجه بیشتری به مطالعات
ایمید یمولوژیکی (تحقیق درباره
عوازل محیطی و عنعنات محلی)
معدوف میگردد. تحقیقاتی که در
سطح جهانی انجام می شود به این
واقعیت که چرا سرطان معدود در
چیزیان، سرطان ریه در آسیا و
آمریکای شمالی، سرطان گلود هن
در جنوب شرق آسیا، سرطان جگر
در جمهوری های افريقا و سرطان

جدی قرار دارد بذرا آن، تعداد
حجرات که میمیرند کم و بیشتر
بوسیله عین تعداد حجیرات
تازه ایجاد شده تعویض میگردند.
همینکه این پروسه بمرحله تساوی
میرسد، تولید حجیرات جوان
متوقف میگردد. عوامل کنترول
کننده دقیق این شکل ((پلانگد-
ری خانواده) کی مبنی بر اصول
راهنمای خانواده) روش نبود
بلکه عقیده برآنست که جنب
کیمیاری دارد.

هرگاه با آنهم تعداد همچنان
حجرات تعویض بدون مانع
وآزاد آنها افزایش یابد، سرانجام
 بشکل انبوه و متراکم باهم تجمع
 میکند و منحیت کته های ((کوشت
 ظاهر میشوند. این حجیرات
 غیر قسمتی نیز رای گرفته
 اکسیجن وغذا به خون نیز
 دارند و اکثر آنها اتفاق افتاده
 که این رشد غیرمنتظم ولی سر-
 سرانجام برمقدار غذا ائمی میتوان
 به آن دست یابد، سیقت جست
 و بدین ترتیب قسمت مرکزی کتل
 میمیرد و بقایای آن بشکل جراحی
 پدیده ارمیشود که روی این اصطلاح
 مادرسرطان به دوشکل اساس
 ظهور یعنی ((کتل) غیرمنتظم
 و ((زخم) برمیخوریم.

هنگامیکه این حجیرات توسعه
 مایکروسبک معاینه گردند در چشم
 تیزین همیتویتالوجست به
 ترتیب دیده میشود که باشکل
 اختصار حجم انتقام مال متفاوت

تغییری در تعدد افراد افزایش نمیخورد.
سرطان در تمام انواع موجود زندگی میتواند ایجاد شود و به نسل پسرها جهان حیوانات منحصر و محدود نیست.
در شکل عادی زندگی، حجر خون و حجر اعاعی که انساج مایه تشکیل میدهند میمیرند و بصور داپم ماهابه تعویض میشوند.^{۱۰} شکل رشد، مرگ و تعویض آنها بحرارت جدید، تحت کنترول سلطان، طوفانشده در چند کلمه هبارت است از حالت متحول و نسخه جعلی زندگی و ماده اساس آن بنام ((حجره)) که در زمانهای امریاعت مرگ قسمت های باقیمانده بدن مامیگردید. ملحد سلطان را میتوان بعنایه شکل غیرعادی نسبت داشت. چیز قابل تعجب این نیست که چرا این تنفس در چند حجره محدود برخسی از افراد پدید آریشوند ولی تعجب آن نیست که چرا اکثر اینها

چرا سرطان معده در جا پان، سرطان ریه در آرزوی
و امیریگای شمالی، سرطان گلو و دهن در چین و سرطان
آسیا، سرطان جگد را فریقا و سرطان مثانه در مصر
بیشتر معمول است؟

آیینه، سرطان جگرد را فریهای و سرطان مثانه در مصل بیشتر معمول است؟

پیشتر معمول است ؟

سگت باکثرت وقوع سرطان ارتباط مستقیم دارد

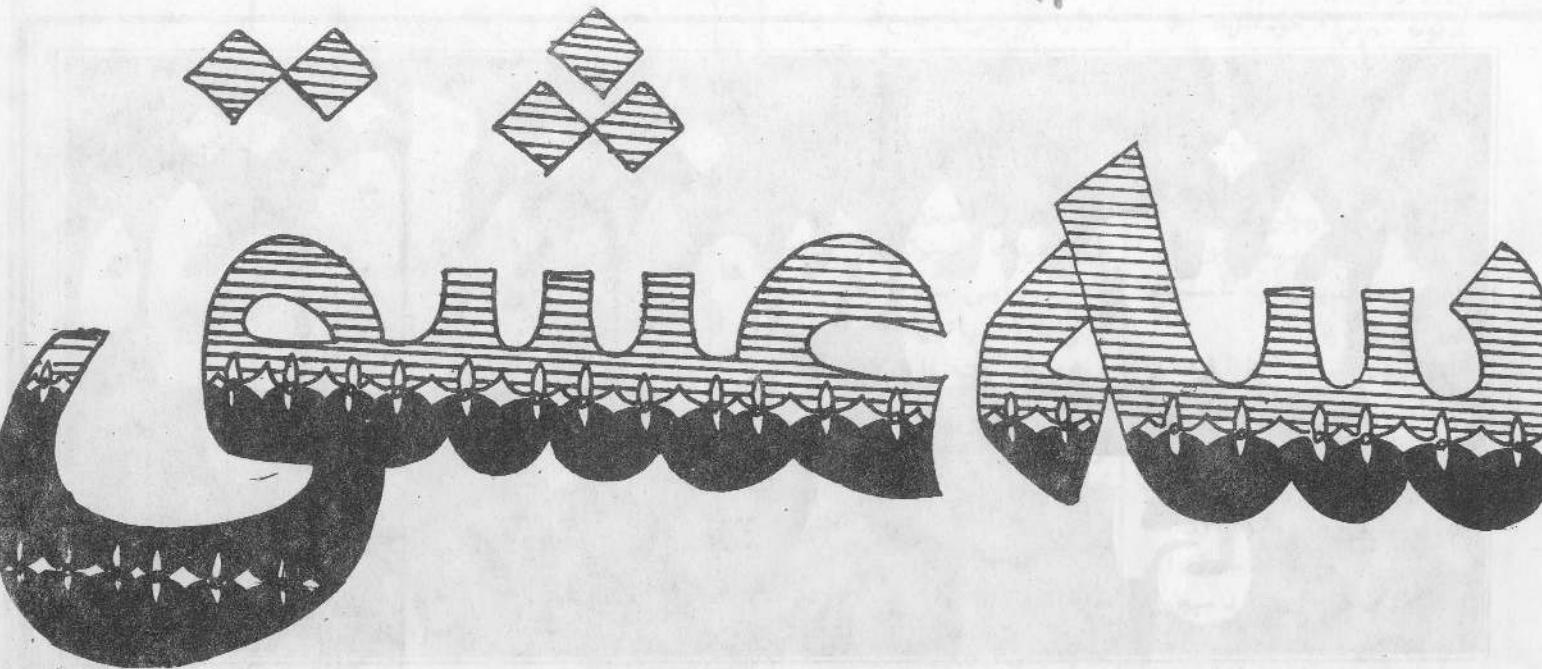
در ((آدنیای سرطان)) امرزو
اریکی ها و ابهامات گذشته از هن
مته و تصویرگری با خصومی از آن
دست انسان افتاده، انسانی که
رزود ارد برای تماشای این درامه
اقعی زندگی تکت های بالتعمار
لک نصل ران راختوار اشتبه
باشد زمان آن فرارسیده تامی باید
همه در مرور سوزه این نمایشن
آنچنانکه طبیعت آنرا از قهقهه
ستیز مینگرند، آگاهی کامل داشته
باشند.

ترجمہ: سناک

gold/US\$1

چرا سرطان معدا در چاپان، سرطان ریه در اروپا
و امریکای شمالی، سرطان کلو و دهن در چین و پسند

۳۱



صاحبہ کندہ : کاملہ حبیب



آیندہ ام مہربان خوش اخلاق اما محض رور فبا شد

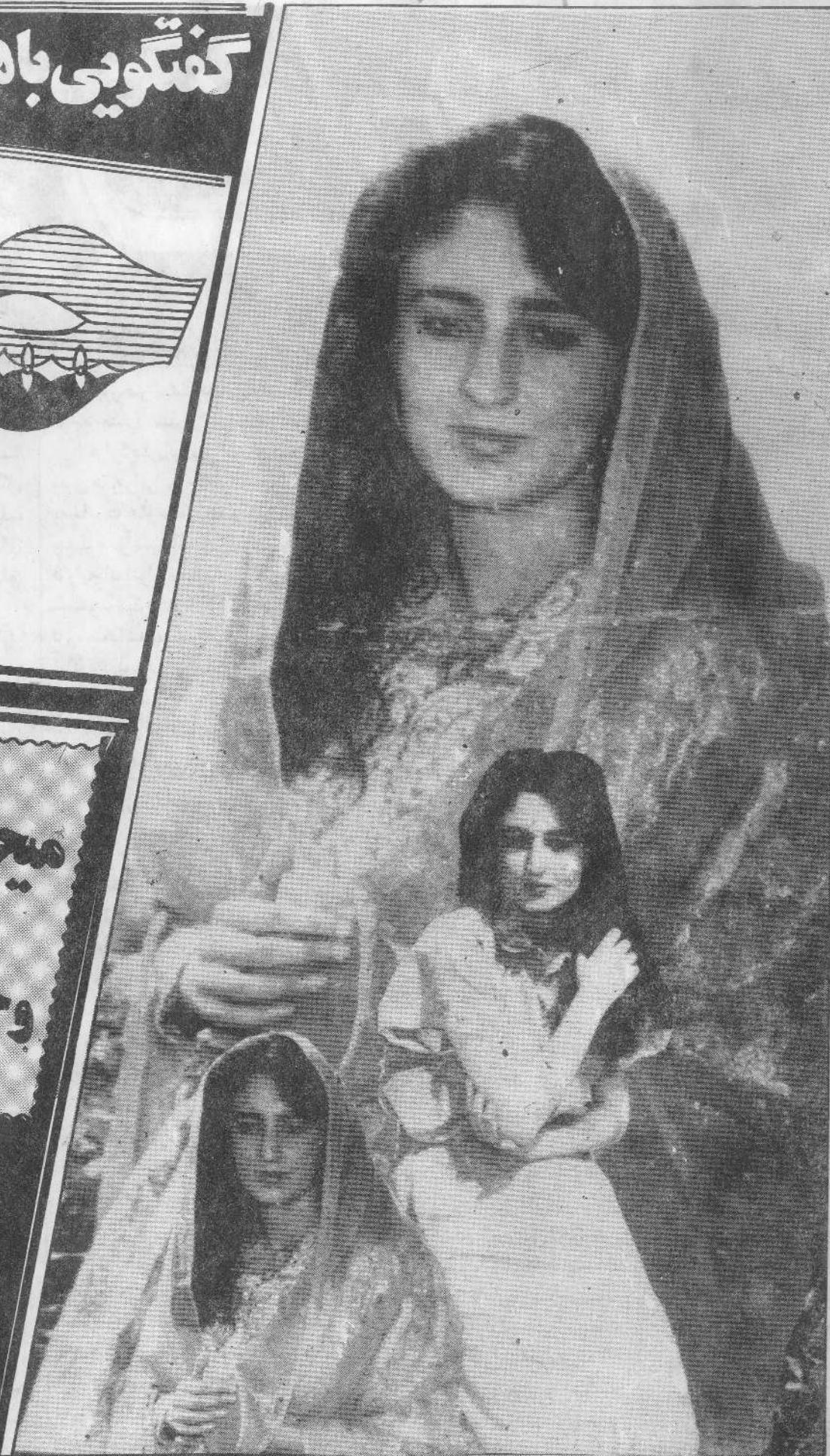
" پکریز شو مشق در زمین قلبش جوانه زد ، در آستان بھار شرو وستی
عشق پیڑ جوانی قلبش را تسلیخ کرد و یک خواست شیخن دید با ہسی .
زندہ گی انیرا بر گرد .
واما یک روز اسان زندگی او مکرشد ، روپا ہایش در غفا فریاد نیست کم
شدند و موج خشن کپنه تو زی های دنیا میل این دو دلداده باک سرشت
را بین رحمانه و وحشیانه درهم کوبید . و بعد قصہ درد ناک یک عشق
نامراد شکل گرفت و حمامہ عشق بوجود آمد ."
واینک صابرہ هنریشنہ ای کہ نقش ان دخترک دھاتی زاد رفلم حماسه
عشق موقفانہ بازی کرده و عنقریب فلم اور ابروی بردہ سینما خواہم دید
بقیہ در صفحہ (۸۰)

سامیہ تھما احمد اور فتحیہ منیشہ را گھبلہ نہ کندہ

گفتگوی با هیر وین فلم



میخواهم شود و خوش بخورا بوده



سایرہ : سیوطا م ناسن بھری د رسپنیا کار رسم و اوقت نیشن ماد رکلان را ہائی بخواہ مرکز

د ته فا نه نه په د سمسار

۵

د نقیب سمهزما ره

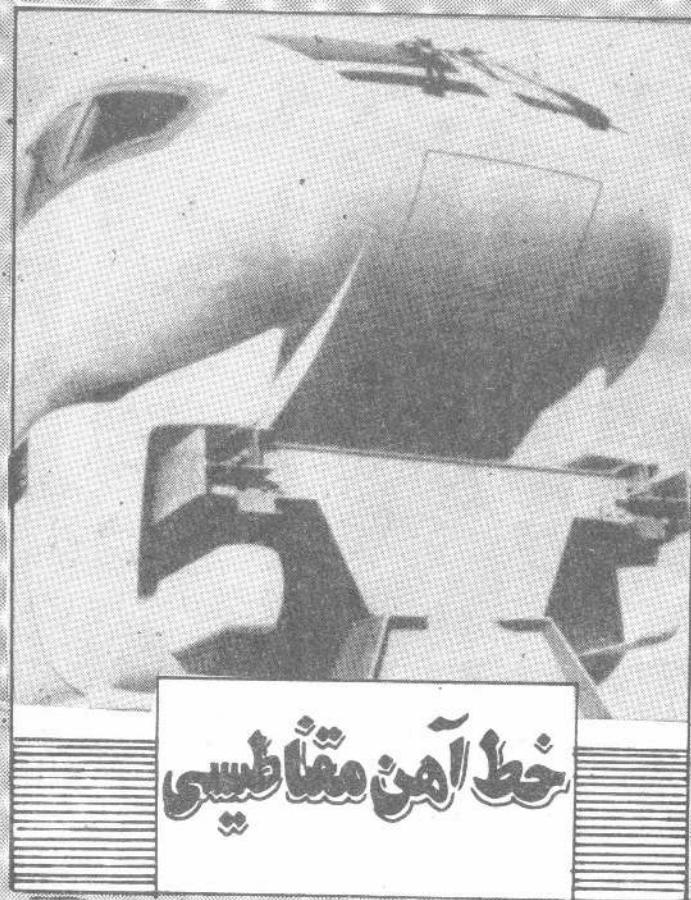
په سپور ذمی کي به دوا فناي
اده جو ده ده ش

”سپور ذمی کور“، به د سپور
لې د جو جو ده ده ش

سلګونوستورود ليد لوټوان ورکړي
اوډ یوراد پوتیلسکوب نصبول به د
کائیناتو د نړۍ مځجانعرې تهدل -
وکوري اتشخیص به یعنی کړي ۰
خوچله سپوزمى د بیلا یا هـ
اړخونوله پلوه تراوشه لاد یو را ز
په توګه پاتې کېږي . لکه خرنګه
چې پوها ن تراوشه پوري د هعسى
د چورشت اوډ هغې د پیدایښت
د مهداء په باړ سره مشاجره او
د نظر اخلاف لوي .
یوازي په سپوزمى باندې یونې
دا یعنی اوډي جورول به ددې -
امکان برابرکړي چې په دې هکله
ضروری خیږنې توسره شن .
خود د غن اوډي ده جوره د ولے
پاره خه دول ساختمان او -
تعییراتی مواد کارول کیدا يشن؟
د اس بسکاري چې د سپوزمى د
غونډا وي څيل مواد په پورماندا زه
کولای شن دغه اړتیارفع کړي .
د شوروی اتحاد کړه انورد انسو
د سپوزمى د پهروې لګه له خانه
سره راوري دې . له اوښوړه د
د غوره برترکېب اوکړه ول د ېړشنه
کانکړېت جوړوي .
همدارنګه پوها نښو دلى ده
چې د سپوزمى د مواد وله کارولو

د پوها نویسلا بیل نسلونه په
سپوزمى باندې یوفضای تم خای
جورول چس ورته فضا با ندي
د لاسبری د وسیلې په توګه پمخیال
کې روزې اوزیاتره پوها ن لیکس
قمری بنا رونه یعنی په څلواتا روکس
هست کړید ۰

خوا و مرد نېړۍ نام تووها ند
دغه رازشا روشونګون طرح اولا ن
کوي ۰ د هفوی د زیاتمه فکرمه
د اس ورڅ راوی سیزی چې د خمک
په یونزدې فضای ګانډې یمه د -
بشرلپاره نوی کورسابرکړي سره له
دې داطرځي اوښه ناخه له
مهم ما هيئت خخه برخمن دې خو
د سپوزمى په غونډاری (کړه)
د یوه لابرا تواری استیشن د -
نصمول طرح مثل شوي طرح ده .
پوها ن پدې باوردې چې چې د
سپوزمى د غونډاری سمهه یه -
شرایط به د هفویجن ښو ترسه کولو
چې په خمکه امکان نلري ارز و
سرته ورسوی . هفوی همدارنګه
په هفه خای کې د بیخی نیو
تولید اوډ بهیرد ایجاد، اميد لري .
په سپوزمى باندې د یونسروی
تیلسکوب نصبول به هفوی ته د



خط آهن مقاطعی

ترجمه: رهشاد

بالین و سیله نقلیه زمان ماسرات پیرات کوتاهتری نسبت به خط آهن متصور بود همچنان میتراند شارپتر سافرین را با مسافت کمتر انتقال دهد. درین سال گذشته بعثات رسید که سرعت حرکت این وسیله به ۴۰۰ کیلومتر در ساعت مورسد.

اولین خط مقاطعی ایکم بسط جهانی بود استفاده عایق فراگرفته خط سرمهد از هواپیما و استگاه نایانگاه شهربریتکم انگلستان بود که در ماه می ۱۹۸۱ به نعالیست آغاز گردید استعداد در جایان، اپتا-لیا و اصلاح متعدد امنیکاپیز آزمایش های ستایشی بود سمت است. اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۲ ادر شعر خارکوف نیز پک نیل مطلق پاییش مقاطعی را مزدی راهنمای آزمایش سافرین قرار خواهد گرفت در سال ۱۹۸۱ آفاریکا روزن شرفی ساخت می رسد.

بسیار سری شدن از مایش های چندین ساله پاتیپ های قبلي و سیله نقلیه آزمایش ترانس رایید ۱۱۶ که در ای ۱۹۸۱ چوکسی نشیمن است، اکنون داده شد. ترانس رایید ۱۱۷ به اساس

تحلیک نوین یعنی سیم خلط مقاطعی متعلق حرکت پیکند. این وسیله نقلیه از دو خیش تشکیل شده که بعد از دریان آن بخوبی دیگری نیز قرار داده شده بی تواند ((ترانس رایید انتزا سیونال)) که کامرسن

های پیشتر آلان ندرال به آن تعلق میگیرند، از سال ۱۹۸۲ آن بینو بروی خط سیر آزمایش ای در منطقه اسلند در شمال غرب آلمان فدرال این وسیله جدید حمل و نقل را مورد آزمایش قرارداده است. کاربرده ای این وسیله که میان شهرهای هنرنس و هامبورگ عمل میگردد این سافرین قرار خواهد گرفت

خنپیوهان فکرکوی چی ۴ از ری دبا و روی سرمهد هما رت له هستی ای احرازی هستی خنپی دی چن په یقین سره د خنپو خام سو عنام روستی زیری په سپوزنی کی شنه. نورپهان لمه زه طن و چن - واین باید په قطبونکی چی هلت خمنا دایین لعوی خای په خای شو حبری اتری کوی چن د هفوي د نهاد مصاله صورتکی د سپوزنی دا وزد و شپمه جیسان کی به د برشناه ستگاه گانی هی کی وی د دغه ستری ستونزی د حل لپاره پو خل د خانگیکه و تمو کیلوونکارول پیشنهاد شوی و چن په خمکه کی د هفوي لپاره د تود و خی د پوره اندازی د نشتوالی له امله اغیزه نلری د محکم پر من د پو طبعی اعادی (خراب) په و سیلمه هفه خای کی کارکونکی د یوی منجمدی اوسری او زد دی قطبی شهی کارتر سرمهکلایش.

د شوروی اتحاد پوهانو سپوزنی د توانی سند روپد پخی برخی د راتلونکی کبته کید ولپاره انتظاب که دی هفه سیم چی د مخه و ر سرمهد دی خکمچی د دغه هیوا د د (لونا ۹) او (لونا ۱۳) - مصنوع سپوزنی د مخه په دغه خای کی کبته شوید دی د سپوزنی د سطحی په دی سیمه کی د پهقی اوزن لیزد ول له خمکی خخه اسان دی اوکی از ری ته اوه د لوی.

بر سرمهد دی د اس فلزی چل د اسیمید (ایلمهایت) د شته والی له پلوه غنی ده د نویاتومات د ستگاهه کارولو سرمهد دی پوری نوی اوکتیوی زرمسی هلت دی میزندل فی د امساله په ۱۹۹۵ کال کی په پام کی نیوی د رازگون شی.

پدی درسته و ختنوکی پو - په بزه په زره پوری تجربه په شوروی اتحاد کی ترسه شویه یعنی هفمنیات چن د سپوزنی په خاوره کی اینبود شوی و راشنه شول.

په سپوزنی پاره خانگی ایاتوسات موتوری دانجنوری داندازما خستلو اوتاچی بخلور کمیز اتحادی تهم په د وو و سلولک د خیمنی لپاره هلت کبته شی.

باتی به (۸۲) بخ

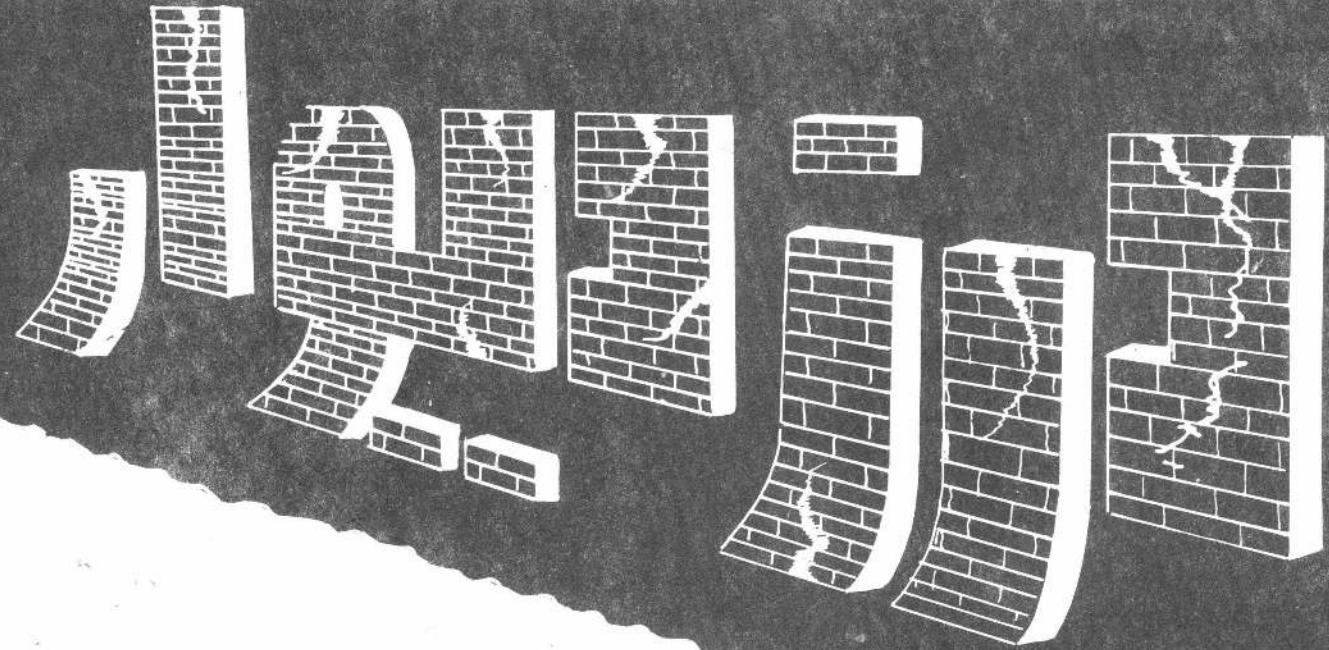
خخه کولاي شود و دانیو خبتنی او بلکونه جورکو خود فلزه با بخ کولاي شو؟ د سپوزنی په بزه تهاتیم - او سین اوالونیم لرونکی دی خود پاملرنی و پنکی داد دی چن سپوزنی دا سولونکی هم د د مواده باود ایمه په هموده برو کی چن دایلمهایت په نامه یار بیزی شته دی دا وود لاسته راولولها رماید دایلمهایت په بروت په ماید روجن سره حرارت و رکش داعملیه په لازم توگه خالصه او سینه د - یوازی تولید په توگه تولید وی له خایه هاید روجن تراسه کیدای شی طبیعی ده چن د سپوزنی له سطحی خخه کله چن لعنیز و باد و نوله کلنونکلونوراهیس د سپوزنی سطحه پونلی د چن کیدای شی هاید روجن هم تری تراسه کش.

اکمیجن هم کیدای شی د ایلمهایت د بروله سامد حرارت و رکلولخه تراسه شنی د دغه منزال له پوکلولگرام خخه کیدای شی په سلکنونکاره اکمیجن برآبرش چن په تیجه کد د اکمیجن او هاید روجن له ترکیب خخه په اسانی سرمهه تراسه کیدای شی.

لنود اچچیه عمل کی د زوند د لپارمیز ضروری شیان د سپوزنی په سطحه کی تراسه کیدای شی پرته له خوارکی مواد و چن دی لپارمهم زیات وخت په کار دی چن دغه توی کورکی خوارکی مواد رازگون شی.

پدی درسته و ختنوکی پو - په بزه په زره پوری تجربه په شوروی اتحاد کی ترسه شویه یعنی هفمنیات چن د سپوزنی په خاوره کی اینبود شوی و راشنه شول.

په سپوزنی باندی راتلونکی اره به دی توان ولری چن نه یوازی تازه ایمه هوا خواره ا و دودانی مواد بلکی د هفی له یاره از ری هم برآبره کری.



د رزد یوار فوتوژرمان افغانی
نویسنده داستان: داکتر اکرم عنصان
کارگردان: سعید ورکری
معارن کارگردان: موسی راد منش
در نقش ها: سعید ورکری - مهاجره - انجانا
عکس بردار: نیشنایه ابسو

-جله سیاون نخستین موتورومان افعانی راکبر اسارد استان در زد بیار اثر نویسنده گرانقد داکتر اکرم مشان تعییه شده براپ خیاننده کلان عزیز خود تقدیم میباشد . سنازیون موتورومان به وسیله کارگردان بالاستعداد درستینیما افعانی سعید ورگری تعییه گرفتیده و تمام کار مربرط به عمر بزد اری ها تحت نظر محترم ورگری صورت گرفته است و با برتفاصلای اداره محله نفس مرکبی رامحترم ورگری به عهده گرفتند .

د رکار تغییه نلم محترومۀ ظاهره، محتم سعید زرگوی و محترمۀ انجانا اجرای رول ها را به عده دارند
عکس بردازب فوتورومان توسط فتو رابرتر با استعداد کشون شیرشهاب ابوبی انجام یافته است. برای تهیه
فوتو رومان محتم ایشان سنگ شنک سیز همکاری صنعتیه سوده اند. ما از تمام دوستانی که در تهیه فوتو
رومانت در زرد بیوار شرکت حسته و اغازگراین زارد رمطبوعات گشوانه عمیقاً سپاه سند اری من کم و امید وار
استیم تا خواهاند کان ما زاین اقدام استقبال نمایند.

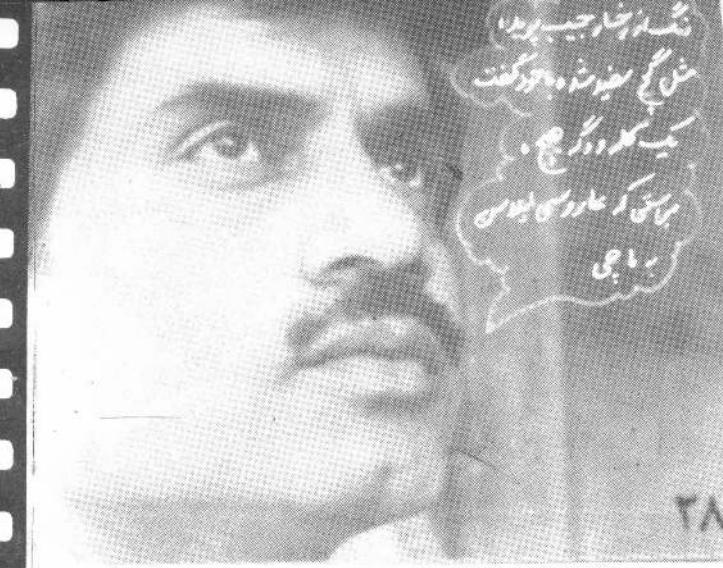
شیخ



منشی خواهد بود
مشن کمی سخن می‌زند و چوکه گفت
سینه کله دو گرچه
نمایشی که عالیست کمی بیان می‌کند
باید بچی



۳۱



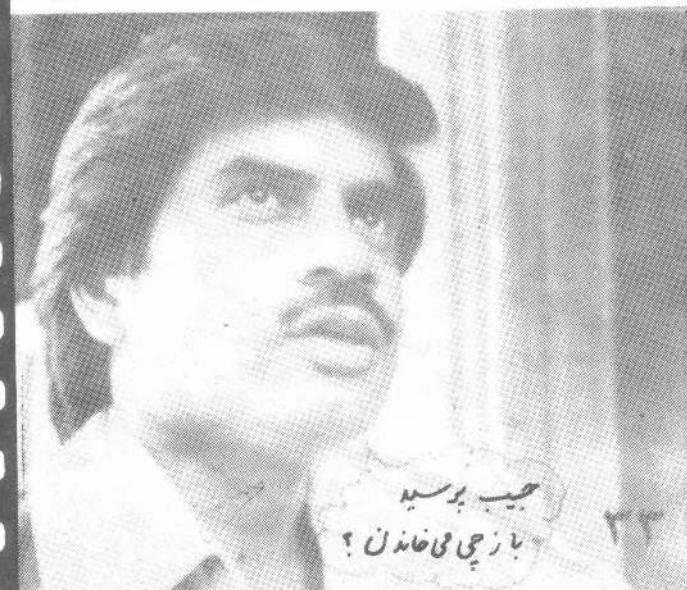
۳۲



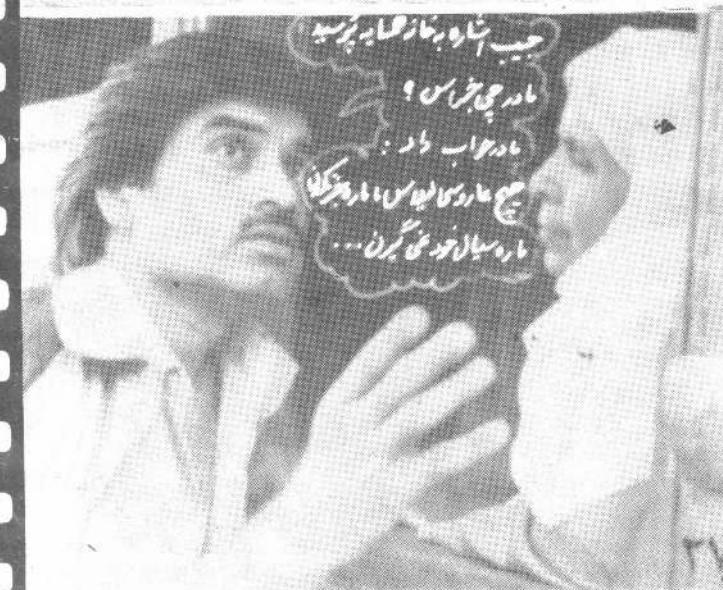
۳۳



۳۴



۳۵



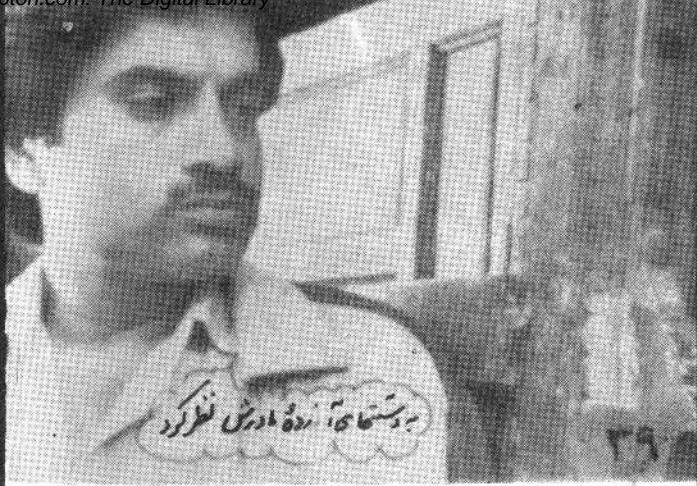
۳۶



۳۷



۳۸

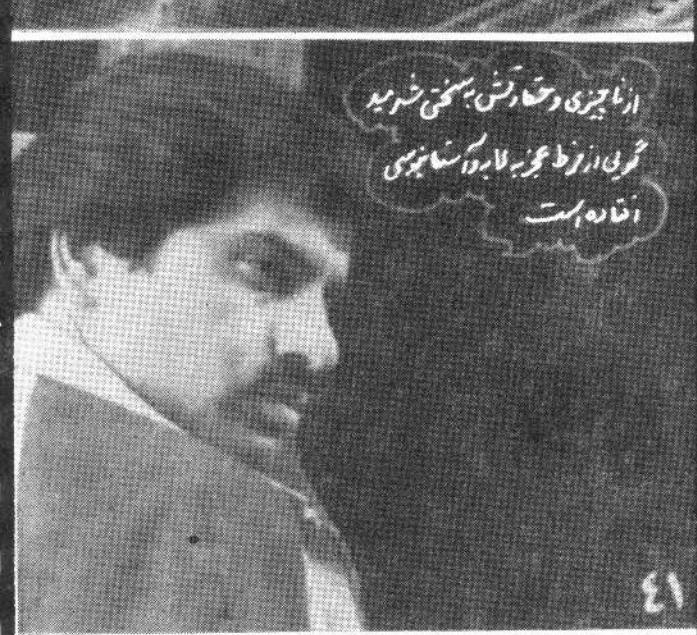


۳۵

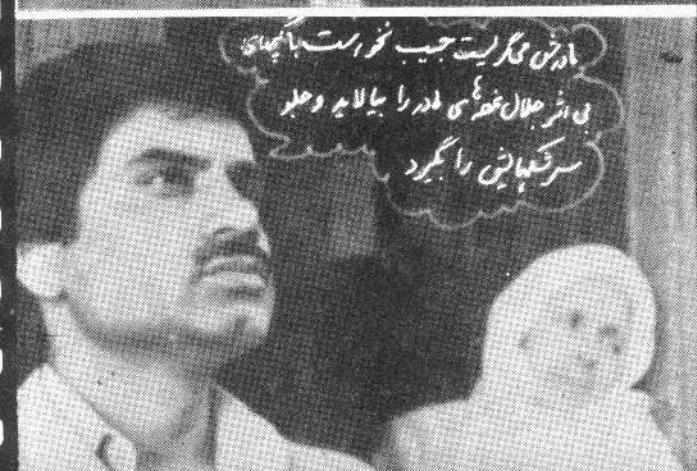


جیب گفت:
نمک و سایه

۳۵



۴۱



۴۲



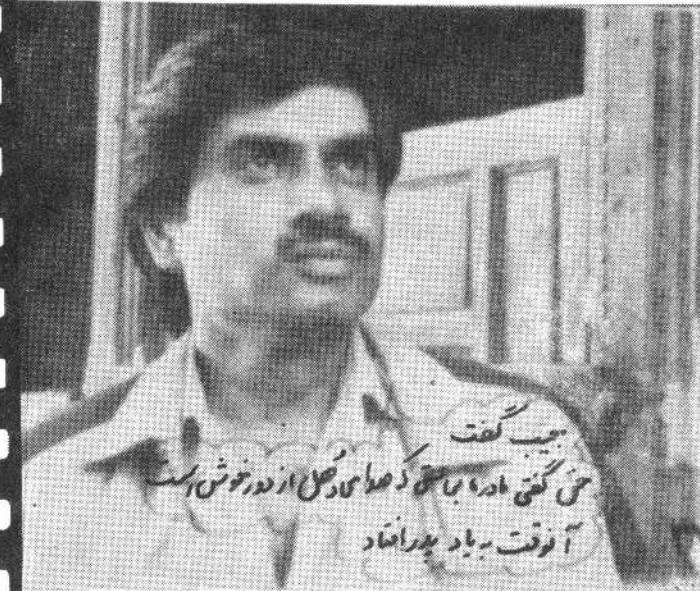
جیب گفت:
نمک و سایه

۳۶



جادش گفت:
نان بچم، همی کامانند است
مژون سیناره مینا بمن سخن
عمر و سی اول داره آخرین

۳۶



جیب گفت:
جن گفتی نادره بیست ده صد و دوی از زدن خوش است
آنوقت بیار بدرا فعاد

۳۷



سید احمد راه را در آنهم برگزد و در جوره اه



۴۷



۴۸



۴۹



۴۳



۴۴



۴۵

دجیه گردن تاریخی



چیه گردن (پخت) پاد کیسر غاره دلباس اوکالیو بیوه خزیب توکه د بیری مودی راهیسی رواج درلود . به لومری سرکی بیته له بخوانیو مصریانوی باره بیانوبل جا نه افوسن . به لرخونی صرکی به (گردن بند) د فرعون د لیور دربارانویسمیول واو ((صلیل زاد عما توبی بوده . گرد بند بیه پتاره درلوده چی د همی رنگید رلود ونک درباری والی شریخ کاره . سره پتاره به نظام سری اوشنی به د مالی راتولوونکاووسته .

رسنایی پخت دریسانیزه د برو کی رامفع ته شوار زعوزنی کالیوکی چی د بیوی بیری مهن .

برخی به توکه سای ونیو ونیا بو (Venetian) به ایتالیا کی د .

ویس د باراوسید ونکته ویل کیده) به د بیوستک ای بیستین بو لے

بلنی غاری افرستی چی جامن به عل ل د رو خوارو وسایسته کولی .

امیانیا بر خیلو بیخونه بود دل - لور اوجنک یخونه رواج کرل مدی د استان د اسی دی چی د دیوی ملکی له خوا معمول شویی هنسی بیوی بیره هستک این اند ازی لمه .

غاره د رلوده . به لومری سرکس پتاره د رلوده . به لومری سرکس

به د داد غاری شاوخواخنه تسل کیده . خودروسته بیایه بود گلک پلن اوقت چین دار گرد بند بدل

شون . بیو و فیشنی خلکنیه د نجور شه شان خبل سره چین دارو .

غاره وکی ننه ابسته مثلاً تعمیدی سرپ جان (John) باشیه (۱۹۲۱) بح

کشور اسلامی در زبان آن

بود سه دریای عده میکند و این کشور همرو ره معروض به آفات طبیعی مانند سیلاب ، طوفان با رانهای مونسونی و حتی جنگ بوده است . امسال را هفته کرد ، گرسنگی و شاید هم قحطی مردم . هند توانته با ساختن بند های آبگردان در راهی که رانهای مونسونی تعلار بیزی سازد . با این کشور را بیشتر بیازارد . بالنم فلچ گنده تبریز ضربه . زیان هفتگه . وسیع متوجه سرکها ، قطراهم ، بل ها ، لکتر . تا اند از مای ازین برویم جلوگیری کند .

بی ام . هبا سوزیر کنقول سیلاب هادر حکومت

بیشین بندگه د پش که طرفدار ساختمان یک سیستم وسیع بند هادر رای کوههای همالی است اعتماد می اورد ((بنگله د یش راهسایگان آن ویران کرده اند))

اما بخش ازین برویم از فقر عظیم وحد و دیت های تکنولوژی ناشی می شود . تعداد از بند های خاکی آب گردان در نتیجه سیلابهای اخیر ازین رفتار و قول یک انتجه ساختمان نمیشود ریزگری منطقه فقط بامهای بیوشیده از کاه ونی و شاخه های بلند درختان و نوار را یک بند آبگردان بنظر خساره به میلیونها میلیون و حتی میلیارد هادر رنی از است .

از شیشه هلیکوئترش رئیس جمهور چیز جزا قیانوس ، نصوای رنگ آب گل آلد رادیده نمیتوانست . دریک

و قول یک انتجه ساختمان نمیشود ریزگری منطقه فقط از نوشیدن آب زنده مانده اند . درین بار که

این رود بارهاد را سطمه اگست سیلابی شد .

بودند ویک پنج بندگه د یش زیرآب بود که دفعت ای .

با رانهای شدید آغازی از وارشاد اعتراف میکند .

((غالگری شدیم که اینهمه آب سرانزیر شده بتواند .

نتیجه چنان فلچ باریود که شاید چند کشوری نظری

آبرادیده باشند . برای چندین روزگان و سیله .

ترانسپورتی بندگه د یش باجهان خارج د وطیا ره که نه فوکر بود که از یک بخش باریک میدان هوای د اکه

که زیرآب بود بروازمیکرد و تعدادی از مسافرین

کشور اسلامی در زبان آن

سیلابها ۳ میلیون قن را بی خانما

وصله هاتن را ازین برد است

دای جزا خساده میلیار

هاده افزاد است

حسین محمد ارشاد رئیس جمهور بندگه د یش که از شیشه هلیکوئتر به زیر بی ویرانه های خیره شده بود با آه حسرت باوی گفت : ((نمید ام چرا خداوند به این گونه مارا تیخ و سر زنده کند .)) با محیارها ی این کشور نادار چنین سزا اند ازه زیاد معلم من شود . در حدود سه ربع بندگه د یش با جمعیت ۱۱ میلیونی انسان به زیرآب تراکرده و همسایه های آن ، هند ، بوتان و نیپال شاهد شدید ترین بارانهای مونسونی طی هفتاد سال گذشته بود اند طوری که تخمین شده ۳۰ میلیون بندگه د یش

بی خانمان شدند و صد هانفر ازین رفتند .

اما بحران به پایان خود نرسیده است . کارشناسان

میگویند روزانه بیج هزار مورد تاره اسحالات بچشم .

میخورد که هدت انشی از آب نوشیدنی آسوده و گیف است که به بیجش های خون منجر شواید هم کولارا .



گلاسنویس پا علیه! علیبیت
چیست؟ شاید بتوان گفت که
علنیت از بین برد آشتن حوزه -
های منوه برای انتقاد بیان
آزادانه نظریات؛ اجتناب
ازینهان کاری هارجلوگیری از -
سانسور زیاد است. این جریان
نه تنها انتقاد کننده گان بلکه
انتقاد شونده گان، نه تنها مردم
بلکه حاکمیت را نیز شامل است.
علنیت رامیتوان دموکراتیزم
انتقاد تعریف کرد. ماد رصحت
متعدد شاهد آزادی بیان آزادی
انتقاد و یعنی اشکار ماختن خطاها
که در مجموعه گلاسنویس
(علنیت) من گنجید. بود پس

مطبوعات شوروی این نونه هارا
با قوت به نمایش گذاشت است.
مثلاً چندی پیش روزنامه های
شوری تبریز های پژوهی افغانی سف
ریس موسسه تاریخ و ارشیف
اکادمی علم درباره تاریخ شو-
روی را منتشر نمود.
موصوف نوشته است: ((آها
میتوان ادعا کرد علیورغم سیاستهای
اسالین موفق شده تم نومن
سویالین هرچند فرموده
(تغیر شکل یافته) ایجاد نمای-
می؟ ... ما با وجود قربانیها ی
زیاد موفق به ساختمان سویا-
لیم طویلکه لین و همراهانش
تصور نمیکردند، نگردیدم ...))
در این ترس هراء امتدالین
شد انقلابی و از نظر تاریخی فهر
مشروع ثلقی نمیشد.
نویسنده پیشتر نه و نتیجه میگیرد
که: ((من جامعه بی راک در -
کشوما ساخته شده پاک جامعه
دموکراتیزم پیشتر نه دام ...)) -
سوسیالیست نیز دام ...)) -
این نظریات های افغانی سف
بقیه در صفحه (۸۱)

۵ کتاب حرف

النقاود

یادداشت‌های یک سفر

آوازمن مطبوعاتی نوشته سالیانه معاean زیادی را از همان
لرستان نشان نمای تارهای من پذیرد. بروگرام مسافرت لرستان نیز
در اتساع شریعه افغانستان کوتاه و متوجه است: بدیدار از شعرها، مننم
ها، معلمات تاریخی و ملقاتها. در اواخر سیماپر واپسی اکتوبر
سالجاری میسری های زیرستانی ۱۰. مشکل از مدیران -
مسئول مجله سیاست دینی نهاده حقیقت سیاست نیز به دفعه اولان -
نویسنده از شعرهای تاشکد، دوشنبه، ورویز و ماسکود په ارتمسل
آوردند. نویسنده این گزارش یادداشت های این سفر لجه‌ساز
را در زمانی که به گفته بی نیز دیگرگوئی های مطمیم بر ((باد بانهای
سرخ)) میوزد برای اکاهن خوانده کان به نشر نمی‌ساند. یاددا-



نویسنده سیاست که به گفته معاean سازی انقلابی جامعه و ایجاد -
ما ((با برخورد صادقانه)) شردا - دیگرگوئی های عیق در همه عرصه
نمتمد اند، صریح در مقابل مسائل های زندگی، عرصه های سیاست
موجود و آینده، واقعیتی و اصلاح - اجتماعی و فرهنگی است. در چار-
حات بنیادی دارمه عرصه ها و منجمله سیاست خارجی مشخص
نمیشود ((اگر برخورد با افغانستان
درین معاشه)) تلویزیونی
تبلور شایسته خود را داشته
است. افغانستان عرصه هم
با زتاب سیاست جدید شوروی میم
باشد که بر مبنای روحان منافع
کل بشریت و حق زندگی بر منافع
کروهی و فکری استوار است.
زندگی ...
رفم اقتصادی برخود نمود انس
خود کلایی، و سرمت بخشیدن به
حل حاد ترین مسائل رفاه مردم
انکاردارد. اینکارها باید باکار-
خیز تکراری برسید که: دورنمای
اوچاع بعد از خروج قطعه ای
چکونه خواهد بود؟ آیا پاک حمام
خون در افغانستان بین خواهد
شده؟ طرف مقابل چهارنامه سیاست
ارایه میکند؟ موافق های زیبو
برخی اوضاع منطقی چه تاثیری
خواهد گذاشت؟ ...
هم برسن ها وهم باخ های زیبو
نکه هر تایید میکند اشت که تکر

نویسنده محل اقامه را در پیش
گرفت: مردم در حدود ۱۰ دقیقه.
آنای ماهانه پرسنلی
آنای افزایش: اما ۱۰ دقیقه بی راضیاب که
فاصله بی است بیان چنگ وصلع و
میان کوهستانهای که هنوز رمه
جه وقت بایان میباشد آ سرانجام
دیگرگوئی سیاست میان حکومت و
مخالفین افغانخواهد شد و ۳۰۰
بیوسته دیگرگوئی میشود.
سفر، باید - ولیوقت - مسافر
را از اضطراری که اورا احاطه کرد،
بین کند. اما آیا ممکن است
نه، بسیار هم در تراز زادگاه است،
با زخم این گلکین خانه ای است
که هر لحظه بیرون، تصوره سو
نقش می بندد ... و ما بالآخر
((فاصله)) را بیمودم. حوالی
سے بعد از ظهره وقت محلی طیاره
حمله دار میدان هواست گشکد
د همراه اخوانه افغانستان را -
فرود آمد. ((مراسم)) میدان هوا -
می سوزاند. بالآخر افغانها و
شوریی های باید واقعیت میشوند
روی و هستند که صرفاً متعلق به
هماند از خوش اخراجی فریض
امروز نیست: ۲۰۰۰ کیلومتر

برای کودکان بزرگ نیزه ایم

شیوه ای از همین راه تصمیمیش پا
میگذشت.

به بالهای بزرگ نگریست هر
د و خسته بودند و برها گوچک -

شان در هم برمدند و بعسیمهای
مولاد بین قصص جسمیده بودند -

قدیر ازدیدن حالت بزرگ -
دلش گزنت و احساس کرد که درین

میوزرن - متوجه شد که بزرگ مجنون
ادهای داستان ((قلب فروزان
دانکو)) است. گرفتار و میگردان

و خسته است و راه رهای خود را -

نمی یابد - در داستان شخصی
پیدا شده و آدمهای درمانده را از

آن حالت کشید و دنیای دیگر
کشاند - اما بزرگ نویم و ناتوان

بود - میدانست پایانید انتکه
میخواند و آدمهای درمانده را از

نجات مییابد؟ آما خود را بهینه -
های زندانش میکوبید و در چشم

هایش هراس گشته خانه کرد میبد
قدیر خود را مانند بزرگ نهاد -

زیلیو - بارانویه بدول اویوسکی
موجود نه - اینونه یعنی د -

خوراک اویخبات له باره پیری
اسانتیاونی راوستی بلکه بخیله

د زوند یوم وجود اند میخود بیشه
باره بی هم به امکانات از پیش

برابری - به همراه ایوب کسی
است - دلش تنگ شد و احساس

گرمی عجیب نمود - درونش
میمیخت - پنهان راست کتاب را برد

پی اختیار پیش رفت کتاب را بشه
گوشش گذاشت و باد ستها یک گوچک

در خود دروازه - قصه را گشود
از زدن بزرگ نهاد -

آزاد چون بزرگ نهاد یاری دیگر -
پست و با خود گفت:

- پاریخوا ناش - ها -

باز او اگرچه شب گذشته کتاب
را خوانده بود - ولی دلش می

خواست بازهم انرا بخواند -

کشن - محجیں اور ایه سویه
سرگذشت دنکو میگردند - دانکو -

ایه را بیدار کرد و صفحه "جدید" ی
آدم مصلح نمود - آنکاری میگرد

که دنکان نمیتوانسته بگشند -

دیگران در اسارت جنگل و سر -

گشته گی در تان کی دست و سر -

میزند و او قلبین را گهرافرخته
بود مشعل راه ایام میگاشته و با

تام وجود برای نجات آستان
میگشت -

ترفع به خواندن کرد در -

نوشته: برشنا نظری

قدیر بزرگ نهاد - که میگذرد
داخی - قصه که پهلوی لکنیز

ان یخته بود خسته شده سری
الهای کتابهای نیزه - احساس

خسته میگردند - در اتاق خالی
و سرمه خواست لحظه میگذرد

باشد - الهای را شود و کتاب را
که پدر رش شد گذشته برا یافتن

آورده بود گرفت و نیزه زمزمه
کرد: ((قلب فروزان دانکو))

لبخندیهای نیزه ای از هم جدا
ساخت و گفت:

- چه قدر نانی آنسانه وست
میازد و ...

نشسته بی پشت کم تکه
زد - آرامش طبیعی احساس کرد -

خیوه خیره به سوی کتاب نگر -
پست و با خود گفت:

- پاریخوا ناش - ها -

باز او اگرچه شب گذشته کتاب
را خوانده بود - ولی دلش می

خواست بازهم انرا بخواند -

کشن - محجیں اور ایه سویه
سرگذشت دنکو میگردند - دانکو -

ایه را بیدار کرد و صفحه "جدید" ی
آدم مصلح نمود - آنکاری میگرد

که دنکان نمیتوانسته بگشند -

دیگران در اسارت جنگل و سر -

گشته گی در تان کی دست و سر -

میزند و او قلبین را گهرافرخته
بود مشعل راه ایام میگاشته و با

تام وجود برای نجات آستان
میگشت -

ترفع به خواندن کرد در -

شمع پاپوی وزیری زولشی

زیارت و نک

عبدالوکیل سوله من

اتحادیه نور (۲۰) بنارونیک هم
موجود دی -

نه و لیدلی - دادا بود محیطی به
د کوچنیانوله پاره د مخه تردی -

چی هفونی به گردید و اخبار پیش
د کوچنیانوله نیزه د مخه تردی -

وکری د لامبووهنه کومه تهرسی -
خرنکه چی تجریسوی د زیر بیان فدا -

خیوه کوچنیانوله نیزه د مخه تردی -
یه د زده راهی - زیانه باره د مخه تردی -

شیزه و میانشونه د مخه تردی -
گردیده و بیل کوی - تغیری نه -

ناروچه کنیزی - به اسانه نازول -
ساره - توده خود هوانیزد لو -

نونزیقی - ماشونه بھانی می کنی
دی ایه اسانه توکه می جانانه ا و

د زوند خوب در لی شی دزوند اه
پاشیه (۱۲) مخ

موجود دی - اوترا و سه پوری و چه
نه و بیل شو - همدان گرد مرگ د فسی

و بیل شخه چی د وی د وجی

به لیزه هی کرل - طبیعت د تل

لیاره ایه د بیه تر لی ارمنش شو

د چابیزیال به توکه د تولوز اتلونکر

سلونویه یاد کی کبیناوه - له

هفه و خته راهیس دی چی له

بیه نسل خخه بیل نسل تصریحی

زوند یو موجود اوتنه به وجه کی او

د ویچن موجود اوتنه به ایوکس

کال د احصائی له سخ ایم شوری

اتحاد ایه کنیزی - به نیزه نازول -

د زوند که : جایان استرالیا -

لوده بیع المان د امریکا متحده -

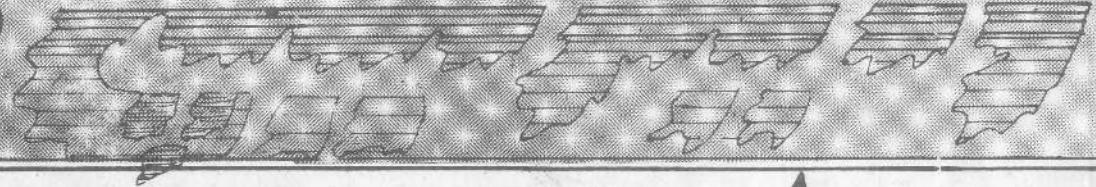
ایالات ایچکولسا کیا ک د کوچنیو

د لامبووهنه د فدا دیرا و میش تجارت

نیزه شوی میه شوری ایه ایم شوری

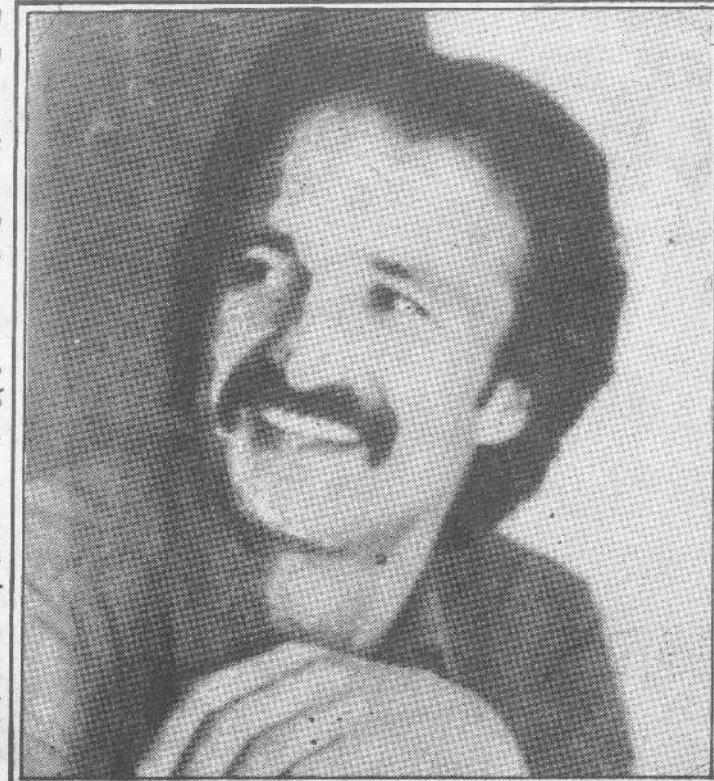
لیزه ایه ایه ایه ایه ایه ایه ایه

نیویورک



افتادند و اتای آزدای خوش
او نهند.

آنجا در تردد رقصمه موسی زنی
پاتنایی و انتظار بخشه میدارد
چشمان منتظر او بروی مدالها
رفتند بر نامه ها سرمیخورد همه را در
بار رو شه بار بحساب میگرفته با
خود شش سب میگرد . بعد غروری
امیخته با خوش در رکھائیش میدید
هیچ نقطه در کشور نمانده بود
کسلیم در آنجا برای بود من اوانخوا
نده باشد و کسرتند ادعا باشد
به هرسی اتای که میدید
پارکاری ارشهرین از ابطاف
خود میگشید . اتای بیو نفس
گم اورا میدار اما گاه یعنی
اضطراب شدید یک اندیشه
قوی و بیرونی قلب زن را میگشود
و کبوس و حشتایی از اجنان
دستخوش هیجان و خوف و هراس
میگاخت که ب اختیار دستن را



سلیمان پیر حاب

آنچه از خانه میگذرد

داشت . خانه یک پارچه شیوه
خوانده است و هیچ رشته بیوند
بود . ترکی خون مستقیم رکھایی
نخورد ، واژ خوان اشعار خود
دیواره های زیبایی داشت .
و میگویند :

زیرا که ذریک لحظه زود گذر
انفجاری آن خانه را زانی بد
خون مستقیم نازو بهانه
بیامد آمد از کل دانه دانه
خشکید رشته های از هم گشخت
و قلب های تینده از حرکت باز
مروس رام از استند لحظه بعد
او از خوان خوب و خوش حد اهسته
بروی خواند عروس و داماد بیانی
چاره هی را باتم هزیزانشان
سحاب جنازه غرقه بخون او را
مقابل چشمان و حشتاره زن -
گد اشتند و دیگر او هرگز نعم نگشید
اما آوازش را هیچکس خاموش نتوان
کرد .

سیرون کم زقالب تن روح خسته را
تاباخیال دلکش توگتگوکر
و فادری وایداری خود ند
خوانی که تالحظه قبل همه را
ورشته زندگی مشترک را گزره
میزند . کسی صد اکرد از اشعار
اورده بود یکباره صداد رکویش
خودت بخوان ، بعد از آهسته
خون او در رکھایی جان همه
بد وید ، رقص و یا یکی ادame
و لی هرگز ((آهسته بید))

خوانده استون بشتش تیر کشید
خون دستخوش جوشید چشمانته بروی هم

و بارشن چشمانش چون چلچراغ
شب نور قلب شوهر اگری می بخندید
سرد او خاموش با گودک خوشیش
در هلوی شوهر سریایی مرگ
گذاشت و گیمسان طلای رنگ او
که چون آشیاری از طلاق اشانه هایش
میرسید چنان در خون تن اورنگ
خورد که گوی خوشید را رفاقت
سربریده اند . تن طرف و شنکنده
کودک آنان چون شعله آتش بسا
هیجان و در طلاق فراساچ راست
شد و عدد رکار ماد رفطید و نهال
کوچک وجود و اینگونه ظالمانه
شکست .

و اماماد رهنوزم ظرف
آب سرد را که عقب پسر عروس و نواس
رخته بود درست داشت اوله آب
روی زین مینگریست که هنوز
نخشکیده بود . یکبار فریاد های
در رکھشایش بیجید بعد این
فریاد هاتان اورا وسیس خانه را بر

کرد و خیلی زود آوازه مرگ همایوسون
والیان آواز خوان اشعار دوستان
سلیم بودند ، دوستان خیلی
نzedیک او . آنان تابوتی با خود
دشتند که گوشه های را خون
زنگ زده بود . زن درد تلخ
و سوزنده را در قلب احسان
کرد چیزی به تلخ زهد رکھشایش
دوید ، زید و دستان سلیمان
سحاب جنازه غرقه بخون او را

با آنکه از رک های پیشین بار
تالگوش آنانی که در ترازو ایام را
روزها میگرد ولی آواز و هنگامی که
باهم در نظر مجله مصاچه پیش
داشتند آنها هنوزم د رکوشاهم طنین
قطع شده از ریشه در بلهویش
و سیس تا آسان بیرون خاست و دیوار
بخون غلطیدند و خیلی تلاش -
کرد تا نزد را رفقوش بکشید
اوکه یک لحظه قبل گوش و حرا رت
زنده گی قلبش را بر کرد . بسیار

برگایی میدوید و از نیکه چند روزی
از نوازش این نگاه های همراهان
زمین بشتابدیلی چیزی به سوزندگی
جرقه آتش در قلبش فروشد خواست
فریاد بزند ولی مثل آن بود که
من خندیده ولبخند زن را بالخند
برکشید . آنروز هایون رازیان ، همراه
با همسر و گانه طفل خود خانه را
ترک کرد مادر از عقب آنسان آب
سرد ریخت تا فراز اهشان روشنایی
باشد زن و فرزند اورهای را دیوار
دیگر بودند ، یک دیار آشنا
و چشم ای انجام نظر دیده بسیار
دستیقه ها را برمی شمردند . همایون
آن را باید رفته باشند . اوه همگام
با زن و فرزند قدم برمید اشت و قشی
نگاهش با نگاه گم و همراهان زن گره
میخورد ، خوش زاید اوصی دست

سبزه کنند و
کامل حب

هایون
رازیان

هزه هند با استعاده اوجو
همراه با خانم طفل
دیگر ایش به شهاد
رنگید



بود ولی نتوانست خواست به نجات
از نوازش این نگاه های همراهان
زمین بشتابدیلی چیزی به سوزندگی
جرقه آتش در قلبش فروشد خواست
فریاد بزند ولی مثل آن بود که
من خندیده ولبخند زن را بالخند
برکشید . آنروز هایون رازیان ، همراه
با همسر و گانه طفل خود خانه را
ترک کرد مادر از عقب آنسان آب
سرد ریخت تا فراز اهشان روشنایی
باشد زن و فرزند اورهای را دیوار
دیگر بودند ، یک دیار آشنا
و چشم ای انجام نظر دیده بسیار
دستیقه ها را برمی شمردند . همایون
آن را باید رفته باشند . اوه همگام
با زن و فرزند قدم برمید اشت و قشی
نگاهش با نگاه گم و همراهان زن گره
میخورد ، خوش زاید اوصی دست

تحیه کنند و
کامل حب

مکمل

د و چشم من به مینا من فروشند
لبت پاقوت حمرا میفروشند
نگاهت روز نخمیر محبیت
به آهوان صحرا من فروشند
شکوه قامت هنگامه خبرست
قیامت را به دلمهسا من فروشد
زیستن طاقت د وری بجوبید
که دل دریابی لیلی من فروشد
بخون لاله صحرا بظرگن
شاع حود چمنهسا من فروشند
نشاط گلشن این مرزود ایمان
بعار منش فردا من فروشند
شب ما ز طلوع صبح حصاد ق
جه خوشنگ تجلیل من فروشند
بعاردل به سیر گلشن خود
محب جوش تنها میفرودند
کجا شد زاهد صورت مرما
که با پیک جرم تقوی میفروشد
مکوت ساحل من بندار مرگ اسے
دوغی دل پیه دریا میفرودند

خليل الله روفى

رسیق نگار ده شورز

ش

نای چن زوند یو تھکاروی
پیں تراوسمہ بسروی
لاد زمان د آسانی سکونت
د نکو، د نکو فرمو غار و کن
که خونی ((حمزه))
چن د الله د مخلوقات نمود قاتل

رد سرو و نواد سپلاب د به هوونگی به نم
خدای له شرمه

زندانی د توری خمینی یا شی
های عالی د خبلوکاهونیه کنم خوب تلی رو
اعکس د زوند د بند د لامو همه شنه خوبونه
شیطانا ناروله تورجنو خو بو توری یا شی شیول

مَقْرِئ

نه بیوهنیم
بچی سپاهه می
نماتو ارمان نبو مر اوی شوی هن کی
شنا فنزوی با چاهن
کمه کم کل اوی برای
هره شیبه، هره گر یعنی
د خوز و خوز و خوبی
د ماتید لو آوازونه اورم

2

گیوین: آبنار نیل شب
فامش: افتاد سر بلند
سنه اثی: آشیان جلجه ها
کوش: آهی فتاده به بند
نگش: بودخانه ای آرام
مزه ها: آه های متله صبور
پازانش: مدادی تشه باد
شانه هایش: بلور شسته نور
چهرماش: آسان چینی صبح
چشمهاش: کبوتران سیاه
ساقهاش: فرود باک زمین
ستهایش: نسم ترد بگاه

روی بال ستاره ای گفتم
باز «اینزن» شبیم در برسک!
از، ای آفتاب شن» صحیح
سیز شو، از درون من سرگشک!

نور رہنماء

۲۰۸

كتاب

شیم سب کار اشکارا، می سه
آن تاب سورا ز نهاد، سه
آن تولد ره، می سه آورده
آباد و مادر باد، سه
نمی سه بکم، می سه جوی، سه
نه خالد، می سه محمد، می سه پیغمبر، سه
نمی سه حنفی، می سه کتاب مقدس، سه
نمی سه شرقی میان، سه
نمی سه نفع، عربی میان هر کس
نمی سه مصلیه، میان هندوست
نمی سه مسیح، میان آفریقیه، سه

وَكُلُّ

شروع انترائیں

سواز نهار کامیں د سار خوبیاں
نیا رسہ نہایت پر بسی
د عوینا جویت د عالم نجیب
را آجھے مسید تیلوں همسر انس
رسانی د سار خوبیاں خادا ب
کتو رو سمعہ عورتیں پھتاں سی
پوسن سرکنیں ریا شامل حنسم
میں سرائی وید نجھٹے عم من ما نی
محترفان د خاتیں اخذ اخواں
د نا ریود رجوب سست تر ہی
حمد سم سرلاں

۱۰

دوچشمی خانه دو لایه خان
که کنایه داشت از همین بود
که همیشه با همکاری از همین
حتم که مسینه در حیثیت از همین
آن نیز نهاده شد از همین
ل درین نهاده نهاده شد از همین
از خانه میخانه ای از همین
نهاده نهاده شد از همین

四

تُرْخَ عِنْدَكَان

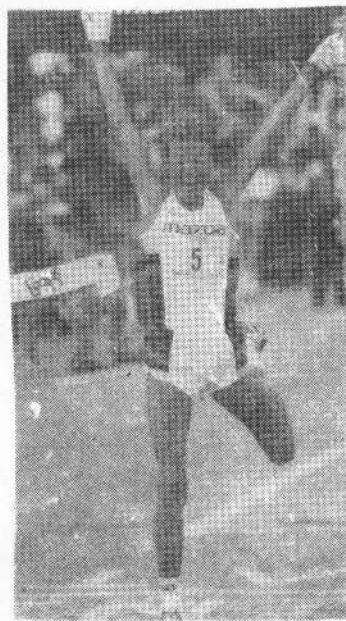
زندگانی کشیده و بودجه خانه کشیده
حلق پریمان زن بزرگ آنها
ای داده همان مسند نداشت
نشسته بک نموده این خانه نیست
آن کشیده خفه مساقی به اینه جسم
نمای این سرمه خود را توپیانه کشیده
و زنانسته داشته اند اتفاقی
بیکسر مستحبون در دارند
من عذر میکنم میتوانم
حال افتاده فطرت خود را میگیرم
مقاتل استاده میگردند میگذارند میگشند
مشتی دارند برخی همچنان شنیده اند
روزی من سرمه خواهم خورد و میگشند اگر کشیده

卷之三

لهم انت ابرار و معلمون من
كذلك من اصحابكم
لهم اوجهنا
بها

من کی موبکا (حیرت چاندہ)

دارنده نه ریکارڈ جهانی در
مدت چهار سال میا شد که دوی
آنرا ازمه جون به اینسو فایر
کرده است. این تهران ۲۴ ساله
شیرودی از مرشناس ترین چهره
های وزیر خیز بانیه در سطح
جهانی است.



گرمک بارہون (فایپر اینی)

این وزنشکار ۲۸ ساله امریکایی
برنده مدال برونزد رلاس انگلش
و صاحب القاب و عنوان زیاد
است در رموده فایقرانی در فاصله
۱۰۰۰ متر میگردید ((بودند را ب
وهوا آزاد، احسان سرعت -
دادند به قاتق رامیفراستد))

کارج کرالی، (والیاں)

اوکه ۲۷ سال دارد تم ملی
خود را به اخذ مقام های خرسنی
پسندید که جهانی و المپیا مختصر نموده
واز از طرف سازمان بین المللی ورزش
لقب بزرگترین ورزشکار جهان را -
یافته است. او میخواهد برای تیم
والیبال امریکا انتخارات بیشتری
بدست آورد.



جان مہمیت درکستی گیری

برند ۱۳۲۰ء، مسابقه پھلوانی،
چہرہ درخشانی است که در
صدر جد ویل فستیوال المپیا
بازی های سراسری امریکا و اسما -
بیقات قهرمانی د بینن، ۱۳۶۵ء
بیوند فرار ارد. او میگوید: «بے
دریافت کترارازدال طلا راضی
و قاعن نمیشود و درین راه هیچ
مانعی نی بیند»)

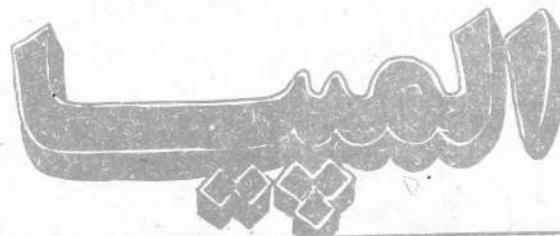
کرستار و میرگر لودنگ (با میسکل رخ)



کرد کر میشن در دوش ... ۵ - آمر

این وزیرستان ناریزیلی در جراحت
ورد از فهای خود تفاوت دارد:
نه ریکارڈ جهانی ویک بسینج
ماله، او نامن ۳۶ سالگی که
رزیند ش را بدینیا اورد به این
رزش ادامه داد و سرمازن در
وشی فوائلن ۰۰۰۰۰۰۰۱-
تندربین مردان وزنان رقیبی
بیافت.

مکالمہ



خواننده کان هریز مجله ۱۱۰۰ اند که چندی پیش سیول شاهد
برگزاری المپیای جهانی ۱۹۸۸ بود و مسابقات جهانی را در شماره (۲) مجله برای خواننده کان پادراشت نمودم و نیز از کشورهای قهرمان پرونده مسابقات به ترتیب ((اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اتحادیه آلمان)) پاد آوردم.

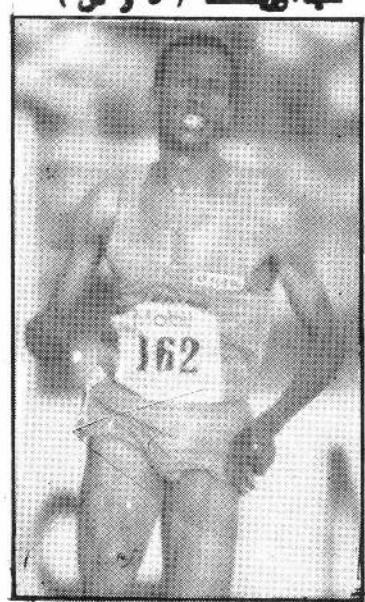
سەھىنە (اھ وھ)

پورى سد. دك (اھداخت گلوله)

اين وزنشكار و ميري اتحاد شوروبي و صاحب تاليفات در عرصه انداخت گلوله، وزنه اي ۱۶ - ۲۰ پوندي ي را در ريسابقات سالماي ۱۹۲۶ او ۱۹۸۰ با موفقیت بر تساب كرد و تاکنون اين وزنشكار ۲۲ ساله ۶ ريكاره جهازي راقام نموده است. او وزنه راتا ۸۴ فوت و ۷ انج بدورس افتد.

کەنگەلەر

اھ وھ مەرسى



خەيم مەلیما مرگلە (ورقە بىدارى)

از تزكيه است و ۲۱ سال دارد. در ۱۹۸۶ ادر رېيلېرىن ھەم كە - جهانى رايد ست آورد و در وزن ۱۳۲ پوند هۇزۇم بە مدال هئاي بىشتر طلا چىم د خىته است.

کەنگەلەر (بايسكلەرس)

كارل لوموس



جەنگەلەر (قاپچىرا سى)

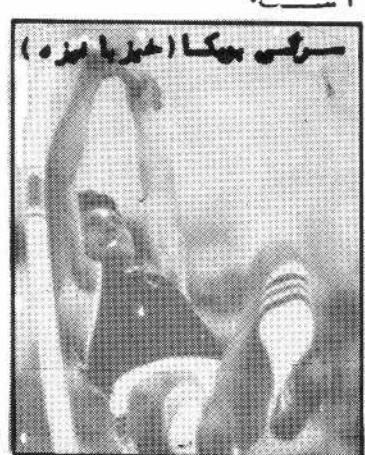
گۈركى لوكاپىسى
ادىپەن ھەرسىسى
ڪارل لورسى

گۈركى لوكانىھە، ادۇن مۇسىن و كارل لورس از جھەرە مايدىر - خىنان تم المبایي امرى كامىسى باشىندە كە صاحب ھشتى مدال - طلا اند وانتخارات بىشىرى كە آنما مدال ھا وانتخارات بىشىرى را نصىب شوند.

كارل لورس ۴۲ سال دارد و د رەخىز بلند د بىلاس انجلس، مدال يد ست آورد.

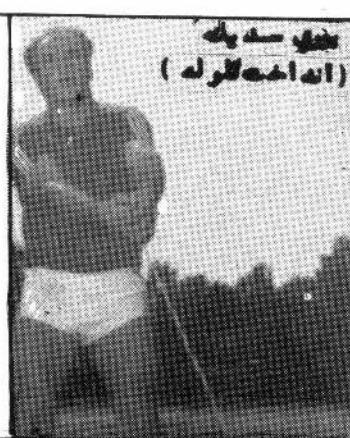
گۈركى لوكانىھە ۲۸ ساله يكى از مۇفق تىرىن آبىزان د رىسطىح جهانى است. ادۇن مۇسىن ۲۲ ساله كە در طى ۱۱ سال

ئىندى شىتە بىزى د وسابقە درەمە بىزىدە بود، و در مۇرد وېمىسى - فىقىتە ياي بىشىرى توقۇم مىرود.



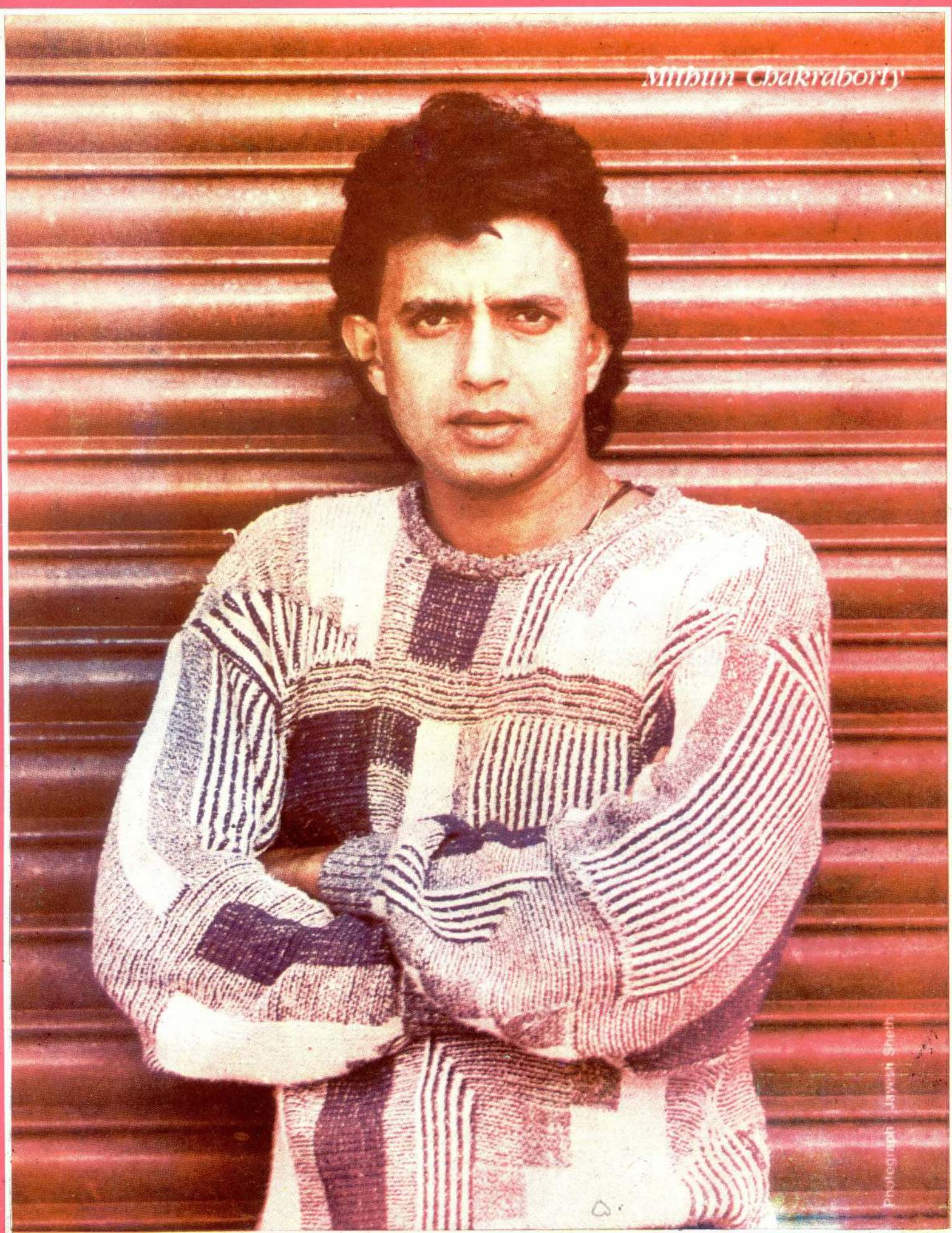
مسىداۋىتىھە (دۇش)

در فاصلە ۵۰۰۰ مىتىدر - لاس انجلس شمارىدەلەي طلا براي كشور شىرا د وىجند ساخت. وزنشكار ۲۲ ساله از المغىرب جىنم براي حصول مدالىاي بىشىرى در دوش ۸۰۰ و ۱۰۰۰ مىتىراست. در ۵۰۰ مىتىرەم رىكارد تازاھە قايم كەدە است. او مۇكى بخورد بود، و سىلمان باعقيده و مۇمن است.



لەھىم سەھانلۇ (وزنه بىرە ۱۰۰)

Mitun Chakraborty



Jaswant Singh

Photographs

مصاحبه متن چیکنریتی هنرمند سینمای هند را
د ریکی از شماره های اینده مجله سیاون برای

صبا و سوسن
صفحة ٤٢



مناکش
صفحة ٤٣

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

رف های نشان غلط جلوه داده شود خلط طباعتی به اینه آرده و در تایید حرف های خود قاطعانه مرا رعیت نمایند.

از میناکشی سوال بند: چرا همکاری هنری اشن را ((جیگ شریف)) قطع نموده است؟ در جواب این سوال میناکشی میگوید: مادر رهرقدم زنده کی با موقیت ها و عدم موقیت ها، با کامیابی ها و ناکامی های امیدواری ها و نومیدی ها مواجه است. آنان که رویداد های زنده کی را بحواله مندی و فراخ دلی استقبال مینمایند، وکتر گرفتار شنایم و بدینی می شوند مردمان موفق دارند.

یا من کو برف اسستم پاژور نالیست هانا بجا خود میزند؟

សាស្ត្រពិភ័យលេខាអនុវត្តន៍របស់ខ្លួន

هان سینه‌که ظهوری دری یک هیرو هیروفین
سبا باین امباری هنری و شایعات ناد رست می‌شود
ای مدت مقاطعه همکاری هنری نموده ایم.
زاویرسیدم : بضم ایزوزنامه هاخطا به کوه برف را به
داد اده اند . ۳ ای به نظرشما این یک خطاب یا اسم
مسه است یا خیر ؟ او آهن کشید و گفت : نمید ایم
را این لقب را برایم برگردیده اند ؟ من هاد تا در هنگام
ارهای هنری بیشتر متوجه خود می‌باشم و میتوانم
ر هنگام کاراز آذایان فلم بدست مجلات و روزنامه ها
زیری کم و دستهای را روی سینه گذاشته قائم را خم
هرات احترام را لوریکه آنها موقع دارند به جا آورم
چاگرانه و خانمانه از آنها تغایری به نویسندگان
خود بنمایم .

از حمله چند ستاره نازه ظور و شعرت رسیده
سینمای هند یک هم ((میناکشی)) است که با هنر
مندان سرشنا میشوند از آن خود شده در فلم ها ظاهر شده
واز آغاز کار کرد سینمای این که فلم ((بنتربابو)) است
تامل منعور ((شنهنده)) قدم به قدم به سوی جلو
روی، گامهای وسیع برداشت و نقش های گوشاگوئی را
روپ برد سینما اجرا نموده است.
مینامیگوید: در فلم ((سواتی)) در نقش یک زن
انقلابی - در فلم ((الله رکعا)) در نقش یک زن هرجایی
وهوسپا ز در فلم ((ما بیتی)) در نقش دختری که
به خانه سعادت ذامیل ارخود گذری می کند.
در فلم ((د هلیز)) در نقش یک زن احساساتی وی بندو
باری که به شوهریں خیانت می کند به نحوه قابل
تووجه ظاهر شده که عشق و علاقمندی این زاده هنر
با زیگری حالتی می کند و از این است از استعداد هنر
با زیگری اس درجهان فلم و سینما.
و گفت: در قصر های کلاسیک که انواع ان قلیل

آن کلاسیک پاشند.
میناکشی از تبصره ها و اشارات بعضی منابع
نشراتی ناخشنود بوده به قول خودش، دل برخون
دارد. اندربین مورن میگوید: نمیدانم برازی قائم
بدستان مطبوعات مازندری شرط طالب جعلی و اتوهاست
و شایعات زاد رست چه التذاذ فراهم می شود که معاویه
به آن منعکس می شوند! چندی قبل رابطه عاشقانه
مرا با ((جیگی شمرف)) با آب و تاب فراوان نشر
کردند که از تصادف نیک نامزدی ((جیگی)) پس
((هاشنه دست)) به این ماجرا خاتمه داد و با ازدواج
این دو داستان برداخته شده و تخیلی زورنا لیست
های عزیزماین بایان رسید.

های غریب‌باشید و عزیزان گران‌ایه این است که نام
داستان دیگرانی عزیزان گران‌ایه این است که نام
مرادره‌لوبی ((جی‌کویل)) جای داده اند درجا -
لیکه مانگون به انجام کارهای هنری مشترک نپرسن -
خته ایم.اما تردید نیست که کارمشترک من با ((دویی
گویل)) در فلم ((انعام دس هزارا)) آغاز شده که هرگا



همنزه‌مندی که

هارا آماج دن

هارا آماج دن

پک تلاش ننمود من استند کلا هم
بانارس مواجه شدند . آیا
این حالت در زندگی روزمر
شما تامشی داشته است؟

چ - وقتی پک همنزه‌مند بتوانند تا
آن مرز از موافقیت پیش بروند که
در قالب این معنویه اصطلاح -
شناخت مرد را برانگیرد از نظر
من این فوق العاده گزین و موافق است
وی رادر کار اکت می‌ساند و اصلاً

یافعیت دلخوری نخواهد گشت .

س - یعنی در زندگی شما پک

همجوانان قیمتی داشته است؟

چ - نیخواهم ادعای موافق

فوق العاده را بنمایم . برعکمال

کاهن پک همچو حالت هر چشم

آنده است .

س - شما با کام هنریشه راحتر

بازی می‌کنید؟

چ - از نظر من در سینما و تئاتر
شخصیت خود اکثر هم است .
اکثر نیاید به طرف متابلش یا
بارتزنیاد نکیه کند و ضعفت یا قدرت
اکت او بالایش تامین مستقیم

داشته باشد ، وقتی پک نفس را به

ترنیش که تحقیق کرده ام هم

کم می‌توان با موافقیت از عده و آن

برآمد .

س - پرسشی است که ذهن بینندۀ
ملائمه نهایی اتفاقی راهیشه و

خصوص درین او اخیر خود جلب

نوده است و فکر می‌کنم شما نعیت

پک اکثر موافق و ازوی مقام

باشید .

پنجه در صفحه ۸۲

گفتگوی با فارغ

صاحبه از پیلوشه

بطوریم تعریم این سفن یا به
اصطلاح اتنی همیزه زدن هم زدم
یک عنی خصوص تصویری را نسبت
به شخصیت واقعی هنریشه
ایجاد می‌کند . واقعیت موافقیت اینها
در قالب پرسوناژیست وابسته به
کریکتوغرافی اولید استند .

در حالیکه همینه این بندار
صادق نیست و طوری که پس از
نمایش پرده هایی مهاجر تصصم
گرفتمند باقای رفع گفتگوی داشته
باشد از انسانی یا انتباکر کرکره
د رحین صلات آمیزی از میهمیت
برآد رخود نعمت داشت . خود
ش با این بندار تا حد پیغامبر

است:

- من در هر نقش که بتوانم آسرا
بخوبی هم نام و واعیت آن
رول را درک نام احسان راحت
خواهم کرد . چه آن نظر مثبت
باشد یا منفس .

س - به نظر من دور تالبهای پر -
سرنار خیلی موافق بود یا دیگری
برای اجرای رول اتنی همیزه
نماین استید؟

چ - خوب من بعنوان پک نظر
جهت های شمارا می‌دم ، اما
آن زدایم در قالب های گونه گون
دچره های متفاوت در فلم هایم
بازی نمایم .

س - شما در اکثر نهایی که
نقش منفی داشته اید معمولاً در

درب فلم همیزه سی درب کشیدم



من در هر لطف که اراد رک نام احسان راحت مینمایم

کل و زند

تولستوی سترنایفه لیکوال

پروردگار ۱۴۰۷ - دهادی پنجم
کلن در داد امشقت نتیجه هم هنده
سترنایفه رومانی می خورد
پس دنر بیوالاد بیانه تاریخ کن
د یعنی ستون اولینی بینه به خوبی
نهش شود.

((جتره اوسوله)) د ۱۸۰۰

لیکوال شوی درویس د هنده
لیکوال شوی رومانی می خورد
تولستوی نهش بکن له رواهی
ملتفتی . بخبله تولستوی دغه
اوزر ((عمر)) له شعر حساس
ائینه ((ایلهاد اواد بهه)) اسو
به بیکارکن بولی .
د ((جتره اوسوله)) رومان
تفقیه ۲۰۰ که تهرمانان لری
خود دی از اصلی تهرمان هنده
ملتدی چن دنایلین ایلار
دی شیره بوفلکن در اندهیله
خیل وطن او خلکونه دفاع کوی
اینه بایی کی بیالی کنیه .
د فه بالستک اثر اووه ملعد
تولستوی له خواهیل شوی اوهر
ملل یکی منی تندیله راوله ل
شوی دی ترخونه ۱۸۶۱ اخینه و
نه تبارشونه دی .
تولستوی بخبله به زوند

در لود خود خلکوی لزی او فقر
تحمل نه شوکولای له تولو سره
روته مرسته من ناسکه و ۱۹۰۶ به
کال کی دخیل خاطراتیه دنتر کی
د اس و لیکل : ((زه له هر خسنه
نه زیات له خلی هوسانی اود نا
و خواهیلکله فتوالونه پی تعریخ دهه))
هدنه احسان سب شوله چن
د ۱۹۱۰ کال د اکنیه انتسه
سیمه به بیه خیل کراوکن بینه دی
اینه ده اتیاکن کی بیانه دی
اور کارهی بیده در ده درجه کوتاه کی
سخور کری .
تولستوی ددهه بی هد نصیر

به جریان کی شواره شواره اکتبر
یه شلمه نیمه دهار کارهید تسم
سای د ریعنیه کوکی له تری نه
سترنی بیکری اود اس ایا رس
له شماره بیرونی دهار کوتاه
نر بیوالاد بیانه اسان کی
علاند اولا علاند دی .

لیکوال شوی درویس د هنده
وخت دنکر لیکوالیه لور پیکسل
کی حای و نیمه .
د تولستوی به هنافلور نیز
اشاره کی هم پوستنیه لهد لکه .
هم هداس علاند ایرسنامه

هنه به خیلواتارکی دانان بلایا
وی . همه نه درویس نایمه
لیکوال لقب درک شوی و اوند -
بیلی روح مانگر تیاوی و مختلف

حالات تصویری اوند بشرد معنوی
زوند بیچلی فوچی بر ایستلی .
کله چن د ((سولی اوچکر)) -
در ریسی ستر میلیسون اوینتند
((جزینیشکن)) د تولستوی بیس د
تولستوی د ره مانگر تیاوی بر جسته
کولی اووه داچن : تولستوی

دانسانانه روح رمند و هدیه ماو
د هنونی قوانین س درک کری و
اونل داجی د تولستوی به اشاره کی
یان احساسات اوخلاتی اصول
د همه د لارسود حینیت لری .

تولستوی بیوسته له همه چن له
بیکری اویلاری کراف سیکلا -
فقفارنه راستون شود ((ادونای))

جیع تولستوی هم د خبل روی -
به نامه لبکرنه ولیز دول شو او د
((سواستول)) نه دد فاعیه
جکر کی سه له خبله خانه
بریسوند .
زون دیتاوا ولد اکاری وندو .

لیکلایچیج تولستوی -
۱۸۶۱ کال د فازان بیهونه
کی شامل شوخیخکی لدی چن
له خدمت ده استمفاوکر اوله
هیواد نعمهولر اوشیز میاشنیع
خبلی زده کری بیاوه ته دریوی -
برهنه عی بیهونه او ددی .

تیری کری .
ملت د اویچن د بیهونه اود دی -
هنه له خبلکلایه لوسه مانگری
مینه د رلوده اویزو و سه به سی
له هنونی سره مرسته کوله بیه
عده د ولول کابونه لوستل او
تفکر عی کاره .

۱۸۶۱ کال قفارنه ولار او
جکر وک رونه واخیسته همه
به قفارنی د ((سونیاند بیونا))

نومیده داده وکر دند و ده د
د استانونه ولیکل اووه همه یس
د ((تزاتان)) به نم کیمولیکه .

بیهه و ده واده ویوسته همه یه
مانگری شوق اویزوق د لیکوالی
کاره د وام درک . د هدنه کال
به دیستو و شتوکوک و چیز تولستوی د -
((ماشوت)) به نامه مجله کس
خیل د شکار ((جتره اوسوله))

سیار سرکشان کدام است?
سیار سرکشان بد بختی

من آن مرغکم که گفته اند که :
- به هرد بایی در آویزد

آری د راینم ،
اما در دام محبوب
در آویزه .

مرا لکنندی به خرد کی (کود کی) :
- چرا د لتنگ؟ میگرامه اتمی

باید با اسم (نفره) ؟
گفتم :
- ایکارین جامه نیزکه دام
بستبدی !

به خرد کی (کود کی) باید .
خواریت (گرفتن)

تا زود تر در کاراید ،
که شاخ تر راست شود بس
اشن ((سواستول)) نه دد فاعیه
چون به آتش خشک بند ، بعد
از آن دشوار گردد .

- شمالی گند ، خوش بنت
با تازانه تمیز جمیت

- آن شمال آراست و آن خوش
آلم که هر چا آزیاند ، آزم
ان بیهی من بیهه .

تری ۱۸۶۲ کال قفارنه ولار او
جکر وک رونه بی هله به

- مثل زنان بیوان از که این
نونجه در آیم -

- منق مردان ازونجه چشم
مشق زنان از دنجه گوش

د ((ماشوت)) به نامه مجله کس
د ((ماشوت)) به نامه مجله کس

- سلاح د لیکران در کیمات ؟
- سلاح د لیکران در دل آنهاست .

سیار سرکشان کدام است?
سیار سرکشان بد بختی

نیست ! آنکه همه لطف باشد ناقص
است ...

بلکه هم ((طف)) من باید ،
وهم ((نفره)) آیه ...

چرا د لتنگ؟ میگرامه اتمی

تهره نامی دندی !

آنکه مراد شنام میدهد خوش

من آید .
و آنکه تامیکه میرینم
زیراکه تامن باید که بعد آن ،
انگاره میکند که :

آنچه را د خود بینی -

د یکران ،
یاد کرد ها ،
نقد ها ،
آخرها ...

آن یک چیز که د نشود و
آن دیگر ایست که د نشود و
آن سه چیز که چهار نشود و آن

چهار چیز که نیم نشود و آن نیم
جهه که نیم نشود و آن نیم -

آن چهار چهار کار است که

آن که این درخت است که

چیز که هشت شرود و آن هشت
چیز که نیاندی بیهیسته بیهه .

آن د رخت سخن است که د رخت
که د نشود !

چهار چهار د شم .

چهار چهار د شم .

کمال دران است !
- کمال دران است !

خوش من رو
و اشنه از ارادید من (که خود خطاط کرد)

آخر کس د یکراییه !
کردی وقت ها به او منعو من .

سرفرا و اند اخشن گفت :
- غزند (تاریخه من زن !)
- سیف زنگانی ؟

چون خود رایه دست آوردی ،
فلان خطاط کرد و فلان خطاط کرد

خوش من رو
و اشنه از ارادید من (که خود خطاط)
کردی وقت ها به او منعو من .

سرفرا و اند اخشن گفت :
- غزند (تاریخه من زن !)
- سیف زنگانی ؟

چون خود رایه دست آوردی ،
فلان خطاط کرد و فلان خطاط کرد

آخر کس د یکراییه !
کردی وقت ها به او منعو من .

سرفرا و اند اخشن گفت :
- غزند (تاریخه من زن !)
- سیف زنگانی ؟

اوچه باند که فخر ازی را بند
گوید بیان میرینم

زیراکه تامن باید که بعد آن ،
انگاره میکند که :

آنچه را د خود بینی -

د یکران ،
یاد کرد ها ،
نقد ها ،
آخرها ...

آن یک چیز که د نشود و
آن دیگر ایست که د نشود و
آن سه چیز که چهار نشود و آن

چهار چیز که نیم نشود و آن نیم -

آن چهار چهار کار است که

آن که این درخت است که

چیز که هشت شرود و آن هشت
چیز که نیاندی بیهیسته بیهه .

آن د رخت سخن است که د رخت
که د نشود !

چهار چهار د شم .

چهار چهار د شم .

چون خود رایه دست آوردی ،
فلان خطاط کرد و فلان خطاط کرد

آخر کس د یکراییه !
کردی وقت ها به او منعو من .

سرفرا و اند اخشن گفت :
- غزند (تاریخه من زن !)
- سیف زنگانی ؟

اوچه باند که فخر ازی را بند
گوید بیان میرینم

زیراکه تامن باید که بعد آن ،
انگاره میکند که :

آنچه را د خود بینی -

د یکران ،
یاد کرد ها ،
نقد ها ،
آخرها ...

آن یک چیز که د نشود و
آن دیگر ایست که د نشود و
آن سه چیز که چهار نشود و آن

چهار چیز که نیم نشود و آن نیم -

آن چهار چهار کار است که

آن که این درخت است که

چیز که هشت شرود و آن هشت
چیز که نیاندی بیهیسته بیهه .

آن د رخت سخن است که د رخت
که د نشود !

چهار چهار د شم .

چهار چهار د شم .

در راه انسان :
بنگاه ها ، زیونی ها ،
و تنها های او ...

آخر اقسام نامیات (گیاهان) .
و حیوانات (جمادات) و لحاظات

جو قلت ،
این همه در آدم است .
آنچه در آدم است .

د رایزه میکند که :
- فلان کس همه لطف است !
طف محر است .

د رسخن شیخ محمد لمیس .
الدین عربی این بسیار آمدی

جه جای زمین ها و آسمانها ؟ !
جه جای زمین ها و آسمانها ؟ !

چهار چهار کار است که

آن د گزیست که د نشود و
آن دیگر ایست که د نشود و

آن سه چیز که چهار نشود و آن

چهار چیز که نیم نشود و آن نیم -

آن چهار چهار کار است که

آن که این درخت است که

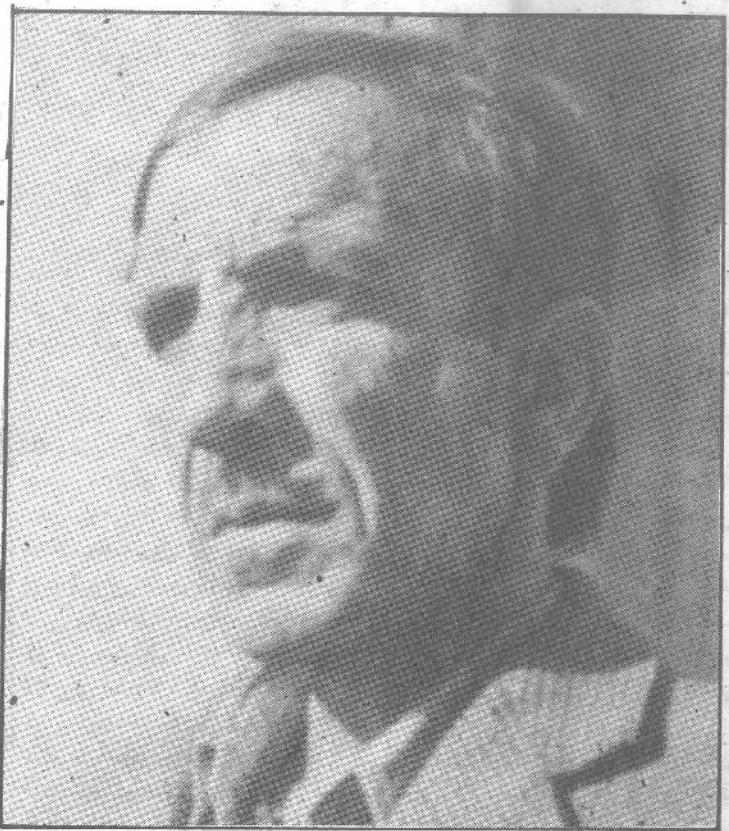
چیز که هشت شرود و آن هشت
چیز که نیاندی بیهیسته بیهه .

آن د رخت سخن است که د رخت
که د نشود !

چهار چهار د شم .

آن د رخت سخن است که د رخت
که د نشود !

نافعه افغانی که از میتوانیم



نیت میشند زیرا بین سال قدمت دارد . اما این اختراض جای را کوشترا کتاب می تند .
تعجب نکنید .

این ماشین که بسیار ارزان قیمت است در ساختمان آن فقط ازد و گروپ ساخته ۱۰۰۰ شمع کار گرفته می شود . درین گروپ ها آب سرد اند اخترت شده و قیمت که به زاره مخصوص در مقابله شما آن قیمت قرارداده شد در حدود (۱۵۰) درجه سانتیگراد حرارت تولید می کند و هنگامی که گوشت در محراق حرارتی فراز گردد کتاب میشود .

۱- میزان الرطوبت :

این میزان الرطوبت که در ساختمان آن صرف از باتاری انسان استفاده به عمل آمده وس، می تواند درجه رطوبت پس اتاق پا محل را تعین نماید .

۱- ماشین تبدیل پشم به تار :

۲- موتور سایکل که برداز میگردد :
توسط این موتور سایکل خودم چندین بار در سرک راهداران به ارتفاع (۲) متر پرداز کرده صد ها متوجه شده ام .

۳- میزبانان افغانی :
در سال ۱۳۴۴ میزی را ختراع کردم که دریک نسبت آن میزی طعام پانیر میزگذاشته می شود و از طرف دیگر در یهلوی نیم غذاها، سوچ چراحتا توارد ارد .

وقتی مشتری غذای مورد علاقه اش را در میتوپافت سوچ همان غذا را فشاری دهد بدین ترتیب در آشپزخانه چراخ همان فرد

پانیر میز مشتری روش می شود و آشپزی داده مشتری چه نسخ نان تقاضا دارد .

این اختراهم دو سال بعد از شرآن در روزنامه انبیاء، توسط پیک کشور خارجی تولید و تکثیر شد .

۴- پایلوت میلس :

این پایلوت در ظرف یکم ساعت پیک حمام راکم و ۵۰ گیلن آب را به غلبان می اورد .

۵- طیاره بدنی پیلوت پیلوت :
۲۲ سال پیش که در غابر که جنگل کاری کردم روزی متوجه

لطفاً صفحه برگردانه

جالبترین اختراهم ماشین کبایی است که با استفاده از آب سرد

نیت میشند زیرا بین سال قدمت دارد . اما این اختراض جای را کوشترا کتاب می تند .
تعجب نکنید .

گذشته از این حرف ها، جالب اینست همین حالاتم که نصب و کار انداری این اختراهم در کشورها رونق گرفته است، رسماً به نام کک های بین المللی معروف میگردد، که این اختراهم راکس دیگری انجام داده و کشور ما فرستاده است .
و این جای سخت تا سفت است که خود مابه دست خود افتخار است .
علم کشور را به دیگران منسوب نمیکنم .

۵- پیاره نیلس :

این پیاره با استفاده از مبلایل ساخته و دیزل بیکاره شسته کی موتورها، برای کم کردن منازل و پخت و پز کاری دهد که دریک شباهن روز صرف (۲) اینمان صرف دارد .

۶- ارزان ترین رادیوی جهان :

در سال ۱۳۴۵ رادیوی ساخته که صرف (۴۰) پیول قیمت داشت، این رادیو نه لود سپیکر دارد نه بادی، نه ماشین و نه پرزو جات تغذیه، بلکه با استفاده از بک سنگ سرموده دو لین عادی این رادیو را ساخته ام . این رادیو مودم به قیمت (۱) اینمان ساخته به فروش رساندم طوری که در همان سال هزاران دانه ای از فروش رسید .

این اختراهم نیز در سال های بعدی به اقسام مختلف در کشورهای دیگر تولید و تکثیر گردید - امانه به نام افغانستان .

۷- گوشاپند هیلس :

این گوشاپند در سال ۱۳۴۶ دو قیمة محدود لباس شسته شده را خشک می نماید .

۸- جله انتوتس :

به خاطر جد اکردن مسکه از ماست جک ساخته ام که بسدون هیچگونه صرف، فقط پایک تکان به فعالیت میبرد ازد و در مسدت ۸ دقیقه مسکه را از ماست جدا می سازد به مجردی که مسکه جد اگر بد، جک از حرکت می ایستد .

۹- ماشین کتاب :

جالبترین اختراهم ماشین کبایی است که با استفاده از آب سرد

نافعه افغانی که از میتوانیم

حصوصیت دیگران این بود اگر صاحب خانه پایه دای زنگ
بیدار نمیشد چیزی که با اواز بلند صدا می زد :

((برخیز که دزد آمد، برخیز که دزد آمد))
این چیزی را فرزند پادشاه وقت به قیمت (۲۰۰۰) -
افغانی از نزد خرد ای کرد .

۱- گولی تاپرات :

در سال ۱۳۴۵ برای جلوگیری از چیه شدن موتو را گولی
تایرات ساخت . این گولی های تایرات از چیه شدن موتو

- با هر سوت که مده است - جلوگیری میکرد .
این اختراهم ۱۵ سال پس از نشرآن در مطبوعات کشیده

در روزنامه ((بنزا)) ساخت جرمنی مورد استفاده قرار گرفت .
البته به نام خود کمین نه به نام کشور ما .

۲- گلول متر پیاده گردی :

به خاطر نیت اند ازه رفتار کوهنوردان، جیالوزت ها
وججه تعین اند ازه ساحت زمین و سایر مسائل حسنه، گیالوزت

بیداره گردی را اختراهم کرد .

این آله که به قیمت بسیار ارزان ساخته می شود ((۱۱۰))
کلم دن دارد و در قسمت بالای کوزی یا نصب می شود . وقتی

فرخیزک میکند نیز آن به گردش آمده فاصله راک شخص طی
نموده نشان می دهد .

۳- آج چوش های آنلاپس :

این آج چوش ها که به ون برق، تیل و چوب، صرف با استفاده

از اینزی آنلاب آب را کم میکند و فعلاً در اکثر کشورها مورد استفاده

قرار گرفته براهم اولین بار توسط من اختراهم شده است . این

آج چوش ها در ظرف ده دقیقه پاک بیول آب را تا ۲۰-۱۰ درجه
سانشیگرد و پیک سطل آب را در مدت پانچ دقیقه به جوش می آورد .

این چیزی را در سال ۱۳۴۶ اختراهم کرد . شیوه کار

ساخته های صدیق مختروع بسیار است و از آن جمله:

۱- چیزی که با صد آیینه به صد میگذرد :

۲- رادیوی که صرف چهل قیمت داشته :

۳- طیاره بی که به پیلوت فیاز فدارد .

۴- چیزی که دارم بیاده کرد ام قرار نمیباشد:

۵- چیزی که دارم بیگزیر :

این چیزی را در سال ۱۳۴۶ اختراهم کرد . شیوه کار

آن طوری بود و شخص رشته بیگانه ای داخل اتاق میشد، چیزی که شد

به شدت به صدا می آمد و صاحب خانه را زخواب بیدار میکرد

هزمان مکرر شد . را توسط کرده بخصوص به طور اتومات میگرفت

و به واسطه تبلیغ ارتباطی خود حوزه امنیتی را باداد نشانی

خانه در جهان نمکد است .

خد اوندا : فھای دلم راتود واکن ، توکه بیرون کارهالیانی .

- مختروع اشک هایین را با پشت دست چیزی را ک کرد ، لبخند نمود .

- تلخی زده گفت : بخشید ، شمارا جگرخون ساخت .

- خواهش میکنم . شاغلن مختروع ، شنیده ام که به خارج از کشور هم سفر کرده اید ، بگویید به کجا و از آنجا چه خاطراتی دارید ؟

- بله ، در سال ۱۳۵۶ نسبت مشکلات انتصادی به ایران رفتم در شهر تهران به حیث یک کارگر عادی در یک فابریک ^۱ بزرگ شخصی شامل کارشدم .

در جریان کار متوجه شدم کارگران مواد مورد ضرورت را! زیک فاصله ^۲ دور به شانه نقل می دهند .

باشی مربوطه را! گفتم که جریان کارا توسط کریں انجام نمی دهد یهید ؟ او جواب داد : یکریش را که در فابریک داریم سال هاست خرا ب شده . هر قدر رکوشش کردیم ، لا یقین اینجیهان داخلى و خارجى را برای ترمیم آن گاشتم نتیجه نداد ، لذ^۳ ناچار توسط دست موادر را انتقال بد هیم .

یک شخص داشتمند در خواهیم می آمد و راجح به مسایل علمی و تحقیکی
بامن به جزوی حیث می بود اخت و برایم هدایت میداد که فرد ادست
به چه کاری بزمن و هنگامی که فرد ایشان شد ادایات اور اعلی می ساخت
یک اختراع جدید ایجاد میشد .

- آیا این شخص در زندگی اجتماعی، موجود بست جسمی هم داشته
- نخیر، اصراف آشنای خواب های بود .
- آخرین اختراق را که روی دست دارد چیست ؟
- آخرین اختراهم با لونی است که به وسیله انرژی آفتاب پر روز
می کند . این بالون دو هزار مترا مربع مساحت دارد و قطر آن بیش
از ۹۰ متر می رسد :
- این بالون که چندین سرنشیین دارد می تواند چند کیلومتر را تغییر
میکند .
- نعی شود نم این بالون را سفینه بگذارم و با اختصار بگویم اولین
سفینه ساخت افغانستان که با استفاده از انرژی آفتاب راه کیهان
را در پیش میگیرد ؟

- شماره اختیاریات، من نلم آنرا بالون گذاشت ام. واژجاتی هم
صرف شفته نامهای باندید یکوشید به ارزش کارهای توجه کنید.
- پرای آینده ها چه اختصارها را در نظر دارید؟
- آینده های اندید به حایی همین اکتوبر دو مساله دیگرند هست
رابه خود مشغول ساخته است.
اول اینکه آواز هراسان سامه مخداعی خاصه دارد و از جانی
اموج رادیو و تلویزیون به وسیله چنین قوه حرکت نموده متوجه
دستگاه کیزنهای اخراجی گردید. بدین وسیله من حواهم اسلام
بدان آنقدر رسیده است که به واسطه مددای صاحب خانه کار پسر
وتلویزیون منزلش - به طور اتومات - خاموش و با روشن شود.
دوم آنکه نکره کنم نباتات برای نهو و نعمت هم خود به انزوازی -
آفتاب با اطول عمر خاصی بروند از زمان این اندیشه تو را
طول عمر لازم هر نبات را از آفتاب جدا کردن (کاملاً امکان پذیر
است) و پرای همان نوع خاص نبات به کار برد که بدین وسیله
میتوان نباتات را خوبی وقت تراز میعاد طبیعی آن به شمر رساند و
از آن حاصل گرفت.

تلخترین خاطره زنده گی نان چیست ؟
هر چند تمام زنده اکم گذشته های تلخی است اما دو خاطره ام
هرگز نداشتن نمی شود .
یکی آنکه در سال ۱۳۴۵ اختراع جدیدی را زیر کارد اشت، هرچه
سعی و تلاش کرد کس حاضر نشد تابلغ دو هزار افغانی برای -
تکمیل اختراهم قرض بدهد، و آن اختراهم ناتمام ماند .
خاطره تلخ دیگر اینکه در همین سال های اخیر (فکری) کسر
سال ۱۳۶۲ بود) خواست بار دیگر در یک موسسه تخصصی شناسل
کارشم و اختراهمات خوبین را تولید و در اختیار وطن قرار دهم .
هر پیشه ترتیب داده از مقامات ذیصلاح خواهان گذاشتم .
از یک وزارت به وزارت دیگر، از یک موسسه به موسسه دیگر و از یک
شعبه به دیگر شعبه سرگردان ساختند . میدانید بعد از ۶ ماه
سرگردان، کجا شدام کردند ؟

درستگاه افغانی علم شعریه بزرگ شوی .
از برای خدا ، شما فکر کنید ایا این تحقیر به علم نیست ، ایا این
توهین نیست ؟ من میخواهم اختلافات را مطلع سازم این‌باشه حیث
بزرگ شوی شامل کارهی شم ، کاری که آزد است یک طفل ۱۲ ساله
ساخته است .

تحویل کن .) اگر بازهم شخص بول راند اد همینکه موتبه استگاه بعدی رسید دو حلقه از دو طرف چوکی بدرشده شخص موصوف رامحکم میگیرد و این بار تاکه بول کرایه و جریمه اش را نبرد ازد اور ازه نی کند .
این موتبه از شخصیکه در چوکی نشسته نباشد بول نمی گیرد .

۱- دستگاه خبر رسانی سلاب:

این دستگاه در نقاطی که وقوع سیلاب در آنجا محسوس است
نصب گردیده آله های ارتباطی آن در مبنای طبق که حرکت سپاه
به آن سمت ها صورت میگیرد قرارداده من شود . به وجودی که
سیلا ب به وقوع پیوست آله ها اهالی را پاروشن کودن چراغ
و صد ای زنگ آگاه میزارد .
خصوصیت دیگر کش اینست که تشییت می کند آیا سیلاب خطرناک
است و خانه هارا ویران کرده من تواند پاخیر .
در صورتی که خطرناک نباشد صرف چراغ ها وزنگ فعال می شوند
و هر دو می توانند در خانه های باشند ولی اگر شدت سیلاب زیاد ویرخد
باشد آله های ارتباطی ۱-۲ ساعت قبل به آواز بلند به صدد
من آمده که :

۱۰- معلم ایشان:

- این معلم میتواند هر زمان یک کتاب را درس بخورد.
- در پهلوی اینها من میتوانم ازین، آتش تولید کم.
- جایب است، این چگونه ممکن می باشد؟
- بسیار ساده، مرسال های قلیان روز رفته بودم به پسرانه منطقه کوچکستان کشور برای جمع اوری سنگها جست مطالعه جیولوژی.
- هواخیلی خود را بخوبی که ابکار اکمالاً بخ زده بود.
- دران حالت دام شد سگرت بکش.
- آیا شما به سگرت دادت دران بد؟

- مسافانه بلي .
- خوب ، اد امبد هيد .
- گفتم دلم شد سگرت بکشم ، اما وقتی دست به جیب ببردم متوجه شدم گوگرد را فراموش کرده ام .
- حیران ماندم چطور کم ، دفعه ای متوجه شدم که تابش آفتای بالای آب های پیخ زده باعث جلای خاص شده است . فکری به سر زد . یک قسمت از کنده پیخ را جد اکرده آنرا به شکل محدب تراش نموده صیقل دادم .
- وقتی به زاریه خاص در بر ارشاد افتتاب قرارش دادم محراق حرار اپجاد شد و من باقرارداد ادن نوک سگرت دار محراق حرارتی آنرا روشن کردم . بدین ترتیب از پیخ ، آتش تولید کرده سگرت را روشن نمودم . در این تحریره باشد روی پیخ راقطرات آب نگیرد و شفاف باشد . دیگر اینکه این حرارت صرف چند ثانیه محدود ایجاد شد بمقدار

پنج راز و بامی کند .

- من فکری کم این کند . پنج در محراق حرارتی خود در حداو
۱۵۰ (۱) درجه سانتیگراد حرارت تولید کرده بود .
- درجه حالت انگیزه یک اختراع جدید به فکرستان می رسید .
- من تعلم اختراعاتم را در خواب دیده ام . طوری که هر ش

نحوه از صفحه (۶۱) شدم هنگام رخصتی کارکران و حرکت موتورهای درد داخل فابن که بسیار خاک بادم شود. لذا "طیاره" کوچکی ساختم که بدون بیلوت هر صبح و پرواز میکرد و بعد از آیینش تمام جاده های داخل فابن که دوبار به زمین من نشست.

۱-گزینه‌های:

برای اطفال گازی ساخته ام به مجردی که طفل دست و پا میزد
حرکت دهد، به فعالیتش شروع کرده از گریه کودک جلوگیری میکند.
بعد از هر یاره حرکت امده دسته کارکرده می باشد، اگر
باز طفل حرکت کند دوباره به فعالیتش شروع می کند.
۱۲- در این حال های اخیر دامنهای بولی لان یعنی راگه
در اکثر خانه ازان استفاده می نموده ساخته ام.
۱۳- واقعیتی که توسط اینکه این را بخواهیم
۱۴- پهلوی دیزلی مولد بوله:
این اختراع را در مساله های اخراج این مولد از این
این بخاری یک بخاری عادی نباید است، اما من پانص
دولیت اضافی به آن، می توانم بر قریب تولید کنم، بر قریب مولده می توانم
پک گروپ ۲۰۰ شمع را روشن نگهداشته یک را بیو پا تیپ را بد کنم
اند ازد.
مانند این اختراعات ۲۸۸- اختراع دیگر داشم که این

- از روی آن می گذرم زیرا سخن راطولانی می بازد .

- شانقلی مختصر، لطف نموده درباره اختلالات تان که نسبت نبودن امکانات مادی، تولید آن معطل شده است صحبت کنید .

- بله، اگر دولته مردم و پارسماهی داران خصوصی پاملن امکانات بیولی را در اختیام بگذراند ((البته بادر نظرد اشت این که نفع از خود شان)) این اختلالات را آماده تولید دارم :

- ران پری که توسط انژئی آنتاپ کار میکند .

۱- دستگاهی که حرارت اتاق مريض را به درجه ثابت نگه میدارد

۲- ماشين تبديل بيريل هاي بيکاره به آهن چادر ز.

۳- اگر دولك انفانی داشته باشم میتوانم این ماشین را بسازم

۴- منتقل برقی که طور اتومات پنج نوع فذ را همزمان پخته می کند و بعد از رخته شدن فذها، منتقل خاموش می شود.

۵- دستگاهی که یک داکتر نوکریوال میتواند از اتاق نوکریوال خود وضع صحی صد هارمین پس شفاخانه را مراقبت نماید.

۶- تجزیه^۱ نام امواج آنتاب با طول موج و ضخامت معین آن،

جعف استاده در مصحت و صفات
۲- گر پنی که تو سطح برق، پترول و دیزل کارهی کند و عرض: نفر کاری دهد.
م- موافقین و مخالفین:

پاک خواهد م

زیلی راول هولند و دلاده و شفته هد پتر ک در شهرین آن زده می داشتند نسبت به همه پکری نهایت روانی که اندیشتند.

هولند که شنل لورنالیست دارد بزودی آهنه سفر مهندس و رای انجام مامونی قصدا سفر به زید و جنیوینهاشد.

زیلی شزان است که میدا هولند اسیدام خوبیان شود اما هولند برخلاف وده میدهد که به عشق اشیش و فاد اینسان.

وی که در راه سفره نه وحید و نکی از ایالات کشورهای را افانتی می گردند مسول وشکن و حق به بسترسی می افتد.

زیلی خودش را وابدان ایالت نزد هولند سرانجام هولند معم میشود که به سفرش ادامه بد هد.

هولند می از انجام ماموریت ونه روز اقامت در آن شهر در راه برگشت به زین در دو سلد و رف ویرلن اقامت گزید.

ووقت دیواره نزد زیلی به منزلش برگشت، وضع را دگرگون پات، اوکه تحت بازرسی بولیس قرار گرفت، خواستار از دستان و اشنازان زیلی راز ناید بد شد نشرا جویا شد.

باقی هولند سرانجام با مردی که نیام میگردید روبرو شد و بین اینکه رای این ایام تیزیان با من همیلیوتی، ماروتلینو، کیزیزی نوچ و کارلوس ایام معرفی کرد.

هولند تازه نزد خودیه این باور نمیگردید که سرخ را بدست آورد است.

ترجمه حسام الدین برومند

- برای من ۴۰۰۰ سرش راجناییده، بادست بدمت کابین اشاره

- من نکس ای را کایه گرفته، بسوی هوتل راه آنچه جنایالی !!

- در کابین مردی که خود شیرا ((بالدریان)) - صریق نموده انتظار دعوت کرد، گفت که لحظه ای اقامت در فرانکفورت بدست آوردم - در طول راه آدم های زیادی را با ماسک ها ولیمهای فانتزی شکل بعد بایست با آقای ((کالمار)) صحبت کم.

- چند تایی بعد این صد ایزکش بلند شد، پاول؟ پایی بیست بیانگرند، راه آنداخته بودند.

- منکه اتاق در طبقه جام عارت قرارداد شد، براي خود را شکر که به هوتل بودی، گمان میدم در اولین مائین شام به هوتل بزرگدی خبری براي تو دارم.

- پایین رفته، درگوش ای شفایخش ((بالدریان)) نزد پک بودار بروی لعظه وارد رویا های خود شدم، تازه کامد، بودم چارمز از جمع بنج مردی که در جستجوی من بودند، آن را راتر کرد، بودند - بین آن اصله فروط لشک خفه ام نماید.

- تو همیلیوتی رامی شناسی - پیدا شد و مرد پنجم ((کارلوس ایام)) هنوز هم در روم اقامت داشت - همیلیوتی شی با لعکن باشے غرور پک روازنده بود - اینکه جرا ((همیلیو)) از دیگران جذبه شد، پک در ساخته بود - به ترازی و از جانی برايم سوال برآتیکنید، سکن وار ایتالیا شده باشد، میکن تازه وارد قطار راه آهن شده و پادر کی از شفر

- تازه وارد قطار راه آهن شده و پادر کی از شفر های دیگر آلمان صروف سفری کرد، شاید هم در - مونشن اقامت داشته راهم کجا معلم که همین اکون د رهوتل ((جارفل)) اقامت اختیار نموده باشد... از این حاشیه ای خود شدم - تازه کامد،

- سا مت ۱۶ حتما نزد او باش - کیمار هلپیک می خواست قدم به قدم را تعقیب نموده، پک در - پک بیرون یکه کام جان گرفتند، کیمار هلپیک می خواست بازهم جان گرفتند، تازه ای شفایخش بازهم

- از نظر رهبری و نیزه نهاده - دل میخواست بازهم مسوی از نظر رهبری و نیزه نهاده - پک لحظه هم

- در زالسبورگ، شعری دراطیس، آریوپاپنیز - پک لحظه صبرکن؟ پک احسانه روزن برايم آلام میداد که همیلیوتی نیز ریان پسلی راک مقابله کذاشتند، پک احسانه روزن برايم آلام میداد

- ورا از جهان ناشناخته به جهان نشناشی که آنچه میکرد، برمید اشت: زیلی نزدیکی - مجهل پارش خیابان سوم شجز عکسی - پک داشت که کیمار هلپیک می خواست بازهم جان گرفتند، تازه ای شفایخش بازهم

- زیلی نزدیکی - مجهل پارش خیابان سوم شجز عکسی - پک داشت که کیمار هلپیک می خواست بازهم جان گرفتند، تازه ای شفایخش بازهم

- میداد دیگرین بیانم، جونکه هنوز روبرو شد میزلسن - شماره تلفون؟

- آقای هولند؟ - آقای هولند؟

- بیان میکنم، فرادری مرا از تکمیم بینون آرد: پیش خدمت جوانی را قابل ایستاده پاکت کمیکت - پک صحبت در براي شما... از فرانکفورت

- د رکابین سوی ۳۰۰۰ بفرمایید ۱۱

پت صحبت میکند، پس از صحبت تلفنی برسیدم: این گیاه بد چکونه بد اخل این اتاق آردن شده

چرا؟

میعنطور: او یعنی برای زیلی لوبیونیزین گیاه، پک گیاه

بدون بخوبیست:

فصل دوم

- ۱ -

سه هفته است که در هتل ایسا در اقامت

دیام، اگر دقیق بگویم ۲۲ بزد، هوا درین ملام

گزیده است. مردم مقابل قوه خانه های روی -

جاده های شنیدند و وقتی آنها نیای ناید، آنچا

سرخرا جنایه پلافلهه برمیشد که امسال تاستان بسیار

وقت اغزار یافته است.

امروز قبل از ظهر در گورنر خدا حافظی کرد.

غرضش برايم کاملاً غیر منظر بود. او بطریور

روشن ویدن آنکه کوچکن گشایی بین باید «مرا

زور بارز هوش میتوانست بدین رازی ببرد.

گورنر راحیکه لوارضن رای بست و سویی تشبیه

مجله داشت تا شناسن ایشوند: گفت:

من بارا خیر، نزد زیلی به هتل راه آنچه هولند!

سبع پک دوست من اینجا آمده بود. به معنی

واعن کله بگم پک رفیق دین. اور کوره و پیش

خدرا شکر که به هتل بودی، گمان میدم در -

اوین مائین شام به هتل بزرگدی خبری براي تو دو

د راتنای صحبت در راه ای شفایخش ((بالدریان)) نزد پک بودار

بوي بونه های شفایخش ((بالدریان)) نزد پک بودار

نویزه داشت راه خواهش را رد مکن، نزد ۱

لعن طبعی و آرامی گفت:

چهارم: چرا؟

در زالسبورگ، شعری دراطیس، آریوپاپنیز

- کسای ۹۹

پک بیان میکنم، شفایخش بازهم

از مظاہب ارسالی شما

· انواع عشق ·

- ۱- عشق به موجود روبای کسانی که درگیر این نوع عشق میگردند نه - خود اثاء از سالهای پیش عاشق شخصی در روابط ای خود بود مانند -
 - ۲- عشق های ناگهانی - در این نوع عشق هیچگونه حساب و کتاب و قاعده وجود ندارد و مانند باد میگذرد و برگشت ندارد -
 - ۳- عشق های توأم با سازمان و بیوستگی طرفین - در این نوع عشق این شاهد علایق و همیستگی و احساسات عاشق و معشوق تاحد اعلای حد این نا - بد پری مذاهده میشود -
 - ۴- عشق حنون آمیز توام با شید ای مفترط - این عشق - انبساطه از حسادت بعد از شمار وعاب دادم برای دوطرف است -
 - ۵- عشق توأم باشد اکاری - این نوع عشق توأم باشد اکاری یکی از جانبین میباشد زیرا درگیر شوندگان این عشق عقیده دارند که کسیکه عاشق است باید پراحتی از تمام زندگی داشته و از رابط طرف مقابل هد به دهد -
- ارسالی بعنوان «سیاست»
و شکیا «از ازعجه»

نکاهما و آنده پنهه ها

میگویند :

مرد جوانی که به دختری نشانه میگند، امیدوار است - مرد میانه سالی که به دختری نشانه میگند نفشه سیرزد - مرد پیری که به دختری نشانه میگند فقط چشم چرانی میگند -

ارسالی نمیشه رحیم

زن از نکاهه روزنامه نثار

- ۱- زن بحرف - را پرداز
- ۲- زن خشنگین - صدمه مواد
- ۳- زن شیکوین - التیو مد میمه
- ۴- زن حرس - نیازمند یهای عمومی -
- ۵- زن مبتکر - سرمقاله!
- ۶- زن ولخ - صفحه اقتصادی
- ۷- زن غرقی - صفحه ترحم و تسلیت
- ۸- زن بیر - صفحه فکاهی
- ۹- دختر جوان زنها - طنز
- ۱- دختر مدد روز - دختر شایسته

ارسالی متنس نهاد

تبسم میگند - ستفات میگند به طرف ساعت خود نشانه میگند ۹ بجع ۱۰ دقیقه است - در همین وقت بیانست میگند با فنگجه دست داشته بیچ بار بالای اندرا لاندی فیز میگند ((شاجه میگنید!)) گاندی فریاد برآورده به جمع راست به زمین خورد مکالمات اراضی - کارابین اتواتر میگردند - ستفات میگند ۲۵ نیزی الای زن که قبله به زمین افتاده بود میگند - و ملاح دست داشته خود رامی - اندرازد در همین وقت محافظین اقام شاه آنها را محاصره نموده و در آنجابیانست میگند مقاومت نشان میدهد که درنتیجه زخم میراد و هردوی آنها را ستگیر مینمایند - داکتر شخصی صدراعظم خود را به محل حادنه رسانیده بعد از شمار نمودن نیضا شروع به مالش نمودن جسم وی میگند - از خانه نشیمن سونیا خانم راجیف گاندی خود را به محل میرساند - مسد برخون - اندرا لاندی را به قصد شفاخانه در سیستم عقین موتر قرار میدهند - موتور با سرعت زیاد خود را از کوتاه ترین راه به استیتوت علمی طبی هند وستان میرساند - ساعت ۹ بجع و ۲۱ - ز دقیقه سونیا با راجیف گاندی که در بعثت بود از طرق تلفون تماس میگیرد - همچنان بوزارت خارجه اخبار میگیرد و تاریخ چهارمین سال میگند که درخان بود به کشور باز گردند ساعت ۹ بجع و ۴ دقیقه جراح در اتاق عملیات که در منزل سوم استیتوت قرار داشت - اولین مردم را از جسم صدراعظم بیرون کرد - بعد از مردم دیگر را ابرات تنفس مصنوعی رافمال و انتقال خون را در دن آغاز - گردند - ساعت ۱۰ بجع قبل از غهر را بیوی هند اخبار سو - تصدی به جان اندرا لاندی را بخش نمود - نطاقد لفکت که اندرا لاندی در حالت کومفاردارد - وبالا - خود ساعت ۱۰ و ۱۱ دقیقه مرگ کلینیکی فرارسید اکثرها هنوزم یکیم ساعت بالای جسم اندرا - گاندی که زندگی اشرا وقف میزاره براي جهان بخت و علیه خطره جنگه ز روی ویه خاطر یک هند متعدد نیرومند و مستقبل ساخته بود کوشش کردند تا بشاید که درواره به هوش بیاید اما خانم گاندی به خواب ابدی فرو رفته بود -

اورد ارفت ال نایر لگاندی



میخورند - کیخار میگند نیزی آنها بود را زیز سک پابند است که برای انها چنین گفته بود : ((برادرها! هم کیشان کد ولت آنها بین افرادیان طبی هند میگند مثل حیوانات و حنسی از عبده طلاقی کشیده شدن و میگزند که دولت مذهب ماراثوه هیئت نوکریوال میشند - اما جال نریان - ستاده شده و باور میگند که گریا خانم بیانست میگند شب از بینجا ب من آید و حاضر میشود با بیانت میگند نوکریوال خود را بیند یل کند - بیانست میگند کارابین اتواتر خود را ماده ساخته و در جای عرض اسفلات که اتاق نشین را با اتاق ملاقات وصل میگند قرار میگیرد - بالبیر - ستاده آمرنونکریوال همه چیز را به صورت درست محاسبه نموده بود و حقیقتی را نیز قبلاً مورد توجه گاندی را نیز میگردند - کارهای طبقیلان قرار داده بود - کارهای طبقیلان که آنها یکشب قبل براي دفعه آخر بررسی کرد - بودند بیش میز - فت - با بنی میگند میگند حقیقتی است که بخاطر مذهب خود براي هر زن قریانی آماده است - با بنی میگند هفته قبل یعنی ۲۴ اکتوبر بیانست و ستفات را بمعبد امکان دارد که گاندی لباس زریش به تن کرده باشد؟ خصوصاً درین حالت در اتامشاه شخص خود؟ فرمی ممکن است، اندرا لاندی نیمه راه را بین دو خانه را بپموده و همینکه نزد یک ستفات قرار میگیرد - معبد طلایی اهانت نموده است

که ماشوم په اوپوکی ...

۱۴۳ پنج بات

البته نه به تجاوز کارانه دلبلکن به احساساتی اعطا طوی هه ول تهله کرم . بوده به لبره ببره سره کوچنی دا پوسرته بوری وا همه مگرد لفین به دی نه پسو همه دل جی زه بل خه غواص و کرم .
- بنایی دد لفینوله باره داونیه تل کی د ماشوم سره لوبه به زر - بوری نه و . د جارکوفسکی عنس پوستنه و شوشه .

- بنایی همداش دی . خود ایسو انسانی منطق او تسلسل دی . او هفوی خود لفین دی .
- اوکه نایبره هفوی د کوچنی نه د کرم دارا و خطرد احساس خبر خبرکری .

- داهم دامکان نه لیری نده .
اوکه داسی خه بیش شی هفوی خوزموز د ماشومانوسره نزدی .
اریکی لیری . هی موز دلیان ده فرو ار یکود لید و خنی محروم برو او نشرو کولی هفته روینو . به توه بجهه کی ازمنین بل هدف هم لاره :
نه بواشی داچی مانشوان باید د او بوله چاپیں بال او لفینوسره عادت ارشتایی بیدا کری بلکس باشد بخبله میند وته دارام او پایه زمینه مساعده شی او هفوی نر . زمینه باندی باوری شی . جی د چاپیں بال به مخکنی هر دل دار دله منعه هم لوره دی اوکه به رشتیا سره به آخره اندازه دهه له منعه دل مکن دی . همه و - خت به تجربه هم مکنه ده . کومه جی تراوسه بوری به نری کی نوعه ترسره شوی . او همه د کوچنی نزدی نه به اویکی دد لفینی خواکی ده .

رشتیاده . جی نن درخ ددی .
تصویره برگران دی . جی خرنگه به ارگانیم د هفو شرایطه لاندی .
کله جی یوکوچنی به نری کی د .
بوده بحری چاپیں بال (مور) .
حنن بل بحری چاپیں بال ته دیزدی و لی . و ده ارتکامل و کری .
یه دی برسیه ددی تصور او اتکل هم گزان دی ، جی به خبله انسان دی و کولی شی به داسی هلو غلول اس بوری کری . جی به نتیجه کی پختله خبل بدلون او تحول کی تغییر اویل .

خوبی او لمبوبی و هله به دی هم برسره . شی خوره . میاشتنی کلنی کوچنیان د بحری اوپوکی د د لفینوی موجود بست کی بید بدل . د هفوی خوب ارام او نزدی .
عالمان به بوده نظرآ و قیده .
دی جی دد لفینویلوزنیک .
میدان د بحری نظایه مخه کس د هر دل خطر احساس لمه منعه ده پ .

ولی تراوسه بوری ده سوال خواب بوده ستو زده . او بخبله هعن لوبان حتی ولی نن درخ د سبیو عنی دارلری . به داسی حال کی جی کنک ماشوان له هفوی هعن هیخ دارنهاش .
سوی . بنایی دهه انکی نه جی د کوچنیانه فوز و نوک و ای . جی د میں او همد اخیر د لفینوسره بیو غایی د بنمن نش کولی ووسیزی مار بوبی دهه او نیزی نجلی کاتیا سره دا بولاندی غوتی و هلی .
جی د معمول به خیره و د لفینو هم زیوز ترخنگ لامبوره . موزه اوسی . ایوه عادی او معمولی خبره و . دغه تک ایگر جارلو .

فسکی خرگند که . او خبله خبره .
جی داسی دام درکر : به دی خاطر موز بوله اول ته هیخ دل د بالمرنه نه راوله . او زده داسی نکرکم . همه کوچنیان جی .
نزدی دی وروسته سد لاسه بے اویکی واقع شی دلیانو منسیت

د هوا و تفاصیلی به اویکی د نه د غم او مقاومت توانایی خونجنه زیاته ده . خوبه هر صورت ماتال همه شیه او لحظه کله جی کوچنی د ساء کبلوله باره دا بورخه و تلتونه ار کنیزی ای احساس کری . د اخیر تجارب لو ازمنین ده لسیزی دی . جی ترسره کنیزی داعل هم زه بود . هیدم جی کله لازمه ده . جی د نجلی سره دا بوله تله را رو خو .
تول همه خه جی وروسته بیش شول د ستارکویه ریکی ترشول د لفینویه موز باندی د خبلو تولو حركاتیه هماهنگی سره بربه و کری جی سی کله ناکله هفوی و نایی هفتوی زه د کاتیا عنس

ساده کارنه دی . او د دی لعباره خونبووری مورته بکار دی جی کلنی کوچنیان د بحری اوپوکی د د لفینویه موجود بست کی بید بدل . د هفته او درد و نکی حالت دی .
د زیزیدنی ساپکلوجیکی بروسه به او واوهنه هم به بحرکی د بیری سره کم جی د خصلتی موجود اتومه وجود کی بحای لری نه مخامن کنیزی . گنه شمیر تجریش شتمدی .
کله جی سی همه موجودات . کوم جی به جدی توکه د و جی د زوندانه د طرزله مخ خبل زوند برمیخ بیاسی . به جوهری توکه او بوره درگو په وته او ویستل شویدی .

خبل زوند لاسه درکری . همه لکرونک حیوانات که چیرته به جبری توکه به اویکی غیره شوی .
وی او بیارجی ته را وکیل شی . بور لید ل شی .
حل لید ل شی .
سلی نخیز خور لی دی . د نهونی به توکه که چرگه او ایافیل مرغی .
جبری توکه به اویکی و مندل شی .
د هکیود اچولوتانا بی د لامسے درکوی .

د عصا بو ضعف . رو جی خبر بر تی .
د مافی ناروی . مر بنه . د آتول د طبعیت د منع شوی او تر لسی شوی چاپیں بال خخه د سرف و نسی نتیجه ده . او سره له دی جی دغه بند بیز بورخا منحاظه شوی خصوصیت . جی د بحری .

خلاف دی . لری .
سره د دی جی دا بومحیط زوزع له زوندانه سره یونه جوریده و نکس خصوصیت لری . خود دی سره د اسد لاسه لصیونه را مور)
لکنی بل سمند ری محیط ته د .
و جی برعای ورگوش . نه به بیش شی . اویه خه شی باندی تتجربی ((به بحیره کی نویزیز -
ید لی ماشوان او ده لفینوسره د د ویار یک)) ترعنوان لاند پ ترسره شوی .

ولی د د لفینویه موجود بست کی د .
میند و ویره د خبلو اولاد و نوبه هکله له منعه خی .
هر دل تیاری نه د خبلو تو خسرو ماشوان سره د د لفینوسره خواهی .
هم برته له میند وه داوه زر هفتون



د لومه ورخونخه دغه خیر کوچنی د زوند فعال طرز افعالیت سره عادت نیمسی . اویه خبله زیرکسی د حرکات اراده اتوبه ترکارا و فما - هنگی تول چاپیں بال جی دی ره . سره بیوند لری . خیر اتوبی . هضم چنمه چنی تراوسه نه عمل شه :

اویه دی دل نن درخ تی خوره ماشوان هم کولی شی لامبو رو هن . خود نوی زیزیدنی دل ماشون د لامبوره نه بور ابلمونه لاتراوسه ناحله باتی دی د لته به دی . برخه کی داس سوال رامنعته کنیزی جی که ماشون نه بول احس د اجی دروسته له زیزیدنی سی له اویوسره عادت شی . بلکن کندنه ماشون به اویکی زنیزول شی . او سد لاسه لصیونه را مور)

لکنی بل سمند ری محیط ته د .
و جی برعای ورگوش . نه به بیش شی . اویه خه شی باندی تتجربی ((به بحیره کی نویزیز -
ید لی ماشوان او ده لفینوسره د د ویار یک)) ترعنوان لاند پ ترسره شوی .
چی د هیخ بول باند بین کوزار او ضریب سرمه خام کنیزی د .
زوندانه تول چاپیں بال هم د موری تا بیش به خیر دی . د .
زوندانه شرایطی هم د - ۴ - ۳ -
علی اقتصادی دی . خرنگه .
و ده اونکامل و کری . خرکند د .
جی ناکلی تجربه او ازموینه -

اکثار عامہ و ...

میگردد و در افزایش ایجاد سرطان نقش دارد، در اکثر کشورهای غربی توانین و مفراتی را وضع کرده اند که استفاده مدام از روشنایی تولیدی همچو منحولات یا محصولات متم و غرقی آن که زمینه استلاه کارگران فابریکات را به نحوی از اتحاد به سلطان فراموش می‌سازد، منع قرارداده شده است.

محققین محاسبه کرده اند که دود سگرت های انگلیسی و امریکائی می‌تواند ۴ بیونت گرم ماده^۱ (3/4 benzopyrene) را در هر ۵۰۰ دانه سگرت تولید کند در حالیکه این رقم در سگرت های فرانسوی به ۶ بیونت گرم و در سایر سگرت های ۱۱ بیونت گرام افزایش می‌یابد. این ماده و مواد مشابه کیمیاگری آن است که در تولید سلطان نقش مده را بازی می‌کند.

یک سلسه تحقیقات
دلچسپ در ایالات متحده امریکا
انگلستان و ممالک سکونت نیویارک
بعمل آمد است. بقایای سگرت
که در جاده هابدوراند اخته
شده جمع آوری گردید و طول
آنها دندانه شد. طول وسطی این
۲۰ متر رسید

در انگلستان این رقم به ۱۸ امتی متر
و در عالم سکن نویائی به ۲۶ امتی
امتی اقیانی آمد.

بہ ہمین ارتباط دلچسپ
است بد انہم کہ فرنگوں نے
مرگ و میر ازناحی سلطان رہے
در انگلستان دوجنڈ ایالات -
متحده امریکا و در حدود آفیڈ
کمتر از کشور ہای سکنڈ نوئی اُسی
میباشد سلطان رہے بیشتر رکشور
ہای وجود دارد کہ سکرت رائٹ انجام
آن دود میکنڈ وقوع سلطان رہے
در معتمادین سکرت نسبت بے
معتمادین سیگاروایپ براتب
بیشتر است از لابلای تحقیقات
جنین برسی آید کہ (۹۰) تا (۱۸)
فیضد معتمادین سکرت دود سکرت
راستشان میکنڈ در قسمت
معتمادین سیگاروایپ این رقم
بے ۵ الی ۱۵ فیضد کا ہش
می یابد از لابلای این حقایق
خود تانی تو ایند نتیجہ گیری
نماید با تکابہ مالعہات
۴۰۰ دوکھران بر تانسوی
کمینی دال ابند هیل جنین دریافت
آزانیکہ روزانہ ۲۵ دانہ سکرت
دود میکنڈ ۴ مرتبہ بیشتر
از کسانیکہ بے سکرت احتیاد نہ ارند
در معرض خطر ابتلا سلطان رہے
قرار گرفته اند در سال ۱۹۱۵
در انگلستان در ہر ۴۰۰ ر ۱۰۰
برد، (۱۶) نفر آنہاد رائی ابتلا
سلطان رہے مرد اند در سال

و بعد از يك مكت كوتاه
شمرده سیگارید: بعینده من
يک هترمند ساید از عصمت دل
حسنه، آگهانه و ملموسانه
نقش خود را پیدا کند.

شایس من در این مخدوده
ستاده نهادهای اصیل
بوزن رقص های کلاسیک
و تئاتر است. چه در رقص
های کلاسیک هر حرکت و حرمت
بعد آزاده و مطلب خاصی را
پرساند که رقصه! ید اندازه!
هدیدون تردید در تئاتر
نماین عنیت موجود است که

۵۳ از صفحه

پس انگلیس

آنکه سورد است.
 کارمند ان اداره تحقیقاتی
 محروقات لندن آلووے کی هوا را
 باد و دود و گاز ذغال در تعدد ادبی از
 شهرهای انگلستان و دنمارک مورده
 تحلیل و ارزیابی قرارداده است.
 ماده کیمیاوی (4/3benzopyrene)
 به غلط ۴ هر بونت گرام در -
 تایستان و ۴ هر بونت گرام در -
 موسم زمستان در هر صد مترا مکعب
 هوا کی دریافت شده است. این رقم نسبت به آنجه که
 در شهرهای ایالات انگلستان
 دریافت شده کتروهمجنان
 نسبت به لندن بعراط کمتر بوده
 است ولی کترت وقوع سرطان
 ریه در کوین هاگن نسبت به لندن
 هر چند که آلووے کی هوا کمتر
 بوده، بیشتر وجود داشته که
 بدین ملحوظ آلووے کی هوا
 نیز صورت حتم دررشد و توسعه
 سرطان ریه تا نیز زیادی داشته
 است.

اعتیاد به سگرت واقعه جسم
نهایت بزرگ است :
با سروی بین از ۳۰۰۰ طفل
تحقیقات در راه عادت گشیدن
سگرت در کودکان مکاتب دنما رک
نشان داد که همچو بسراهونیم
دختران محظوظ به سگرت اند.
(۴۰) فیضد بجه ها عادت
سگرت گشیدن را در سن ۱ سالگی
آغاز کرده اند و دین ترتیبی ---

۱۹۵۰، این رقم به ۶۱ نفر در هر ۱۰۰۰ مرد می‌توان دید که در طول بیش از ۴۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. این انتشار ازدواج در این سن میان زنان ایرانی بسیار کمتر است. این انتشار ازدواج در ایران بسیار کمتر از ایالات متحده آمریکا است. این انتشار ازدواج در ایالات متحده آمریکا برابر با ۷۰٪ است. این انتشار ازدواج در ایالات متحده آمریکا برابر با ۳۰٪ است. این انتشار ازدواج در ایالات متحده آمریکا برابر با ۲۰٪ است. این انتشار ازدواج در ایالات متحده آمریکا برابر با ۱۰٪ است. این انتشار ازدواج در ایالات متحده آمریکا برابر با ۵٪ است.

هم جناب درمیان معتقدین
سکرت وقوع حادثات بیمه‌ای
های دیگر به، اختلالات قلبی
هرخ های معده و ناراحتی های
جگیر از عربات پیشتر بوده است.
در تمارک سرفت افزایش
مرگ و میرناشی از سلطان ریشه
های زیاد بوده و تحقیقاتی که
زمینه بعمل آمده بوضاحت
شان میدهد که ۲۸ نیم‌د تمام
جوانان بالغ در آنکشور به این
بیماری مبتلا شده‌اند، ولی اغلب^{۱۰}
زروه معتقدین سکرت استدلال
کنند که افزایش در مردان ریسمرا
نمی‌توان نتیجه افزایش دود فابر.
استدلال مبنای منعه

درین سخت کید:
میانگشی گشت: ((امیتاده))
کسرینه پیوی دست و تیار است
از هرین بولطف آور و سورینه
دست دریل ((سختمانه)) همه
وز در ((سست دلم)) برایم
لذت من آور و میگست?
مید و راست کار مشترک
جهون گل ها لیف و خوش رایمه
شد.
خوبیختانه این آزو برآورده
دو ((سختمانه)) چکی زیلم های
سرودا ریون آزو را ب برآمد
ستمداد مردانه همانی
گذاشت جلد اول

بر پاد رفته

مینار و پاره به خانه من اورند عکس من افتاد، جنان به عکس و آرام گشته را بازمی یابد» دغیل میشود اندکار درون آنرا اماخاغله آنروزهای سخت را - میکار، میخواهد بد انداز، این فراموش نمیکند «انسان دمیشه عکس که ماله است برد پیرا اویزان د و چیز را بیاد میبیارد بعترین است از کی است، چه شده امروز ویدترین راهمه هاسپری میشود که به یار آن انداده است» چرا - و مینا پاک گشت زیان رشد میکند به کارهای خانه میزد ازد، دست مادر رسرا سبد، میکند، یک روز که خانه را جاروب میکرد، ماما یعنی به خانه می آید و باعالي از خوشحالی میگوید: «واه، واه نام خداد ختم جوان شده، حالمیتواند، خانه راهم ازروب کند».

مینا بادیدن ماما یعنی جاروب را راه میکند و سویں میزد، ماما یعنی گونه های از رامیوسد و باد سست خرم موهاین را نوازید «اد» - میگوید: «واه نام خداد ختم حلالام» - چطور است دخته حلالام - هست؟

بلی ماما چنان ۰۰۰ مینا واقع که ماما یعنی میزد در - اند یعنی میشود که چرا همیشه اورا د ختم خطاب میکند؟ چرا وقتی در خود : - چی میکنی د ختم، به فکر چی است؟ - هی مادر!

مادر این عکس از کیست؟ ایکاش که نعی بررسید، ومادر به جان باخ بخ به سوی میناگاهه میکند که چرا با این همه گستالتها، امروز به فکر این عکس اندیاده است. مینا کار میکند:

- چرا مادر نمیگویی که این عکس از کیست؟

بنیه از صفحه ۲۸

راد رخواص کیمیا وی و فزیک تباکر بوجود بیاورند. احصاییه های ثبت شده در مورد افزایش و قایع سلطان رسیدر تعریهای ارزاقی در طول ۱۰ - ۱۲ سال بعد بوضاحت نشان داد که این افزایش را ایجاد شهر هامتوان بوده و همین موضوع در مناطق دهاتی با نفوذ پرگشته، نیز صدق میکند: «این گراف دقیقاً افزایش در معتادین سکرت را - بالترتیب در شهرهای بزرگ، شهر های خود و مناطق دهاتی نشان میدهد».

اعتداد به سکرت از قدرت غشای مخاطی برای باک کردن خود شن جلوگیری نموده ویدین لحاظ رابطه سیار نزدیک بین مساد کیمیا وی مولد سلطان وغایی مخاطی برقرار میشود «این واقعیت که سلطان ره در میان افراد یکه به سکرت عادت ندارند - ولدو اینکه نادرهم است نیز وجود داشته، نشانه هند «این امر است که عوامل سببی دیگری که تا اند ازه ای مجھول اند در روز سلطان بی تا نیز نی باشند مانند مرکبات ارسنیک و ... اکترومواد صنعتی و تولیدی مولد سلطان شامل این که گوری بوده که این خود برات خلری اکترواست نیزتا نیز ساخته سوآن برای سالهای زیاد آنکار میشوند».

در لابرادرهای مختلف در سارجهان دانشمندان مصروف این امانت تابع نشود که هنر یا برطرف ساختن مواد ضرری موجود در دود سکرت تغییری

در سکونی موقف نشاند. در خصوص ((نیوکلئن)) این هنرمندان انسان نهایت شریف باک دل و وسیع «الصدر» است، با همکاران خود توجه دلسرزی داشته برای هنرمندان کارهای نیاز موره های دوسته خود را میایده نمیکند. او هنرمند بر تلاش بوده برای کارهای صادقانه قدم بر میکند.

((میکنی)) ادر برای خرین سوآن این مذاجیه در خصوص تهیه فلم های اموزنده را تیه دهد. چنین توسعه کرد: «سینه اه سکن مدرسه را پاد

که در خود باست بیاید، یک روز که در خانه تنهان شسته است، به عکس گرد گرفته روبی دیوار میگزیند، اوراین مدته این چرا همیشه اورا مکنی نیز نمیگویی که این عکس از کیست؟ که این بانگاههای سرسری میگشت اماجهه مده که یکباره به فکر این



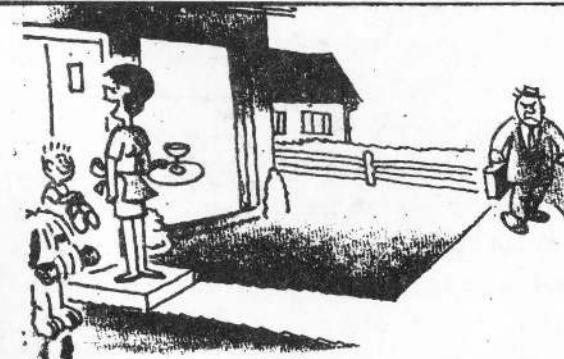
خانم! مه ما هلید؟
تمداد خوش، من هم متاهلم.
بنابرین من بینید که مادری هم
ساخته شده‌ام!

نمونه احلاق

بدون
به کدام سینما می‌خواهی
سری؟
پسر ۱۲ ساله:
بدرد شما نمی‌خورد، فلمن
سکس است.
ارسالی: حسینا

باز هم خیتو

خارنوال به مرد یکه ختوبی خرالت
وکوب نموده بود گفت:
شما باید بکی ازین دمحازات
را قبول کنید، یا اینکه یک سال
مکمل با خشونی تان زندگی کنید
ویا...
هنوز حرف خارتول تمام
نشده بود که مرد غریاد کنید:
اعدام، اعدام - من اعدام
را قبول دارم.
فرستنده: هوس حمید



- مادر جان... شوهرم مثل اینکه فهمیده
باشد که تو امدafi، چون از فیانه اش معلم
میشه که خیلی خوشحال است؟!

نقال و شهر

دریک صندوق که گرد لایس
ویک شاگرد تبل بود
در شروع امتحان - انت
شاگرد تبل به لایو گفت:
فرد ابرام نقل بدهی.
شاگرد لایس گفت:
خوب، پس هرجه من گفت
تو هم بگو.
رذ امتحان فرا رسیده
معلم ارشاگرد لایو سوال کرد:
- کتاب مادر از کیست؟
- از ماکسیم گورکی.
- امان الله خان در کدام سال
به پادشاهن رسید؟
- ۱۲۹۷
- آیا قدیعین سرزمین جهان
نامال شناخته شده؟
- نخیر، تحقیق درین رسیده
جزیان دارد.
وقتی نویس شاگرد تبل رسید
معلم برسید:
- نامت چیست؟
- ماکسیم گورکی.
- در کدام سال تولد شده‌ای؟
- ۱۲۹۷
- آیا تولد پیوشه استی؟
- نخیر، تحقیق درین رسیده
جزیان دارد.
فرستنده: زیلا سری

۷۰



کابیا شور با؟

تفتیشی برای بازدید په یکی از دیوانه خانه‌ها رفت، در ضمن
دید ارباب دیوانه بخورد کرد که از هنگاه عاقل به نظرمی آمد.
تفتیشی که همین نوع جنونی را در او نموده باتوجه برسید:
چرا شمارا اینجا آورده‌اند؟
دیوانه جواب داد:

برای اینکه من بوت نیم ساق را نسبت به بوت ساقه ارد و سست
دانم.

تفتیشی با ناراحتی گفت:
اینکه دلیل دیوانگی نیست، من هم بوت نیم ساق را خوش دارم.
درین موقع دیوانه دستهای خود را با خوشحالی به هم مالیده
گفت:
اووه... چقدر خوب، امانکنید شما آنرا کباب کرده دوست دارید
یا بعنکا، شوریا؟

ارسالی: ریدا ملی

مال مفت

اولی: د بیتب خواب دیدم که
به رستوران رونه ام و آنجا ۱ سنه
گذاشت و پک بوتل شوا باخواسته
ام ول بعد از خوردن متوجه
شدم که در جسم بله نهست.

دوسی: بعد ازان جی کردی؟

اولی: هیچ، از خواب بیدار
شدم.

دوسی: ای احتم، اگرمن جسای
تو عی بویم پک گلایس تغییر هم
نمیخوردم.

ارسالی: نجیب (حبیب)

اشپزیاش نگاهی به ساعت
کرده جواب داد. ولی ناگهان

مکالمه چند لحظه قبل که لا -

ینحل مانده بود بیهاد ش آمد

و از ماده جدید رئیس صاحب

باصدای آهسته پرسید:

برادر رئیس فهمید که رئیس

صاحب لالاقد و مرآجا بر طرف

کرده جوابش داد؟

ناگهان نجف شاگرد آشپز

چیزی بفرش گفت و دستگفت:

حال فهمیدم. رئیس صاحب

ازین خاطر لالاقد و مرآجا بر طرف

کرده که پشت دروازه اتاق رئیس

خوابش من بود.

پیاده جدید مانند کافش

طمینی گفت: نخیر. اگر از

خاطر خوابش من بود من باید همه

ماورین ریاست رامنک من کرده

آشپزیاش با علاوه من کنیدی پرسید

پسچرا من فکش کرد؟

پیاده جدید در حالیکه بهیخ

گرد نش را من خارجه جواب داد:

- بلی خلیفه آشپز! باید

بغفی که لالاقد و مرآجا رئیس

صاحب از خاطر خواب کردنش -

من فک نکرده. بلکه ازین خاطر

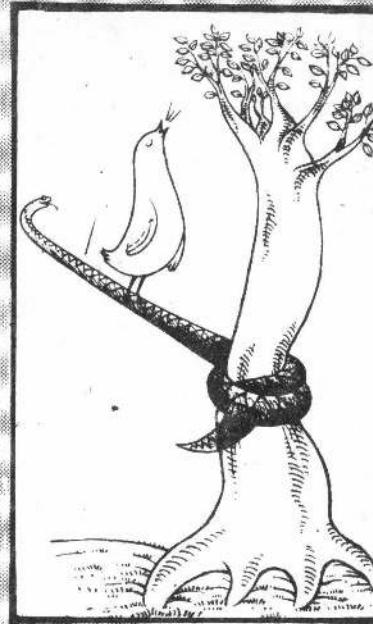
من فکر کرده که در وقت خواب شد ن

در پشت دروازه رئیس صاحب خرو

پف من کرد و رئیس صاحب را به

خواب شدن نص ماند.

نوشه: اسد بدیع



؟-؟

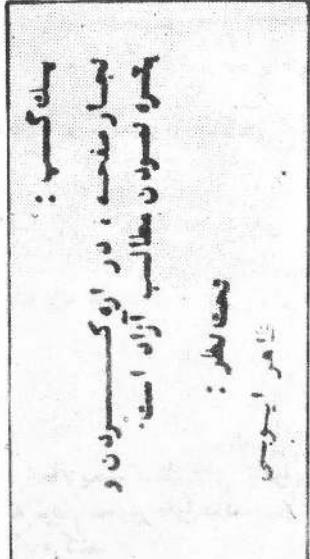
س: میگویند بزرگنم همای
تلخیعن بسیار حساب شده.
آها راست است؟
ج: راست میگویند ۰۰۰ بسا
تلخیعن مارا به نصف قیمت
بخر.

س: گروچای زنها عقب موثر
و از مردمه های پیش روی من سود
چه فرق میکرد؟
ج: در آن صورت پرایی موثرهای
ملی پس، در بود بید استند.
نوشت: مد الرزاق مالون

مردم هریان

اولی: این مردم رامی بین؟ او
 تمام هرعن را صرف پاک کردن اش
 های مردم کرده است.
 - آه چه مردم هریانی، راستو
 کارش چیست؟
 - هیچ، دستمال فروش است.

فرستنده: کاترین زره



علت بر طرقی

آشپزیاش ریاست درحالیکه
با سرانگشتان پایش را من رفت
تاصدای بلندی تولید نشد به
طرف شاگرد شر، که در گوشه هی
مشهور پوست کرد ن کوالویهاز
بود. نگاهی منتشر نماد اخته
پرسید: او ۰۰۰ مجده ۰۰۰ مجف
نفایمیدی که رئیس صاحب همچو
پیاره دم دروازه خوده چرا زکار
داخل شد و درحالیکه فاز مطرو
بر طرف که جوابش داد؟

خلیفه آشپز، اگر نان نیار
است که ماورین را لخواهید بید ار
کم، لانی من کشید آهسته گفت:
خلیفه آشپز، اگر نان نیار
است که ماورین را لخواهید بید ار
کم،



مامور ابرسانی!

باز هم درباره اسکاتلندي ها

روزی یک استکاتلندي بـ
فروشگاه موتر رفت و خواست
موتری بخرد.

به فروشنده گفت:
موتری برام بـ هدید کـ
بسیار کـ تـلـ صـرـ کـند.
فروشنده موتری را شـان دـاده
گـفت:

در هر یـک کـیـلوـمـتر صـرـفـ یـكـ
قـاشـنـ تـلـ صـرـ مـیـکـندـ.
اسـکـاتـلنـدـیـ بالـاـ ذـاـلهـ گـفتـ:
نـکـتـیدـ، قـاشـنـ چـایـخـ وـرـیـ
یـانـانـ خـورـیـ؟

ارسالی: هوسي اتصـ

نوبت فداره



بدون شیخ

یادآوری

د رشارة هفت مجله، در
بخش ((میناتورهای طلایی))
مربوط صفحه ((مریای من))
نوشتند به چاپ رسیدند زیر
عنوان ((معتن چنه کله)) که
دوران اسم نویسند، فراموش
شده بود.

ابنک پار آور میشون که آن -
نوشتند را هنگار عزیز مجله، محترم
شجاع الدین ذکر حسینی
از لایت بلخ فرستاده بودند.

نوستنداره

دست اس وشانه

هرکی بتانه

دو سه مثال بسود

شرحی زحال بود

حال ملال بود

گفتم به طنزی

هرکی بتانه

دکان خباز

نباشی دانواز

بن سروی ساز

اونه ملی بس
استی اکه کس
نیایی پس پس

بردا نسداره
دست اس وشانه
هرکی بتانه

دوكان بوره
تلواروتوره
کالا که جوره

بردا نسداره
دست اس وشانه
هرکی بتانه

میری کلینیک
میلرزی جیک جیک
یامیزنسی دیک

بردا نسداره
دست اس وشانه
هرکی بتانه

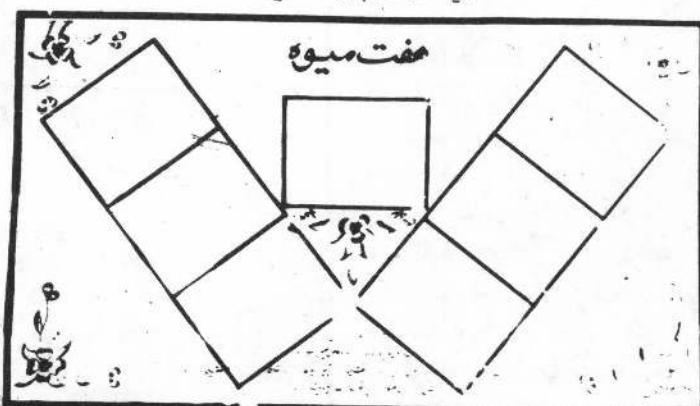
برچون فروشی
نهس بازی گوشی
کالا نبوشی

میشی بمرهنه
دست اس وشانه
هرکی بتانه

دکان خباز
نباشی دانواز
بن سروی ساز

چند دیواری به عن مطلب

کام و راقنا نما



اینهم نمونه از نشر جراید دیواری در لیسه های شعرکابل

هیکر و سکوب بخرید

پسر کاکم که بعد از سه ساعت موفق شده بود دو قرص نیان
از نانوای سرکوجه پیغیرد، وقتی بخانه برگشت با پاک حالت حق به
جانب گفت:

نشیاه بعد باید تمام فاسیل ها پک پک مکروسکوب خردباری
کند.

باتوجه پرسیدم:
چرا، مگر مکروب ها زیاد شده؟
او اهان حالت اولی جواب داد:
نه بابا، بخار این گفتم که تاشیاه بعد سانهای نانوای
ما آنقدر خودی و کم ذهن خواهد شد که مردم مجبور خواهند بود
بخاطر دیدن آن از مکروسکوب استفاده کند.

دریور با انصاف

پکوز که با عالی از خسته گی، در نیمه ای از نیاهش فلیم
مالون سینهای پاک کردا ترک گفتم، نکس را دست داده با همان
حالت بین شان برشیدم:

بیخش بیادر، تا حصه دم خیرخانه، نزد پک کلینیک چند
میزی؟

دریور با قواره حق بجانب جواب داد:
بخاطر خودت (۳۰۰) افغانی.

د رحالیک ندانسته بود من کی استم گفتم:
بیادر رجان، انصاف خوب چیز اس، مردم با (۳۰۰) افغانی
تلبعار میزی.

دریور نکس در حالیک سرا بایم را از نظر میذراند برسید:
کلینیک خیرخانه، بخار تداوی خود میزی؟

تعجب نموده گفت:
مه منیس نیستم، او نجه روی روی کلینیک خانه ماست.

رانده خند، معن داری کرد، گفت:
ای بابا، مه فکر کم که البت میرحساست گفتم (۳۰۰) افغانی
حال بیا بالا شو، (۸۰) رویه میرسانم.

لیگانه هم آشاست

سوسوتا زونار می بیاده میرفت
در مرحله تبصره می کردند که از -
 مجلس بیاده روی می کند واما در
 واقع او این کیلومترهای طولانی
 را برای مناسب ساختن اند ام
 خود با پایی بیاده طن می کرد -
 وقتی به ((مجمع اشرافی)) میر -
 سیده سرایا خسته و غرق در عرق
 می بود و اما خود را سعادت نمود
 احساس می کرد .

در همین زوایی بود که شوق
 داشتن سگ به دلخواه یافت
 مادام سوسودید که خانه های
 خوشبوش و شروع نمود با سگ های

مقبول و تربیت شده ، پایی های
 کوچک و تازی های خوش اندام
 به رستورانت می آیند . شوق داد
 شن یک سگ ((اشرافی)) آهسته
 آهسته تمام وجود شدرا فراگرفت و
 به یک آرزوی زنده گشی اثربدل
 گشت . واما برآورده ساختن این
 آرزو براش می سربرود چون برای آن
 بوله کافی در اختیارند است . -
 سوسو هنارکه فرست میافت ارزش
 چنین سخا را مهر سید و از تعجب دن
 اینکه چقدر قیمت ارزند گوین آب
 سردی رویش رخته میشد . ۱۰ -
 میدید که حتی اگر بعلاءه خود
 شوهرش را هم بفروشد باز نخوا -
 هد توانست یک سگ اشرافی
 بخرد .

بعده در صفحه ۹۱۱



بدون شرح

لذت و لذت از زنان

وقت مادام سوسودید
 از ظهرها از منزل بیرون میشد ،
 زنایی همسایه از پنجه هادر
 می کشیدند و با اشاره و کنایه
 در مروده او صحبت می کردند در
 چنین فضامادام سوسو غرور و
 می هات بسوی هدف خود می رفت
 - خانم سوسو کجا شنف می بینید؟
 - به زوایی
 - به کجا ؟
 - به زوایی خواه رهار یکه این
 نام یک محل است محلی که
 مردمان محترم آنجا جمع می شوند .
 خوب متسافنه شداد راین یائین
 ها از چنین چیزهای خبر
 ندارید ! زوایی نام یک -

رستورانت بسیار لوکس اشرافی
 است . در این رستورانت حتی اگر
 یک پارچه کیک هم صرف کنید
 بسیار قیمت تمام می شود . اماد ر
 هر صورت به کیف می آزد .
 مادام سوسوده اقل هفت
 دویاره این ((مجمع اشرافی))
 می رفت تا از فضای آن تنفس کند .
 کی تفریج نماید و یک پارچه کله
 صرف کرده و از این همه برای
 روزهای بعدی آنرا ذخیره کند .
 اور قلن به این محل رایک ضرورت
 اجتناب ناپذیر نزد همه خود
 میدانست .

از واژه نامه میرزا خمشتیک

محل دوستانه :
 مجلس که بسیاری از مردم لذت این را در غیبت کردند میدانند .
 رار :
 چیزیکه همه می خواهند دیگران اینرا حفظ کنند ، جز خود شان .
 شراب مسولد .
 کس که شراب را به سلامتی دوستان مینوشد ، تا سلامت خود را
 ازدست بدهد .
 سدنه :
 کلمه است که روی بعضی از اشیای عیار ارزش می کند از نهاد تا قیمت
 آنرا بالا ببرند .

ارسالی : غلام حیدر حسامی



حال بترین رسول قرن

سخن آرزوی کردیده و اینجا به روزنامه
 می حفظ می کردند .

و در اخیر گفت :
 اگرسالی داشته باشید
 بدرهاشند .

دنیان میان یک از تشاکران
 بیشم (۱۰۰۰) روزه رهنسای روزنامه

می کرد و پرسیده :

یخشیده ، شما معلومات زیاد
 دیدار به روزنامه می کشیده
 بود . اگر قصه کرد و بعد از آن که
 رهنسای روزنامه توضیحات مفصل
 ارائه نمود که :

تمام این آثار را تاریخی
 ارقام های مختلف گشوده
 روزنامه

لیلام به اصل کی عربی نوی دی . نوکه چی بـ
عرب کی (اللیل) شیئ نه واس او (ام) د مورانـا
لری . لکه : (ام البـلـاد) یـانـی دـبـارـونـوـمـوـ . هـنـیـ بهـ
نهـ اـسـامـ لـیـلـامـ عـارـتـدـیـ دـشـیـ لـهـ مـرـخـخـهـ .
کـهـ خـهـ هـمـ لـیـلـامـ بـهـ طـارـعـ دـیـ . خـودـ اـجـیـ زـایـ .
اوـ اـسـعـلـاـكـ شـوـیـ شـیـانـ بـکـیـ دـمـنـازـوـبـهـ بـهـ بـلـورـیـ
اوـ لـهـ نـوـیـ جـنـسـ خـخـهـ بـیـ قـبـیـ لـوـرـوـیـ . نـوـلـیـلـیـ شـوـ
جـیـ لـیـلـامـ بـهـ رـنـسـیـاـ هـمـ دـشـیـ مـوـرـدـهـ . اوـ دـغـهـ شـیـسـهـ
بـلـورـنـکـوـ بـهـ رـنـسـیـاـ رـانـ سـکـیـ دـهـ .



پـاخـزـهـ

هـنـرـهـ اوـ دـنـهـ

دـنـهـ

پـوتـنـ : دـاـرـتـهـ وـرـاـیـهـ چـیـ کـوـمـ دـلـعـ
حـوـكـ تـیـکـرـفـهـ دـیـ .

بلـتنـ : تـیـکـرـفـهـ هـنـهـ شـوـنـهـ دـیـ .

چـیـ دـتـیـکـاـلـ عـرـضـ بـعـاـتـیـارـ

عـلـ سـرـ کـالـ دـهـ بـرـوـسـکـوـتـمـرـفـهـ

تـرـلـاسـ کـرـیـ دـیـ .

بـوتـنـ بـنـوـدـ اـبـدـمـقـهـ خـوـكـ دـیـ .

بلـتنـ بـنـدـمـقـهـ هـنـهـ خـوـكـ دـیـ جـیـ .

بـهـ بـدـدـشـ تـمـ هـایـ کـنـ سـرـ

تـوـلـوـ بـوـسـتـهـ لـهـ بـارـیـ سـرـیـسـ

خـخـهـ کـبـتـهـ کـبـیـ .

بـوتـنـ : دـوـرـسـتـهـ کـبـتـهـ کـیدـلـ بـهـ

بـدـبـختـ بـوـیـ خـهـ اـرـمـلـیـ .

بلـتنـ : اـرـهـ خـوـدـ الـرـیـ جـیـ کـهـ

چـیـزـهـ سـرـیـ دـجـلـسـتـونـ لـهـ

سـرـمـخـهـ بـهـ دـرـوـسـتـیـ .

حـایـ کـیـ تـرـنـلـوـ دـرـوـسـتـهـ کـبـتـهـ

شـ . نـوـایـهـ بـنـ دـوـهـ دـهـ دـیـ

بـوـسـتـیـ سـاقـیـشـ بـلـاوـیـ بـهـ

تـهـ دـرـسـیـ .

بـوتـنـ : دـوـهـیدـ . اوـسـدـ اـرـوـایـهـ

جـیـ تـالـیـ منـ جـاتـ وـلـیـ شـوـ

بلـتنـ : تـالـیـ منـ هـنـهـ خـوـكـ دـیـ

جـیـ دـوـاـکـرـدـ سـخـنـ دـرـمـلـ

بـهـ بـوـدـ رـمـلـتـونـ کـیـ بـهـدـ اـ

کـرـیـ .

بـوتـنـ : نـوـکـ تـالـیـ اـسـانـ چـانـعـیـلـ

بـلـتنـ : کـمـ تـالـیـ هـنـهـ خـوـكـ دـیـ جـیـ

بـهـ بـارـیـ سـرـیـسـ کـیـ بـسـ

تـکـتـهـ دـیـ اـخـسـتـ اـوـ .

تـفـتـیـشـ لـهـ خـواـنـیـلـ شـیـ .



کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ . . .

کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ جـیـ بـهـ تـلـیـزـیـعـنـ کـیـ دـتـرـیـحـیـ اـ وـ
هـنـرـ خـبـرـوـنـوـ صـرـهـ نـهـ شـتـهـ . نـوـبـهـ رـادـ یـوـکـ هـمـ دـاغـهـ
دـولـ خـبـرـوـنـیـ دـاـوـرـدـ وـنـکـرـهـ بـهـ ذـوقـ بـرـاـبـرـیـ نـهـ دـیـ .
کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ جـیـ بـهـ وـرـجـبـاـنـوـکـ تـکـارـیـاـوـیـ مـزـیـ
مـطـالـبـ خـبـیـزـیـ . نـوـمـجـلـیـ هـمـ بـهـ سـیـالـیـ کـیـ درـنـسـیـ
کـسـ نـهـ دـیـ .

کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ جـیـ بـهـ سـبـیـنـاـرـوـنـوـکـ بـهـ خـوبـ
کـیـزـیـ . نـوـبـهـ مـجـلـسـوـنـوـکـ هـمـ دـجـاـخـوبـ نـهـ دـیـ .

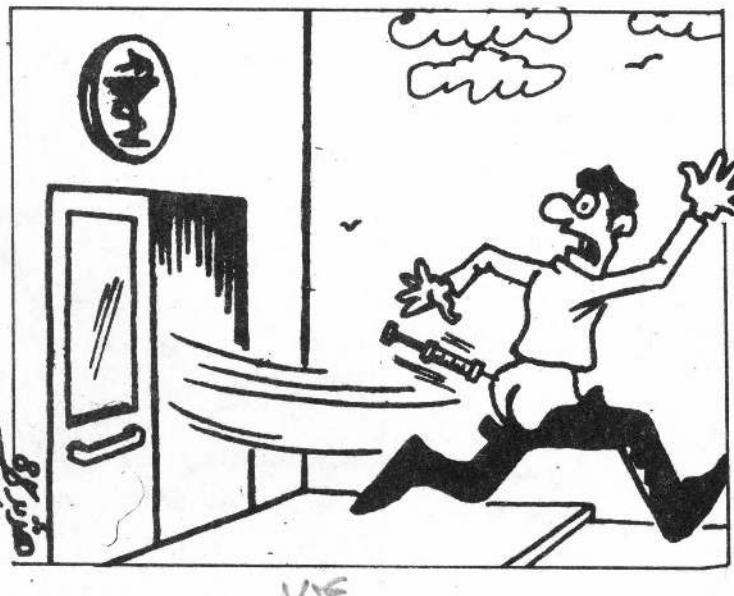
کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ جـیـ دـبـوـنـخـیـلـهـ کـاتـبـوـنـدـ سـوـدـ اـ
لـتـعـرـمـ یـجـوـرـ بـنـیـ . نـوـسـمـ مـکـوـنـهـ هـمـ دـبـازـلـهـ
سـوـدـ اـخـخـهـ بـیـ بـرـخـیـ نـهـ دـیـ .

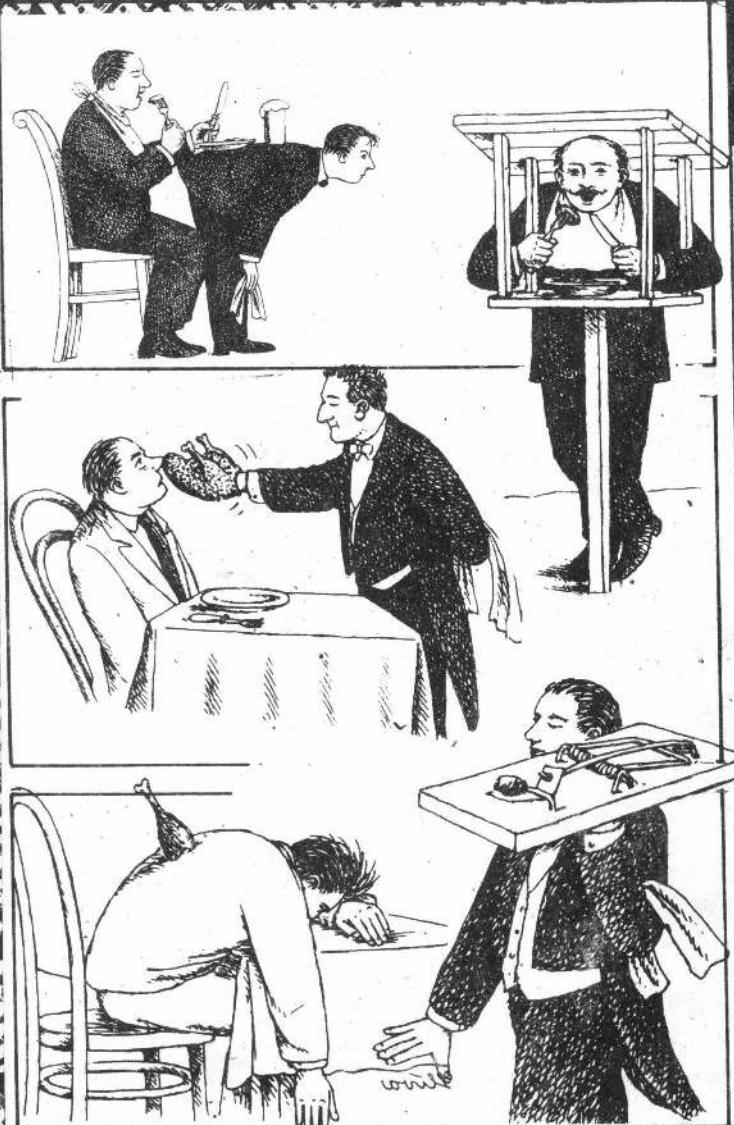
کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ جـیـ لـهـ کـاتـبـ بـلـوـنـخـیـوـخـهـ خـلـکـ
ایـرـکـمـ فـروـشـیـتـ بـیـزـیـ . نـوـبـهـ کـاتـبـوـنـوـنـوـکـ هـمـ
جـادـ کـاتـبـ پـاـهـ نـهـ دـهـ رـاـلـ وـلـیـ .

کـهـ دـاـ رـیـتـیـاـوـیـ جـیـ بـهـ سـینـاـکـانـوـکـ تـرـیـوـیـ فـلـمـوـنـهـ
لـزـ چـلـیـزـیـ . نـوـرـدـ وـکـانـوـمـ دـتـرـیـوـیـ فـلـمـوـنـدـ مـمـهـ
نـهـ دـهـ وـهـلـیـسـ .

لـلـلـکـیـلـ

تشـکـیـلـ دـتـخـصـیـعـ دـرـدـ اـوـ دـ
تـعـیـنـاـتـوـدـ کـاـکـارـوـیـ دـیـ دـهـ تـشـکـیـلـ
نـمـ لـهـ دـوـهـ بـرـخـوـیـانـیـ (ـشـ) اـوـ
(ـکـیـلـ) خـخـهـ جـوـیـ دـیـ .
تـشـخـالـهـ نـهـ وـایـ اوـکـیـلـ بـهـ کـرـنـهـ
کـیـ دـیـوـیـ (ـدـیـوـیـ) دـخـولـ هـنـیـ لـیـکـیـ
نـهـ وـایـ جـیـ دـقـولـیـ بـهـ وـخـتـکـیـ
دـکـبـتـلـهـ بـارـهـ بـیـتـکـیـ کـیـ اـیـتـلـ
کـیـزـیـ . خـوـیـهـ هـفـهـ کـیـ تـخـ
وـکـرـیـ اـوـلـهـ هـفـهـ خـخـهـ کـوـنـنـرـ
وـاـخـلـیـ . خـودـ (ـشـ) (ـکـیـلـ)
نـهـ دـتـرـ هـیـلـهـ خـانـ غـولـوـدـیـ اوـ





دور حیانو توپلر

دور حیانو توپلر کم تسویره شته . خوکم توپلر جی شته هفته دد وی نومونه دی . اوله نوم برته بل تسویره تر سترگو کنی دی . حکمه چی به یوه مطبوعه کی چاپ ، بیوپول اخباری کافند ، تولی و رحیانسی کارکونکی یعنی به بیوپول له معانی اضافه کاری او حق الزحمو خنده بررضن اوله تولو ممهه داچی دد وی مطالب سره ورته دی . چی به دی حساب دهیار دور حیانو بیازین تسویر دد وی به نومونکی دی .

له هنچی در حی چی ..

له هنچی در حی چی دغا بیونوکم راوتلی دغا بیونو لوبل دی پرس شوی دی .
له هنچی در حی چی ویستانتوشامویزندلی دویستانتوتولیدل دی پرس شوی دی .
له هنچی در حی چی داکتران او د رملتونه دی پرس شوی . ناروفه هم دی پرس شوی دی .
له هنچی در حی چی د بناروالی د تفتیشانو تشکیل اوچت شوی .
له هنچی در حی چی د کوون به مغازوکی هنچی به اروه افغانی سی خرخیزی دی . به پیارکی د هنچی بپه شلو انفانیوته رسیدلی ده .

شش کتاب او ششلیک

شش کتاب هنه کتاب ته وای چی د سری ششونه ((سری ۱)) کیابوی . او ششلیک د کتاب بل بول دی چی د سری ششونه ((سری ۲)) کوی . همه خوسا او گده غوپی چی به دغو کیابونوکی استعمالیزی له ششونبرته د سری کولمن هم کیابوی .

له د غه حایه اوله هغه حایه

روغتون او در ملتون

نو مقاماتو ته به لیکن بول در اندی کنی دی چی دغی لیکن بانی ته عرضوا پایی . خوکله کله د اس هم کنی دی چی دغه عرض بخین کج قلمان دی سو تکی به اینبود لو سره به (غرض) بدلوی او به دی بول خبل عربی او سرور دهیونه به کوی .

تحوک، تحوک نه دی؟

گند و نکی چی رینتیا ویل اووه وعده تینگ ولار و گند و نکی نه دی . ناناوای چی د خلکله بورویه چویگی نه اخلى . ناناوای نه دی . تعاب چی هر سری تعبویه اوینه غونه بروکله قهاب نه دی . د گمرک مامور چی تحفه ، سوقات اوشیرینی نه اخسته مامور نه دی . هتیوال چی به خبله هرمه متاع باندی لس قسمونه نه جنرل هتیوال نه دی .

روغتون له د وه برخوچخه جوړ شوی دی : یانی (روغ) ۱ و (تون) ۲ چې روغ جوړ ته وای او تون هم د حایه مانا لسری . او پرد د غورد وه برخود یوغای کید وه میورت کې ویلاي شو جسی روغتون یانی در فوکسانو حایي ، اونار رفاقتونه دی خدا به خبلو کلدونکی شفا در کړي .
هد اراز د رملتون به اصل کې در د ملتون دی ، یانی د ۳ د درون حایي . همه حایی چې له سری سره نورهم در دونه ملګري کوی ، حکمه اول خود نسخی د آرود رمل پکن نه بید اکنی دی . او د هم د اجی دارو بیاله وخت خخه تیرا و تقلبی وي .

عرض حکمه شدی دی ؟

د هند سی په علم کی طول او عرض په عانۍ پی باب او فصل لري طول او زد والی ته وای او عرض هم ساره ته .
کله چی خبره یا یوکار د حل له چوکا په خخه روپی او سویورشی .

بچه از صفحه ۱۷

پایان و جود احساس کرد « بودم که سرخورد گش ناشی از آنرا نمیتوانست فراموش کم . تصویرمکرد م که تنها با همین قطع ارتباط است که میتوان همه چیز را فراموش کم . یک از شیواترین نامه های - ((کاکا احسان)) پر از بایان در مقداری داکتری و همین مناسبت بدست رسید . در همین نامه که سرای استایش از هوش و بنتکار من بود « غنی نفته و کنه ای راحسان کرد و درحالی که قلب فشرده شده بود » چند بار و سو سه پاسخگوی به نامه های ((کاکا احسان)) وجود را تسریخ کرد اما هر یار خود راکنول کرد . این و سو سه پیکال بعد کد و ران تخصص را پشت سر میکد اشتم به این خود رسید . پانکه حدود ۱۰ سال دروی از طون و خاتون به طول انجامیده بود و ظاهرا « حوار شد و روان ۱۸ - سالگی من باید زیربازی از گذشت زمان مدفون شده میبود ». رسیدن نامه ای از مادرم که در آن از بیماری قلی خطرناک ((کاکا احسان)) نوشته بود « تمام خاکستر های که نه روی اتن عشق ((کاکا احسان)) را به کار زد . این نامه در را قاع بارگز قلم را به محله بی از آتش تبدیل کرد . مادرم نوشته بود که ((کاکا احسان)) را باید عملیات کنند و اکران گفته اند بعثان انداره بی که آید موقیت وجود دارد . خطر مرگ نیز وجود دارد زیرا من بیمار بالاتراز . حدی است که تحمل چنین علیاتی را داشته باشد . من اخیرین ماههای دروان تخصص قلب را سبزی میکرم و بنابراین آنچه رامادرم نوشته بود کاملاً درک میکرم و با برخی از استادانم هم دراین باره صحبت و مشورت کرد . تقریباً تمام آنها نیز مان جیز های را گفتند که در داخل کشور « داکتران درباره جراحی قلب ((کاکا احسان)) گفتند بودند . طی چندین نامه مفصل از مادرم خواست که جزئیات بیشتری از بیماری ((کاکا احسان)) برام بنویسد و اینکه وقت میگواهند او را عملیات کنند « بعد از چند بار سخن که دراین باره از مادرم دریافت کردم » پیکارنامه بی کوتاه آمایکرا از ((کاکا احسان)) دریافت کردم که در آن غمن در دران از توجه که او نسبت به بیماری او کرد « بودم یاد اور شده بود تا بارگشت من از ازایها و بایان تحریص » برای این کار آمادگی نخواهد داشت و این درحالی بود که داکتران توصیه میکردند هر چیزی در این علیاً معمود . زیرا گذشت زمان و افرایش سن او خطر عدم موقیت علیات را پیشتر میکردند « من می‌از ۱۰ سال پرای ((کاکا احسان)) نخستین بار قلم بدست گرفتم تا برای نامه بنویسم . دست بشدت میزد و کلمات را در - جای خود شان استفاده نمیکرد . نامه را بساز کوتاه نوشته و طی آن تاکید کرد که تا جاند ماد بگزینی از بایان در ره تخصصی و دریافت . اینستاد لازم بلغافصله به وطن بازگوهرم گشت . نامه بسیار شبیه نکراف بود . در حقیقت از کلمات ترسید « بودم زیرا بیم داشتم آنها بارگزاری شدند و کلمات را در - داشتم که کلمات برمی غلبه کنند و این بیان را بساز ((کاکا احسان)) بیزند که « عزیزم » من فقط ۸ ساله بودم که احسان کردم شما عمه آنزو های من استیدر فقط ۱۳ سال داشتم که دلم خواست برای درایا پس شما باش . در ۱۸ ماهی و قشنگ در را برآثیه ایستاد بیان شما میبینه های آرزومند خود را میان باره های سریع تراز آنچه تصویرمکرد سبزی شدند . دراین دوان عشق ((کاکا احسان)) را میل یک خشم که نمیتوانست میکرد و در هنر نامه که برای مادرم مینوشت حال دریاف اورا میبرسیدم . مادرم باره سوال میکرد که جراستقیمه « برای ((کاکا احسان)) نامه نی نویسم » اما من هرگز این سوال را پاسخ ندادم . ((کاکا احسان)) هرچند کلام بیکار براهم نامه بی من نوشته و همراه آن حواله بیول تحصیل و عده بی را که در روطن براهم تھیه کرد بود روانه میکرد . تمام این نامه ها رسنار از محبتی بی پایان بود و حکایت از روز بزرگ داشت که حاضر به هر نوع فداکاری برای من است . اما من ۱۰۰ مژه تلخ آن بوسه عاشقانه را که از سوی ((کاکا احسان)) بی پاسخ مانده بود آنچنان میبقی و کرد همین اسرار دوین سینه ام بود که نامه را -

همه این سوالات نه تنها آنروز بلکه هفته های بعداز آنروز هم مثل جذام رین مری میخورد . صورت رنگ پریده و استخوانی ام که روز ب روز گو شنهاي پیشتر آب میبند تمام رازد رونم را انشا میکرد . از آنروز گرفتار نمی نفرت و انتقام توام باعث نسبت به ((کاکا احسان)) شده بود . او قلب مرآ میکشته بود ، اوعش مراقبول نکرده بود ، او قلب مرآ بود . اما حاضر نبود حتی گوشش بی از قلب خود ش را به من بدهد سرانجام زمان تضمیم فراسید . من اعلام کرد که نه تنها حاصل برای تحریص بخار کشیده بود بلکه د لم میخواهد هرچه زودتر هم بروم و سرگم ادامه تحریص شدم . این را هم به مادرم گفت دهن . ((کاکا احسان)) که همچنان بخانه ما رف و آمد من کرد . او چیزی نکفت امامن دیگر همچیز چیز را نمی شنیدم و کوچکترین اراده بی در برای عشق سرگش و صدق خود نداشت . یک قدم بیش گذاشت و درحالیکه دسته امام را در درگزون ((کاکا احسان)) گره کرد . بونم لبها پنیر امیان لبهای خود گرفت . د رون لحظات زمین دهان بازکرد و مراد خود بیلدید . آمد که ((کاکا احسان)) درحالیکه لبهاش کوچکترین عکس العملی نداشتند معنی داشت به آرامی مرآ که سهنه های راحکر به سینه هایش فشرده بودم از خود دور نکد . هیچ کلامی قادر نیست آن لحظات را توصیف نکد . من سر را بایین اند اخترم و یک قدم از ((کاکا احسان)) فاصله گرفت . دلم میخواست دران لحظات زمین دهان بازکرد و مراد خود بیلدید . رازی که سالهاینها بود ریک لحظه ناش شد . نمیدانستم که باید بکم « بی اختیار » سر بوقل عطر را بازکرد و چند قطره از آنرا باسرا گشتم بی شست گوش هایم مالیدم . همه این حرکات غیر ارادی بود . من حتی نمیتوانستم باهای خود را حرکت بد هم بیاد هان بازکم . بازهم ((کاکا احسان)) - بیش قدم شد و آن لحظات رنجبار خاتمه داد . - غزینه « توباید هرچه زود تر تضمیم بگیری که چگونه و درجا به تحریص ادامه بد هی « توباید داکتر پشوی ۰۰۰ وسیله درحالیکه اتفاق را ترک میکرد . گفت : - سخن تبروای نان چاشت حاضر شو . من واد رخ منظر تراستم . تا پیش از حوار ات آنروز هریار که ادامه تحریص در کشورهای اروپایی مطرح شده بود آنرا چندان جدی تلقی نکرد . بودم و مخالفت خودم را هم به نوی بسر زیان آورده بودم اما برخورد آنروز بین من و ((کاکا احسان)) این اند پیشه رانین فوی کرد . بکم برای گزی از موقیتی که در آن گرفتار شده ام « تنه راه حل هزیمت به این بایست . آنروز هنگام نان چند بار دیگر هم ساله » ادامه تحریص من مطرح شد و هر یار مادرم از ((کاکا احسان)) تقاضای باری و کم میکرد و اینی نکرتار میکرد که حاضر است تام « هزار » تحریص . تحریص من در رخاخ از کشور را فراهم کند و از این نظر کوچکترین تکران نایاب و وجود داشته باشد . در تمام این مدت من حتی یکاره نتوانست به صورت ((کاکا احسان)) نثاره کم و این درحالی بود که ۱ و سعی داشت مناسبات بین من و خود ش را به حالت هادی پاگرداند و هیچ چیز را بی روی من نیاورد . امکان تحمل مناسبات گذشتند پیش بود بلکه با درند اشت زیرا همه چیز رانه تهعا گفتند بود بلکه با در آقوش کشیدن رویسیدن او برای ابراز عشق « پیشقدم هم شد بود . اگر مادرم من فعیم که من نه تهعا هاش بلکه شفته تمام و کمال کاکای خود استم چه میگفت ؟ اگر ((کاکا احسان)) ساله را باورد رمیان میگذاشت چه پیش میگرد ؟ حتی اگر امروز هم بخویم برخورد نمیزد با ((کاکا احسان)) را فراموش کم ؟

همین لحظات در راتاق باز شد و ((کاکا احسان)) در آستانه کوچکی را از جیبها پیش بیرون میکشید قدم جلو گذاشت و آنرا قابل گرفت و گفت . - من میدانستم کامیاب میشوی و بعین دلیل برایت هدیه بی خرد بود . شتابزده آنرا گرفت و گافد زیای آنرا گشود . درین پیش جمیعه کوچک و طلای زیگ همراه طرف فرانسوی قرار داشت . این نخستین بار بود که ((کاکا احسان)) به جای کتاب « برام عطر » دید . این را دلیل بزرگ شدن خود و قبول این واقعیت از طرف اولنی کرد . او چیزی نکفت امامن دیگر همچیز چیز را نمی شنیدم و کوچکترین اراده بی در برای عشق سرگش و دسته امام را در درگزون ((کاکا احسان)) گره کرد . بونم لبها پنیر امیان لبهای خود گرفت . د رون لحظات زمین دهان بیلدید . آن را از جیبها پیش بیرون میگردید . این نمیدام این لحظات چقدر ادامه یافت . نقطه لحظه بی بخود آمد که ((کاکا احسان)) درحالیکه لبهاش کوچکترین عکس العملی نداشتند معنی داشت به آرامی مرآ که سهنه های راحکر به سینه هایش فشرده بودم از خود دور نکد . هیچ کلامی قادر نیست آن لحظات را توصیف نکد . من سر را بایین اند اخترم و یک قدم از ((کاکا احسان)) فاصله گرفت . دلم میخواست دران لحظات زمین دهان بازکرد و مراد خود بیلدید . رازی که سالهاینها بود ریک لحظه ناش شد . نمیدانستم که باید بکم « بی اختیار » سر بوقل عطر را بازکرد و چند قطره از آنرا باسرا گشتم بی شست گوش هایم مالیدم . همه این حرکات غیر ارادی بود . من حتی نمیتوانستم باهای خود را حرکت بد هم بیاد هان بازکم . بازهم ((کاکا احسان)) - بیش قدم شد و آن لحظات رنجبار خاتمه داد . - غزینه « توباید هرچه زود تر تضمیم بگیری که چگونه و درجا به تحریص ادامه بد هی « توباید داکتر پشوی ۰۰۰ وسیله درحالیکه اتفاق را ترک میکرد . گفت :

سخن تبروای نان چاشت حاضر شو . من واد رخ

منظر تراستم . تا پیش از حوار ات آنروز هریار که ادامه تحریص در کشورهای اروپایی مطرح شده بود آنرا چندان جدی تلقی نکرد . بودم و مخالفت خودم را هم به نوی بسر زیان آورده بودم اما برخورد آنروز بین من و ((کاکا احسان)) این اند پیشه رانین فوی کرد . بکم برای گزی از موقیتی که در آن گرفتار شده ام « تنه راه حل هزیمت به این بایست . آنروز هنگام نان چند بار دیگر هم ساله » ادامه تحریص من مطرح شد و هر یار مادرم از ((کاکا احسان)) تقاضای باری و کم میکرد و اینی نکرتار میکرد که حاضر است تام « هزار » تحریص . تحریص من در رخاخ از کشور را فراهم کند و از این نظر کوچکترین تکران نایاب و وجود داشته باشد . در تمام این مدت من حتی یکاره نتوانست به صورت ((کاکا احسان)) نثاره کم و این درحالی بود که ۱ و سعی داشت مناسبات بین من و خود ش را به حالت هادی پاگرداند و هیچ چیز را بی روی من نیاورد . امکان تحمل مناسبات گذشتند پیش بود بلکه با درند اشت زیرا همه چیز رانه تهعا گفتند بود بلکه با در آقوش کشیدن رویسیدن او برای ابراز عشق « پیشقدم هم شد بود . اگر مادرم من فعیم که من نه تهعا هاش بلکه شفته تمام و کمال کاکای خود استم چه میگفت ؟ اگر ((کاکا احسان)) ساله را باورد رمیان میگذاشت چه پیش میگرد ؟ حتی اگر امروز هم بخویم برخورد نمیزد با ((کاکا احسان)) را فراموش کم ؟

زده بود و هنوز هم وقت دارد هلیزهای اشغالخانه بی که ((کاکا احسان)) در ان چشم از جهان فروست عبور میکم ویرای رفتن به اتاق غمیلاست - دستهای رامشیم ولباش مخصوص میومن راهبری که در اتاق کام که همان اتاق ((کاکا احسان)) در پیمارستان است تهاشیم، یکاره پر به این نتیجه میرس که او حق پساز مرگ هم ادامه و میز زندگی مرا هدایت میکند . او عده دارای اش را به من بخشید ، اما این کلمات وصیتنه برای همیشه در حافظه ام باقی مانده است و ادامه زندگی غبار مراد نیال میکند و زندگی توام باعشق ازدست رفته ... :

((اعزیز)) تو همان برقی کوچک در یاری من زندگی من بودی که برایت بارها گفته بودم هر مردمی در زندگی خود اثراستجو میکند . ۱۰۰۰ این ((عنق منعو)) سرنوشت مرارم زد و مید انم که برای تو نیز چنین بود . ۱۰ ساله بودی ، مید انم که بایان رسان ((زیبک دره)) بایان رسان زندگی من نیز خواهد بود و چنین نیز شد)

گذاشته بود . صورت شکل اسلام است خوانی و شکسته شده بود . موهای سری تغیریا همه سفید شده بود و چشمها پیش آن برق گذشته راند اشت . ((کاکا احسان)) نشسته بود و بادیدن من از جایش بلند شد و گفت که بیرون نزد رئیس بشغلخانه تادر راه دوایهای که باید تعیین شود با او صحبت کند . ((کاکا احسان)) جوکی خالی راهی من نشان داد و با اشاره سرگفت که پیشنه نمید است . صحبت را از کجا شروع کم امامید است باداره ۱۰ سال حرف برای سکون دار . باز هم خودش از این موقعیت نجات داد و هیجان مرا بایان بخشید . او بس از آنکه گفت بینی از اندازه مکن از موافقیت من در تحصیل خوشحال بسوی خیلی کوتاه جویده چویده اضافه کرد :

- من باید برای عمل جراحی آماده شدم . شاید همین فرد این کار انجام شود . ترتیب همه کارها را داده ام و حالا هم مادرت رفت تا آخرین قرارها را بیندارد . خودت حالا دیگر امکر شده ای و - مید انم که بیمارم چیست و عملی که باید انجام شود چقدر حساس است . بنابراین امکان دارد هرگز از - آتاق عملیات بیرون نیام و دیگرتوان با توصیحت کم . من بار دیگر گفتار هیجان شدم اما قبل از آنکه اشکهایم مرا زیر تووند ، ((کاکا احسان)) ابرها پیش را در هم کشید و گفت :

- تو هنوز نیخواهی بد انم که من بزرگ شدم ای ؟

من بلافاصله دست را مجمع کرد و گفت که به حرتفهایش گوش میدم هم واراده داد :

- من وصیتنه عی نوشت ام که نزد مادرت است اگر زندگی نمایند آنرا بازکن وی آنجه نوشت ام عمل کن این آخرین آرزوی من است .

((کاکا احسان)) بینی از این نیخواست صحبت کند و نشان داد که غلام علاقه عی به شنیدن حرف هایی من ندارد . بنابراین گفت که به خانه میبرم و فردا پیش از رفتن به اتاق عملیات بد ارشی خواهم چشید .

آشپز نمید انم چنین به صبح رسید . من هر یارک

جسم برهم گذاشتم کاوسهای سراغم نمیدند .

برای تبدیل آنها به واقعیات فقط چند ساعت وقت و زمان لازم بود .

صحیح وقت بیشتر باید این رخوشحال خواهد شد .

که با جشن های نیان تخت ((کاکا احسان)) راجله .

جلیلکرد و روحانی هایش را برای شستن جمیکرد کویا

تراز هر خبر هول اتکنی بود . او بمحض دیدن من

و مادرم گزیره را اشکار کرد و من که تمام شب گذشته را

با کابوس مرگ مگر راند بودم گویی هنوز رخواب

است و امده کاوسها رامی بینم . روی تخت خالی

((کاکا احسان)) افتادم . این حالت چند ره طول

انجامید ؟ نمید انم . ((کاکا احسان)) را برای همیشه

از دست داده بودم . به کم مادرم که او بیزار -

شدت ضعف نمیتوانست زیاد راه بود بخانه رسید م

مرا میگردید و برای شستن صورت بی جان ((کاکا احسان))

بی شیوه ماند .

وصیتنه ((کاکا احسان)) خیلی مختصر بود اما

بسیار کوتاه نوشت . دریاسی از کاکا احسان نامه عی دریافت نداشت .

شتم امامدروم برام نوشت که کاکای گفته است بعد از یارگفت تود رفیق خانه بستر خواهد شد .

آنال اواخر تابستان یارگفت من حتی منتظر جشن فارغ التحصیل شدم و اصرار د و سلام را که باهم بیش از ۱۰ سال را سپری کرده بود بدراین

باره نادیده گرفتم . تاریخی برای یارگفت تعیین نکرده بود . و یعنی دلیل وقت بساز ۱۰ سال قدم

درخانه وطن گذاشت هیچ اثنای به استقبال نیامد . نمید است هرگز ((کاکا احسان)) درخانه باشد بادیدن من چه عکس العمل خواهد داشت

من چگونه میتوانم با او روبه شم . هنوز او را در - همان تیاهه عی تصویر میکرد که ۱۰ سال بیش از این - حتی عکس هم برای من نفرستاده بود وايند رحالی

بود که در راه خودش نیز رنامه هایش همیز جیز ننوشت بود . این ریارویی بسیار ایمان تراز انجام

تصور میکرد گونه های روحانیه اشکهایش را برای میکرد . مادرم در حالیکه اشکهایش را در راه خودش نیز رنامه های ریابیان میبودید و حتی اجازه

نمیداد پکن ها هم رایزین میگذاشتم . وقتی این استقبال تمام شد و در اتاق زانوی هم نشستم

در راه ((کاکا احسان)) سوال کردم و او گفت که فعلاً دو روز است در شفا خا نه بستر است اما هنوز

((کاکا احسان)) از اینکه قرار بوده بزودی بازگرد باخبر بوده است اما او هم نمیدانست چه تاریخی

با خواهم گشت . بس از مختصر آستراحتی «لیا س

های را عوض کرد و همراه مادرم که بید و فقه سوا - لات میخانش را در راه ۱۰ سال گذشته طرح میکرد

رامی بیفداخانه شدم . سر راه چند شاخه گل خردم . این تها حدیه من برای ((کاکا احسان))

پیوید . تضمیم داشتم در همان اولین لحظات ورود

به شفاخانه و اتاق که او در آن بستر بسود مدارک فارغ التحصیلی ام را نشانشید . میدانست

که بادیدن آن بسیار خوشحال خواهد شد . او از ۱۰ سال بیش در راه ایان لحظاتی که خود را در -

آفونش انداخته بودم «تاکید کرده بود که باید به تحصیل ادامه دهم و اکترشم و اکون آنجه را که او خواسته بود اینجا داده بودم .

صحنه ریارویی با ((کاکا احسان)) بینی از آنکه برای او تعجب آری باند برای من باور نکرد نی بود .

اور روی تختخوابی که خوابیده بود نم خیز شد و بعد از بوسیدن بیشتر من با تحسین گفت :

- توجه در بزرگ و بیاتر شده ای . درست مثل یک زیبک بخاری . آن رمان را بخاطرداری ؟ - ((زیبک دره)) رامیگرم . دره عی که هر بغار از

گلهای زیبک بوشیده میشد .

من نتوانست بینی از این تحمل کم «اشکهای که ۱۰ سال در چشمها نگهدانش بودم سازار شدند و او که دست و پای خود را مگرد «سود

فررا» باتکم گفت .

- توهن و نزم نکریمکی اد خیتر لکم من و سال است ؟ هرگز باید تسلیم پرستش شد . کافی است .

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا - پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

اظهار سیاست

از همه دولتان و همکارانی که با ارسال نامه های بزرگ و کارت های ریا ، سالگرد مجله های اموزش تبریک گفته اند و نیز از غریبانها و قدرطایی های که لطف نموده و تجایف برای بزرگه کان جوازه مجله فرماده اند و اظهار انتقام و سپاه نموده بیان اور من شویم که از این فروشگاه ها تجایفی به شن زیر به مارسیده است :

- فروشگاه بزرگه ایان گران : بیک عدد ترجمه پیک عدد اتوبویی ویک جزوی بود .

- فروشگاه الوارث : بیک عدد شرینی دانی .

- فروشگاه مصطفی : بیک جزوی بود خارجی رنائسه .

- زهره بونیک : بیک سوپریورا هن یخن قات مرد اند .

- فروشگاه مروشن : بیک شیشه عطر .

- فروشگاه فرید : بیک سیست سامان ارایش .

- فروشگاه نیزد : بیک عدد بلکسر ریی .

- شیوه بی فروشی عبد الخالق چکاکت رسربورانه دارند .

- شریعه بید و رکس : بیک عدد کست دانی .

- قدرطایی فروشی ارزان : یعنی جلد کتاب باده .

- انتمه شده شد اند اهله قلم بیکه .

- قدرطایی فروشی لونا : بیک سیست سامان ارایش .

- فروشگاه امانتهار : پکایه ران بیرون (جاده مقابله ناروالی)

- قدرطایی فروشی شریز : ۲۰ جلد کتابچه .

- ۲۰ دانه قلم خود کار نوک باریک جزئی .

- قدرطایی فروشی سخته بندی بیک .

- ۲۰ دانه قلم خود کار .

- قدرطایی فروشی محدث اسحق اخباری .

قریب بیشتر را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

بیو رهت را بشوی وجا .

و من گویی هنوز همان دخترک ۱۰-۸ سالی

بودم که غربهایا بادیدن ((کاکا احسان)) قندر -

دلش آب میکردند و برای بدست از زدن دل کاکا -

پیش و جلب توجه از حاضر به غر کاری بود . اینبار

نیز به توصیه اش گوش کردم و برای شستن صورت -

خود از اتاق خار شدم . ((کاکا احسان)) شاید

درست میگفت و من بزرگتر و بیاتر شد . بودم امسا

گذشت زیان بینی از آنجه تصور میکردم در او تا نیز

ب

حماسة عشق

پیش از صفحه (۲۱)

- از آنکه وتشیل چه کنیم
دشتر خوش ننان من اید؟ اگر
سخن برس هر تربیت های
هندی باشد .

- من بیشتر از کار سنا پاتسل
بدلیل کار شوتم من اید .
- پس در رکار هنری نان از سستا
پاتسل اید و گرفت اید ؟

- نه، بیشتر جواب استه لم خودنم
باشم میخواهم یك هنری بششم
موقن اعتمان باشم تا سستا باشل .

- در رخدان چه حضوریت دارد ؟
- زیاد مبالغه میکنم در رکارها بی
حاته سمه نیکیم ، همانم
خاطر تسلیل بود نم از من راضی
نیست .

- چه خصوصیات ویژه دارد ؟

- زود سینم نیشم ، از کسی
ظور و شرم نم اید . خوش خلشن
است ، خند ، هسته چاشنی زنده گر
ام است . در محققی یعنی باشیم
میکنیم تائی ای از اگر بود وستا
بسالم .

- خون ند از دارد که در خدمت فلبی
(حایه هنر) هرگز از قاتل
نقش خود ببرون نماید همچنین
نمیخواهد به باهیری فلم نامزد
شود ؟

- من تضمیم نم ام ولی نسبت
وقت رانید ام ،

- از شر هر آبند نان چه
توقف نماید از دید سخنرا همید او
اجازه بدهد که هنری بششم
سنتا باشید و با یك زن هادی ؟

- درست داشته باشد ، معنی ن
باشد ، مفروض باشد ، خوش اخلاق و
و شخصیت خود را باشد به قابل خود
و خامل من احترام بگذارد .

- آیا مردی به این صفات
پیدا خواهد نماید ؟

- نمیکنم که پیدا نمیشود ،
به امید روزی که این راهاتان
حایه فعل بیروتند .

- با آنکه شما تاکون حرف در یکی دو فلم ظاهر شده اید ایا از کار خود راضی استید؟

- راضی نیست ولی امیدوار است.

- باشد. میگانید که هنری بیشتر شدن موفق میگانید.

- تنهای استعداد و زیبایی نمیتواند هنری بیش را تکمیل کند.

- باید علاوه کرد که تاکون تحصیلات سینمایی ندارم.

- کارد رفلم اگر رؤی شانس استعداد و یا شناخت باشد کدام برای شما بحتر است؟

- فقط استعداد.

- آیا مردم دوستان دارند؟

- برسنم بیشتر به خاطر انست که شما یک هنری بیش زن استید؟

- استند کسانی که قد سیت هنر را نمیدانند.

- آیا آنها خواهید به صفت هنری بیش باقی بمانید و یا یک روز دوباره عقب کارتان خواهید رفت؟

- تا آخر در سینما خواهم ماند.

- تابیری؟

- بلی.

- در آنوقت نقن مادر کلان را بازی خواهید کرد.

- البته با انتخاب اگر جایات باقی باشد.

- آیا فقط سینما عشق نماست؟

- فعلاً بلی.

- و در آینده؟

- اگر در آینده به کسی دل بستم و از صمم قلب دوستانش اشتیم و تحواست کام را در سینما داد ام به بد هم حتماً ملایق خواست او رفتار خواهم کرد.

- شما، نقن خود را در رخانه هم تعریف میکنید؟

- بلی گاهگاهی به تنهایی تعریف میکنم.

- با آنکه شما تاکون حرف در یکی دو فلم ظاهر شده اید ایا از کار خود راضی استید؟

- راضی نیست ولی امیدوار است.

پایان شد و این کوکتیر را آند کسی
بیش معرفی نکنید .
— امرا این کوکتیر اسراری گزیم ،
دستتری آلایش که سخت تابع
سخت های جامعه خود است .
مشق خوبی اوچیز است که میتوان
در وجود نگاه های خلاصه میشود .
وقتی بیخواهد سرمه را افکوش
عائش خود گذارد خیابان نظرخواه
آن بالا میگردیم و خود را دسترانه
آن برآورده سلطنه میگردیم که نباشد
مشق رایه کنایه کشانید ولئندا
که سیت هشیق را خد ظمیکند .
و این مشق بدل به حمام
میگردید .
— شماردرین فلم تاجهه حد تخت
تاثیر نقص تان فرار گرفتید ؟
— وقتی یک هنریته سرمه
روت پایه خود را در رهیان شخسمی
نمیوید که نتشن را بازی میکند .
هنریته ناختم دلسرمه ازی میگردید
در غایب نفس خود پایی ساخته
— دشاتون شده از آن نالیب
سرمه را پایه زیر اکتکارا ول
تان در رفلم بود .
— پلی زیر ازندگی واقعی حد او .
کار رفلم حد است . ولی کار اول من
در رفلم میبارد گاه بود .
— اصلاً چه چیز سیاست ندار
بطوف خود کشانید ؟
— هلاقه خودم و قشی نایبل
و دوستان .
— وقتی وارد جهان سینما شدید
زندگی را چگونه یاد نمیگردید
در سینما تسا را باز معرفی نماید .
خدت ؟
— نه ، من هنف ۱۲ مکتب در من
میخواهم ، در اراده یو تلویزیون کار
ستم و در رفلم هم باعلام شدم ی
کار میکنم . کارها را طبق بزرگسازی
د چین عیار میگذنم .
— و سینما را چگونه یاد نمیگردید ؟
— سینما را یاگزینی بازتاب داده هستم
زندگی انسانهاست .
— آیا سمات حمیل سینما دارید

انقلاب گرایش

اهم عده د ربارزه با بیرون
کراتیم بازهم، انتقاد و علمیت
است. نویسنده "شوری ایگنیس"
ایتوشنکله است:)) امریز که
دولت مایزگ شد و تقویت پلیتی
است، مایا پست هنوز هم هرجه
کتر از انتقاد صریح ناشی از
عقاید شخص بعراسم زیرا
صراحت نشانه از بختی و نیزی
مانت در حالیکه تحریف حقیقت
نشانه ایست از ضعف، هراس از
((شماری)) غالباً به شرمیاری
منجر میگردد .)) اهم عده "بارزه"
با بروکرایم ذر حال حاضر
عبارتی است از صراحت بیشتر و
علمیت بیشتر.

ادامه انقلاب یا یک انقلاب

رهاشی شوری در آینده نزد
د یک وظایف ذی جوانب و عینی را
در رابرخود قرار داده است .
سخن اه بر سر امامه تاریخ
گذشته اضافه شدن چیزهای بزر
آن و تکمیل روند های گذشته
است بلکه برسی ک تحول بنیادی
است. برخی های این تحول را یک
انقلاب جدید و برخی هاد و اکتوبر
تلقی میکند . در غرب از برنامه
نویازی به نام "انقلاب گرایش"
پادمن نمایند . به هر صورت
حملت بنیادی تحولات نوین
در اتحاد شوروی اشکار است. مثلاً
در اقتصاد خودگردانی خود -
کای و مکانیزم جدید رهبری
اقتصادی جای اشکال قبلی را -
اشغال میکند . دموکراتیزه کردن
جامعه شوروی و اصلاح نظام
سیاسی هدف عده بازسازی را
تشکیل میدهد . در مال های
آینده اجرای یک رفع همه جانبه
حقوق را دست است. علمیت
به عنوان شرط اجتناب ناید پر
خودگردان تلقی میشود . تغییر
نظام انتخابات انتقال قدرت
بیشتر به شواهاد و تغییک مسؤولیت
حزب و دولت جز عده از برنامه
بازسازی را تشکیل میدهد .
رهبری شوروی مصم است که به
انحرافات در سیاست ملی ناشی از
نقض قانونیت در دوره رکود
شخصیت استالین و در دوره رکود
سالهای هفتاد پایان دهد و راه
را برای معاشری منافع ملی و
وتحکم مناسبات درست میان
ملیت ها هواریازد .

بیهی در صفحه ۱۹۳

امروزه هم تین سال میگذرد
که شانه ((ایران های عادی))
را از بارسلونه مراتب متوجه
سیاست مکانه ای مادر -
غوضن سیاست جدید شوروی -
خاطر ششان ساخت که ((اما
بهره هم به سوی دین چنین -
نهن ما در خود های فرسود -
لایه خاتمه دهن . اصلاح بنیادی
جهانیم اداری و قوانین که بسیار
گذشتند و اهرمای گذشتند
اما زی دیگر بدرو بخوبی نمیگذرد .
ما باشد شکلات و شیره های کاردا
به وجود آیم که به خلاصه مردم
و شرکت فعال آنها در زندگی
امکان دهد .))
بدیده های ((آزاده هند))
در زندگی که مراتد رو رکود
و بروکرایم روش داراست، هنوز
رخود داره را بنا بر جنایت
مطیع که تحولات تاریخی بر -
امینی را در قالب داره ایم
من افتد . انتظار درستوران
ها، تظاهرهای نوبت برای گرفتن
کالاها، ضعف خدمات درین بعضی
هویت ها، اراده صیغه خدمات
اجتنابی، مثلاً اینها بدیده -
های هستند که میتوان انتقاد فراز
میگردند و این شئ شوند .
سیکلیزی لیکوئید، ریتم شودای -
ونهان اتحاد شوروی به خوبی
خاطر ششان نمود که: ((نظام
میشود بر ((چوک آیا)) رهبری
جلواستار در مردم کالاها را
گرفت . ووجهه بمحابه کاری دارد -
کبد از بروکرایم کیفت دار -
احساس میتواند کلاست و اتصاف
سینه رین غایق را بوجویه اوره .))
این میزانها سبب شده که
محابه کاری، هن شادی دارد -
بروکرایم هنوز مواجه مده در -
را، بازمانی باشند در شرکت
کهنه می شود که: ((نیسان -
کارکار آشنازی ایشان هم، آنها -
های ای انتقاد دارند و بخوبی
حلو استفاده از طریق های مردم به
جامه را میگردند .)) و همین
اساس استکبریکرایمها نهیز
باید کارکار آشته شوند .

خود مبدل کیم که بسیاری او -
قات غراموش شده بود: یک حزب
نیاید از اشتباهات پرسد .
آنچه که از آن پاید ترسید با -
نشایی بحث زنده بر سر ایگرانی
حکم سرانه . در کفرانس ناید -
کاری، نبودند که ((ایرانه های قبلاً
تقطیم شده، تاییدی ای ایامه
کنند . هر نایانده سعی نمود تا
بروکرایم را راده ساخته کارش طور -
نیکه هست برجسته کند . طبله
مثال یکن از نایانده کان بولاد -
پیغمبرانیک درستخان نش گفت:
((هر کس که در دوره "گذشت
تماله سیاست رکود را پیشبرده
نماید، امروز در زبان دیگر گوئی
نماید در ازگانهای مرکزی و -
شروع کارکند . باید برای همه
قطعه ایگرانی مطلع باشند
بروکرایم ایگرانی مطلع باشند
باشد .)) در این وقت متعاله
گویا چف از یونیورسیتی مطلع
که آن افراد مشخص است . روی گفت:
((منظور من خاصتاً رفقسا
سولوستوف، گروییکو، افاناسیف
و را رفعت است .)) این گونه ها -
حثایت در تمام روزهای کفرانس
و وجود داشت.

کفرانس خواهان ایجاد تضییع
های حقوقی برای ملتیستگی بود .
در این کفرانس نمایندگان روزه کار
افراد رهبری برای دو دوستیتی
و سود و زنان را آماده کردند
بروکرایمها ! این کلمه را -
هر کجای میتوان شنید . ایگران
میخواهد مه بران دیگری، کار -
نشان، چوک نشینان فیض مسول
وسود و زنان را آماده انتقاد قرار
داده . درست همین معهم -
بروکرایمها باری طلبیده میگشت :
در توضیع این مطلب بنا گفت: ((
این مقدمة هست که
از آزادی بحث و انتقاد برآیده شود -
نیت ام رحیمات است . باید این
آزادی افراد به هنر ایگرانی
فریالیست دین تفاوت مبدل میشود
مالکیتی رواهیم میان مردم نمیگزند
کیم باید مقدم و علمیت های خود
را آزادیها پنهان نمکند . این مسکن
استند روکله اول در زنانه -
باشد و آزادی ای ایوانه میتواند
جلوه کند ، ای ایانه باید برای
احساس قلب کم راهیست -
ملیت ای ایانه به این حقایق
بستگی دارد .
ماموکرایم امروز آن توصیه
معروف را به بنیان تمالیت

ج - من فارغ التحصیل بیمه
عمر شهید . سیاست
و درجه دار تخصصات بیزمان
سینما اگر کوشا های کوتاه مد ترا
در نظر نمیم ، هیئت کوشیده طام
بامطالعات اختصاص به کمک
کتابها و مقاله های اخیر و جهره
های موقوف جهان سینما پسر
معلومات بینزایم . به نظر من کار
اعمال و تجربه خود بعترین معلم
انسان است .

س - آپا روز کار داشتن با فلم و
سینما شغل اصلی شماره میازد ؟
با به اصطلاح فرانسوی ها ((پیا-
نوانکل)) پاسلک دم تان بشما ر
میروند ؟

ج - سلک اول واسی من روز کار
با نیاز تراوام را بروط به آنست و در
ضمن میکوش با سینما هم کاری
داشته باشم .

س - همکاری تان با سینما در چه
سطحی قرار دارد ؟
ج - من بپشترا کار در نیازتر را -
ترجمی میدم هم چون سطح دیدم
را که مردم برای من در نیاز
قابل شده اند نیخواهم ازدست
به آن سطح نمی بینم .

س - از تیاتر صحبت کردید پدیده
تان نسبت به تیاتر کشکوکه به
اصطلاح (فعبادی) درین درین
دبیال پیشنهاد است . چه است ؟
ج - در تئاتر فکر میکنم توضیح
بپشترا مکرر خواهد بود شما میتوانید
ضمونی را زیر عنوان (قادر فرض)
در شماره ۲۶۲ اسد ۱۹۷۱
امطالعه نمایم .

س - اجازه دهید برسنها
خصوص تراز شاد داشته باشم :

بد هند بلکه حکومت پایه زیاد مصرف
نمایم .

ضمن انتقاد از سیاستها -
بودی دموکراتها . بروش میگوید ما
به افزایش صادرات خود نیاز داریم
نه اینکه مزهای خود را به پدیده
د و کاکنه که به شکست خود
اعتراف کرد در هر ابر حامیان خود
اد ریوستون اظهار داشته بروش
رئیس جمهور ماست و با او همکاری
خواهیم کرد . ((امیریکا باد شواری
ها ب زیاد ریوست و پایه با هم
کار نمایم .

هند میگه ...

صلاحیت به آن باسن خواهید

لخت : پاک استیاز مبارزه و ترقیها استثنای
تلهمی افغانستان تاحدی که حتی
در مقایسه با سینمای مالک هم -

جوار سایه نداشت . طویل بودن
نقشه سینمای ها و صحته هاست .

ایرجاگوئه توصیه میکند آیا
انسانها استعداد بخصوص س

در فلمسازی داشته اند که بخشیده

مانده است . یا (دراکت) ایوسکن

یک نوع تقلید فوق العاده مازسینمای

ریالیست مالک مترقب بوده است

اصراحت پایه داشت که افغانها

استعداد فوق العاده در این

ارتباط دارند که مادر راه رشد

بریوش هرچه بیشتران تلاش

میکنند .

س - در آینده چه فلمسای مشترک

کن خواهید داشت آیا با سینمای

غرب و مالک اریا باهن فلم مشترک

رویدست دارید ؟

ج - در فستیوال کان ماروی این

موضوع صحبت کرد هم زیرا خار -

جیان به کار مانع فوق العاده -

علاوه رویدست شده بودند ولی با تائیف

ناکنون یک چنین امکانات برایما

ایجاد نیزدیده است .

س - شاخود تان فلمسای کدام

کشور را وستدارد ؟

ج - من فلمسای ریالیست که

واقعیت های اجتماع را اندکا س

میدهد و ستدارم . کاملاً این

فلمسای تصور فرانسه برایم خیلی

دلخیز میباشد .

س - از تحصیلات تان صحبت

کنید . در روزی میباشد متحصلات

داشته اید ؟

بچه از صفحه (۳۳)

د توافق نوی په نهاد

پند پر شور خوکی پایه دخواه

پوه پنه لاجه من اسخانی زونه

لپاره و تاکی . ساخته ای کارگران

او ما هر ان بعروسه هلت موله زیل

شی د ارتیا و تقول مواد د مخه

دانه وات د ستگاهه و سلیمان سه زیل

کری ته لیزیل شویدی .

د د غمی قد سه لپاره اه اسخونه

پام کن نیول شویدی چی نهم سفر

به د دفعه اری د پرسونله لیزیل

پوری اره ولری .

مرتب اونظم کاره و روسه پهمل

شی .

د سوزی پر مختیا پوه په زره -

پوری اواهیت لونک پر زوه د -

چی د بشرله پاره د دهه د -

پهد اینست په دری مهلوون کال کی

د پام لرنی ورنون و گنی اهه تاریخ

کویه ثبت شی .

د دی پر زوی راتلونکی په عده

د ول په دی پوری اره لری چی

ایا بشوت د سوله بیزی و دی له

پاره د خپلوله لخلمه پو والی او

د متخرک کولویسالی شی اوکه نه .

شوروی حکومت د مخه تردی د

دی موضوع په هکله مشخصه -

غونته اوسنها و راندی کری

دی او د ملکر ملتوه سرمنه

(هاریزیز و کویار) په نامه پس

پولیک استولی دی چی تر (۴۰۰)

کال پوری د پوری په پوری پوکه

علق فعالیت د پوکام طرحه

پکی ده .

بچه د رصفه (۱۷)

مله ارد د الر سرمیزند از بران مل

که مقویش ترین کشور جهان است

چهار باره بینه راست .

د در برابر انتقادات پیغمد مسو

کرا نهاد را بابطه با کسر بودجه

بوش وظیفه شاره یک اقتداء دی -

خود را ازایه بود جه متوازن طی

بنج و نم سال . بدون افزایش

مالیات . توارد داده است .

دی میگه . پریم بود جه این

نیست که امن کایهه مالیه ناجیز

در
دروازه
قصر
لمسید

قرطاسیه فروشی شنبه

لغمبرداری از محاذل خوش شما
را توسط مد رنگن کسره ها
می بذیرد .

لغمبردار : انجینیر محمد عارف
((مخفند)) .
ادرس : متصل بازار امید .

قرطاسیه فروشی خندان

هر گونه قرطاسیه مورد نیاز
تان را عرضه میدارد .

ادرس : مزار شریف . مقابل
دروازه جنوب روسته مبارک .

قرطاسیه فروشی صدف

کدنس : ده رفعت نش
قرطاسیه و مجلات مورد نیاز
تان را عرضه میدارد .

قرطاسیه فروشی علی گلریز

آدرس : سینما پامیر
قرطاسیه و مجلات مورد نیاز
تان را عرضه میدارد .

ج - فکر میکنم استعمال اصطلاح
اکتورسینما خیلی مالغه آمیزاست
و امادر ارتباط با حرکت زیگراگی
تهیه فلمنگ باش اتفاق نه این
ارتباط باید بگوییم با بخش
شخص در جوگات بونهنه هنرها
لیکن تربیه اکتوران شیخ (که در
سطح لبها نه فارغ میشوند -
داریم و اما در مرور سینما تابه
حال یک همچو دیگر تنشی مو -
جود نیست از نظر من موقیت
در رسانه کار هنری وابسته است
به این داشتن به مسلک حفظ
قد میست مسلک وقت و تلاش .
س - در همین ارتباط اگر از شما
پیغام بخواهم بخانی بدست آند رکاران
هنر داشته باشید :

ج - هنرمندان ما باید براي حفظ
رسالت هنری رقابت های مشروع
با یکدیگر داشته باشند و همیشگی
به یکدیگر و احترام به مسلک ما -
زنده تمام کارهast .
س - آخرین پرسش را باشما این
طور مطرح میکنید :
از نظر شناسیناد رکشور ما وقتی
به آن رو آورد یه درجه حالت بونی
آبایه بختی و سیده بود و همیشگی
روی آن حساب کرد، شاید حالت
رکود داشت که شاهد همکاران تا ن
آن را از نوبه کار آن داشتید، بخا
میخواهید ادعا کنید که هنری را از
نیست ها هست کردید اید .
من فکر میکنم مانند یک همچو
ادعای داشته باشیم . چونکه قبل
ازما سینما و کار فلم سازی در رکشور
ما جریان داشته و اغلب با موافقیت
هراء بوده است حلولی به طور
عمم هنر سینما رکشور ناقص بوده
است به نظر من کار نگیرانه و -
بستگانه همکاران من درین عرصه
نوید گر آفرینش های چشمگیر ایند
سینمايی کشور خواهد بود .

موظف داشته باشیم .

- بعن داشتن چنین باع رخن
ضرور نیست چنور ؟
با اعصاب خرابی تمام می گوید:
راستی بودن باع رخن برای
ماهیج عروز نیست .
- خوب محترم، حالا در رایان
این مصاحبه خود را معرفی می کنید ؟
- یک بارگفت من حاضر نیستم
خود را معرفی کنم .
- اخر چرا ؟
- چراند ارد .

خود شان را در آرند .
س - پرسش موسی را در مرور کار
سینمايی کشور میخواهم مطرح نمایم ،
آبایه بختیه یک فلم گرانتر از طایفه -
آن تمام میشود با چطرباز سویا آیا
شنا تعمیم دارد لفظ فلم های
تازرا باستانی و نظری ، فقری نهی
عادله ادم . اسد آرام ، سلام -
ستگی ، پاسن . البته در مجموع
عدد رکارهای شان بمنطق بوده اند
خواهید داشت ؟

ج - در مرور بخشناد پرسش
تازرا با مسرت باید ابراز نمایم که
فلمنگی مادر داخل و خارج کشور
خرید از زیار دارد و از طبق فروش
تکت در سینما و در هلوی آن از طبق
فروش بزنت ها و کشت های پیشنهادی
مایه شتر از صرف یک فلم عاید داشته
ام . در مرور سنا بزی نکلمه . ما در
آنده میکوشم . فلمنگی که عرصه
های مختلف زندگی اجتماع ماران
برگزیند تهیه نمایم .

س - میگویند تا جلیل که معلوم
است تقلعه ایا عصایا اکتوران
زیاد است چه نظر دارد ؟
ج - بله این حرف کاملا درست
است و در شوره اید وام توجه
صورت بگیرد .
س - چرا سینمایی ماهی جز جنده
چهره " بحدود " هنری شه " زن -
ندارد ؟
ج - شرایط زن هنی در مرور کار
اکتوپیش را فیکر دارد .
بهترین راه حل بهترشد ن فضای
اخلاقی مسلک است و کنترول جدی
در پیغام بایست صورت گیرد .
س - میخواستم در مرور اکتوپی
سینما رکشور نظر را را بگوید :
آیا یک همچو دیگر میگوید ؟
هر آن شرق و آلمان غرب و مسلمان
جزئی برایتان یکم که فلم بزند
های مهاجر ماراکشور اتحاد شوروی
مبلغ (۲۰۰۰) دالر خریداری نموده
نمود . فلم فوارد رکشور چکسلواکی
آلمان شرق و آلمان غرب و مسلمان
فلم بزند های مهاجر راکشور
هند وستان از مخرب اید ای نموده
است و این خود میگرداند که در
مالک خارجی فلمنگی ماعلاً قندان

ازان است که طفل دو ساله
به خودی خود کنار نمیرجیه با لا رو
تریب یک ساعت انتظار کشیدم
که تا شیر از داخل محوطه خود
به بیرون تیریف بیهوده
مگر هرگز تیریف زحمت را به خود
راه نداد . ولی بزند کوکانی
که با پرتاب سنگ ریزه هاشیر را
به بیرون امده از محوطه به کتاب
بنجره مجرور میساختند . نه تنها
تیریف بلکه دیگر حیوانات هم
ازدست کودکان شن ارم نمودند

چهار زیورتیون از نظر من غیر
بوده است .
س - هرای آینده سینمای کشور
خود مان کی همارا برویم چند نهیه ؟
ج - از نظر من حدیث همچو
آنچه بختیف ، نظری ، فقری نهی
تازرا باستانی و نظری برند .
عادله ادم . اسد آرام ، سلام -
ستگی ، پاسن . البته در مجموع
عدد رکارهای شان بمنطق بوده اند
س - باید بگویید که صرف نیست
هنری تاچه حدی از حیات روزانه
تازرا بخود اختصاص داده است ؟
ج - فکر میکنم اگر چون تمام زندگی
خرید از زیار دارد و از طبق فروش
تکت در سینما و در هلوی آن از طبق
فروش بزنت ها و کشت های پیشنهادی
مایه شتر از صرف یک فلم عاید داشته
اداری ، هنین کارهای هنری سه
در رتیاتور سینما دیواری ایجاد
نموده است .

س - شاترینج می بدهید یا نه ؟
هنری پیشنهاد داشتید یا نه ؟
ج - درین باره زندگی نکر نکرد ، ام
ولی شاترینج می بدهید یا نه ؟
ج - دینه های خوبی هار آیند .
س - به یقین اینطور خواهد بود
شما اهل دلخان خواسته بیجا نیز
کدام هنری معرفت باشید ؟
ج - من فکر میکنم هرچو عصوم
هرانسان در حیات روزمره برا یه
خود شایانی دارد ، وی کسی
است که دلش میخواهد بیتوا -
یک همچو چهره در کارهای
هنری ام (انتونی کون) هنرمند
معروف هالیوود بوده و آن زندگی
روزی بتوان به سطح او برسیم .
س - کدام هنری واری باشید بدینه
کلا سیک هند واری باشید بدینه
ج - در سینمای هند دلیپ کار
چک کیور ، نرگس ، براون و کشور کار
و در سینمای غرب انتونی کون
کلارک کپبل ، رابرتسون فورست

س - اقای فخر : هرای خوانندگان
دلچسب است بد اتنکه آیا فلمنگی
افغانی در سایر ممالک دوست و -
کشورهای غرب بینندگان دارد .
ج - بله " و من میتوانم بصورت
دقیق برایتان یکم که فلم بزند
های مهاجر ماراکشور اتحاد شوروی
مبلغ (۲۰۰۰) دالر خریداری نموده
نمود . فلم فوارد رکشور چکسلواکی
آلمان شرق و آلمان غرب و مسلمان
فلم بزند های مهاجر راکشور
هند وستان از مخرب اید ای نموده
است و این خود میگرداند که در
مالک خارجی فلمنگی ماعلاً قندان

ازان است که طفل دو ساله
به خودی خود کنار نمیرجیه با لا رو
تریب یک ساعت انتظار کشیدم
که تا شیر از داخل محوطه خود
به بیرون تیریف بیهوده
مگر هرگز تیریف زحمت را به خود
راه نداد . ولی بزند کوکانی
که با پرتاب سنگ ریزه هاشیر را
به بیرون امده از محوطه به کتاب
بنجره مجرور میساختند . نه تنها
تیریف بلکه دیگر حیوانات هم
ازدست کودکان شن ارم نمودند

قرطاسه فروشی
تائیس
قرطاسه مورخ نیاز نداشت ارا
به نخ ازان عرضه می دارد
مخاتل شارکلر که
شنبه ۱۲۲۲

سرار خوار نیها

لگو (لگو) موسیٰ

میه حاب نده سخت میاند
رنتجه تحقیقات لابرتواری
ف گردید که ((حنایا)) کوه
برابر دن داشت و به ۲۰۰
مرج سانت گراد قسم اب میگرد
دن «اسکسون» مکوفارم «متاپل»
میتوال الكل قسم ابرآب میازد
حالیک الکولین مانند آب اکرا
ل میناید همچنان موبیه
رأی کلسم «پوتاشم» سود یه
نوئم «اهن» مثلاً نیم کافسور
دن مکھنم «سلفر» و نیمه یه
نفره «س» کوبیلت «-»
بلم «مراستیم بیاشد که تنه
ده آن را از عناصر اکسوتیک
ارجی چون ابرورم از کوئیم
رسنیم و اندیم و پیره
باشد که آین عناصر تعمیر ی
ای احیا نیج استخوان
سایت مغید ولازی اند .

مجنن مویه دارای مساد
من نبوده و غافد را بواکتیف
است و هیچگونه تاثیر ممکوس -
لای چنین زن حامله ندارد
یعنی باعث کاهش تاثیر شد و
کثاف micro Flora میگردد
در اوایل سالهای ۱۹۶۰ -
شنیدن انجازه یافتند که
یه راد رکلینیک ها بخاطر
اوی طوله استخوان های کار
بدند بدین ترتیب تایت گردید
نظر مردم درباره اکسیر نزد
رسانیده است. قاتا

آوری است که افزون بر بعزم
ستن استخوانها برای بهبود
ع عمومن فزیکی به شعل بعتر
ن خواب و بهترشد ناشتها
بفید و مو تمییزا شد .
این ماده به خاطر رفع سرد را
ک لذم لوزتین « فلنج روی » و
جرخی نیز مورد استفاده قرار
گرد . همانان تاثیر بفید بسیار
و جگرگند اشته و ترکیب خوب نداشت .
بغیره قلب را بهبود میبخشد .
قابل یاد آوری است که در -
- منبع آن نظریات مختلف -
رد آرد ولی تاکون به طور
قرن ثابت نگردیده است که آپا
آن سبزیجات و میوه های -
ه است و یا حیوانات تأثیر میگاتسی
رزیمه نه تاکون صورت گرفته
بات مختلف و متفاوت را ارایه
نمیگردند .

زنان ممکن دیگر زیاده ترد سنت
خوشت این تحول گردند.

مکتبہ میموفون

در برخی از زنان، این یک پدیده آن است طور مثال، بعد از گرفتن حل، هادت متوقف میگردد و مشابه آن ممکن درین مرحله درین خانهها به وقوع بیرونی دو هیچگونه اعراض بوجود نماید. در اکثریت دیگر، وضع بدینگونه نیست زیرا براي توقف کامل بروسه منظم عادت ماهانه ماهها و حتی سالها لازم است. اکثر آن خونریزی بشکل تدریجی کاهش می یابد و هدایت هادت تغییر

بپژوهای قدرت بالغان میتوان
خاتمه می یابد درین زمان
تمدد ایجاد تغییرات هاراستوئه
ساخته و بدین سبک خانه ها
دیگر باز نمیشوند ولی بعلت
دورام موجودیت بعضی هر روز
های جنسی - زندن پرای مهد
خرنده ای ادامه داشته اند
مزاج حالم اینهم مشوق میگردند
قابل یاد آور است که مردان
پس از عذر رمود آن شیوه حسنه
د از دیگر اول نادیده میگردند و سر
آن در طول عمر هنایت دیر است
از زنان فراموش نمود آن نیست
قدرت تکثیر را ازه سه میله هست
ولی علام نقاد آن که بتوا

مرحله برای شان نهایت
ناخوش آیند است، زمان طولانی
لازم است تا این بروسه طبیعی
برای شان ماده شود و سا آن
کار آیند.
از آنجاشیک هر زن باید این
تفصیل روزنده ک خوبش بیند برود،
لائم من انته تاین برایلم عصده
زندگی را به خاطر تسویه از همان
زنان مزد از نیایی فراری همیم
و حقایق چندی را غرض آگاهی
خواهند داشت بازگو کنم و هرگونه
ترس ایعلم و سل غاهم را بور
مزد مینموز برطرف سازیم.
آنچه بالذات است تازن از اینجا

درسن ۱۴ یا ۱۵ سالگی کے

ترجمہ: انجینیر حلم

آغا زی پیغمبر زندگی یک زن

نظم می کردد . بدین ترتیب
د والی سه ماه بدون هیچگونه
خوبنیزی سپری میشود و بعد
تدریجاً متوقف میگردد . بصورت
کل ، علت این تحول هماناً
فقدان تحریک نظم هرمون های
جنین است که اکنون دیگر
مقداران براتب کمتر از زمان قبل
از آغاز میتواند است .
برخلاف از زنان فکر میکند که
خوبنیزی اضافی قبل از عادت
یک مشخصه نورمال است ولی
فأقلند از اینکه این حالت ناگوار
است و چنین خوبنیزی را پاید
بصورت دقیق ارزیابی و تداوی
کرد .

باقی در صفحه ۸۶)

<p>د ختران به عادت اغازی کنند برای کسانیکه اطلاعات کافی قبلی در زمینه ندارند و چیزی در مورد به آنها گفته نشده، آفاز مرحله قاعده‌گی بعنوان یک شوک شدید روحی آنمارانکان میدهد. این مرحله را بنام زمان سلطانی پاد میکنند و در حدود ۱۰ سالگی قاعده‌گی بصورت دائم قطع میگردد و آنرا زمان میتویوز (توقف عادت ماهانه پایا است قاعده‌گی) می‌نامند. همچنان آربانسلم (بحران عمر) نیز پاد میکنند در اکثریت خانه‌ها این بروسه به کدی طی میشود. طور که تکمیل آن گاهی یک تابع سال راد و ریمیکرد. در حیوانات قد. رت تکثیر یاتخمه گذاری تاد و ران پیغی باقی ماند ولی در نسل</p>	<p>یک بروسه طبیعی نه مصیت بینه بودند.</p> <p>عادت ماهانه نرمال چیست؟</p> <p>زن در طول مدت تخریب که از هر ماه برآنی سه تا هفت روز از طبق مهلل خونریزی داشته و آنرا بنام دوره قاعده‌گی می‌سیند با اعادت ماهانه پاد میکنند. هر ماه رسم تحت تاثیر هرمون جنسی که به وسیله تخته انها زن تولید میشود خودش را برای باروری. آماده میسازد و در جریان این بروسه غضای رسم خیمتر میشود ومقدار خون انزاپیش من باشد. هرگاه حمل صورت نگیرد، در آن صورت در آخر هر ماه این غذا ضمیر شده بالخته های خون</p>
---	---

پک تحول طبیعی ولی
تاهنوزهم ناخوش آپند درخانهها
در سلسله بزرگ پسر، زنان
بصورت منظم هر ماه هادت میشوند
و خونزایی منظم آن بعنوان منحصر
زدن بودن شناخت شده است
از همان آغاز پلوره که دختر واره
مرحله جوانی میگردد، هادت همانه
با تحریض آغازین باید تا اینکه بعد
او است مرکمالاً متوقف شود
زن در طول هادت عمر خوبش که
هادت می شود قدرت باز رویداشته
و گرد کان نازنین را به جامعه
نتقدم و مقایی نسل بشر را تفصیل
میگند. همچنان، درین مدت
زن خاطرشن جمیعاًسته احسان
زنانه دارد و از نگاه جنس خود را
فعال احسان میگند ولی بد پختانه



تعالیت اعماقی تکری وابسته
به موجودیت خدا رهبریون های
جهنم درین بوده و در مرحله
میتووزد رخانه‌ها معمومیت -
دارد ولی یقیناً با آغاز میتووز
هی رابطه ای ندارد.

سکوی میتووزد:

میتووزد صرف به مفهوم است
که زنده یک‌عنی تواند کوکی بدنی
باشد ولی شایستگی و تعابرات
جنسی او هنوز هم بحال خود
بافی می‌ماند. اینکه باشند
عمر، تعابرات جنسی توانند
کاهشی نیاید، مثلاً دیگرست
ولی فقدان قاده‌گی بالای زندگی
نورمال جنسی تائیری ندارد. بر-
خلاف دیده شده است که با
برطرف شدن ترس حالمکی،
زن بعد از میتووز از سکس بفره
ولذت پیشتری می‌برد. بنابران،
این عقبه که بعد از میتووز
زندگی جنسی متاثر نمایند
اختلال بروز بشاهد می‌رسد.

مکمل میتووزد:

متلبه وضع روحی، طرز
تلخ و پرخورد افراد، تغییرات
روحی و عوارض آن متفاوت است.
زنان تحصیل یافته، آگاه و با حوصله
چندان صدمه روحی نیی بهینند
و برای چنین تغیری آماده‌گش
دارند و این تغیر طبیعی و غیرقابل
اجتناب و مسلم را بحال حوصله
مندی و خوشی بدیرا می‌شوند.
برخی از آنان، ممکن تا حدودی
حساست پیش‌آمدند و قرار
و شخصیت پیشتری کسب نمایند
و این پرسه طبیعی عزرا باید
جرئت کامل متحمل گردند.

آنایکه سعادت‌دار نیست،
احساسات اند و در عوض معلومات
کافی کسب نکرد مانند، خیلی زیاد
دچار اختلال روحی می‌شوند.
آنان میتووز را بحثه پایه‌ان زن
بودن خوبی‌های شناسد و معتقد
اند که شوهران شان دیگر آنان
راد و سط نخواهند داشت و با
دانش این مفکر چنان روحشست
زده می‌شوند که تو زن روحی را
تامرسد جنون از دست مید هند
این حالت خاصتاً در زنایکه
ازد و اوج نکرد مانند وهم آن دیگر آن
نمیخواهد هیچ کاری را بپیش
بهرنه، بهده چنین ملاته می‌شوند
و حساسیت پیدا می‌کنند. از این
خوابی، سرگچه، سرد و دی و
احساس سنگینی، ررسوینه
بعد از توقف عادت روسنا گردید.
این خانه‌ها معمولاً مایوس‌اند
و نمیخواهند هیچ کاری را بپیش
بهرنه، بهده چنین ملاته می‌شوند
و حساسیت پیدا می‌کنند. از این
خوابی، سرگچه، سرد و دی و
احساس سنگینی، ررسوینه
بعد از توقف عادت روسنا گردید.
این خانه‌ها اشمنان و تسلی
دادن خانه‌ها اکتفا نمی‌کند
و احتیاجی به تداوی اضافی دیده
نشود. تخمیناً در زنایکه
نیازی به تداوی لازم نمی‌شود.
هرگاه زن را در عرض می‌کند
که اکنون دیگر منبع جنابیت وزن
بودن شان نیز ازین رفتار
و حامل دیگری که تواند جنس
مشهود است، چون نکر می‌کنند
که اکنون دیگر منبع جنابیت وزن
شکایت دارند. اشتهای بعض
سقطوط می‌کنند رحالیکه برخی
هرگاه زن این بروزه را در ک
کنند و به طرز سازش و توانی‌آن
رابیا می‌زند، د رأْنَسُورَتْ، همَّهِ
چیزی همیشود. ایجاد می‌کند
تابه هر دو، زن و شوهر، مشهود
دیده.

شدایی:

در اکتروارد، صرفاً لازم
من افتاده اشمنان و تسلی
دادن خانه‌ها اکتفا نمی‌کند
و احتیاجی به تداوی اضافی دیده
نشود. تخمیناً در زنایکه
نیازی به تداوی لازم نمی‌شود.
هرگاه زن را در عرض می‌کند
که اکنون دیگر منبع جنابیت وزن
بودن شان نیز ازین رفتار
و حامل دیگری که تواند جنس
مشهود است، چون نکر می‌کنند
که اکنون دیگر منبع جنابیت وزن
شکایت دارند. اشتهای بعض
سقطوط می‌کنند رحالیکه برخی
هرگاه زن این بروزه را در ک
کنند و به طرز سازش و توانی‌آن
رابیا می‌زند، د رأْنَسُورَتْ، همَّهِ
چیزی همیشود. ایجاد می‌کند
تابه هر دو، زن و شوهر، مشهود
دیده.

برخی چنان ترسند.

می‌شوند که در عوض وقوع انسواع
سینه شاکن اند درین اینها

بیماری‌ها بخصوص سلطان می‌
اختلالات وظیفی ضربان قلب
و نیفی نهایت زیاد است.

مکمل میتووزد:

د ربخ از زنان میتووز
حتی در سن ۴۰ سالگی غرامید
در چنین مواردی، معایبات
دقیق و کامل باست انتقام
شود. قابل توصیه است تا
تاریخچه خانواده‌گی را مورد
از زنای قرارداد و سن میتووز
راد زنان دیگر خانواده باقی‌لیه
جستجوگرد. هرگاه ممهله چیزی را
باشد، بس در آن صورت علتی
برای تنفسی باقی نمایند.
در بعضی از زنان ایجادیت
های هر روزی بخطاط‌گلکری
از محل استفاده می‌نمایند، میتووز
زود رسید که شخصیت از تابیت
تجسمی می‌شود تعادلات ماهیانه
رایجاید باد و ایهای گوناگون
صورت مصنوعی ایجاد کرد زیرا -
مکنت این کار موجب افتاده روحی
گردید ولی شاید خطرناک و ضررمند
باشد.

مکمل میتووزد:

قاعده‌گی یافع است ماهیانه
بعد از سن ۲۰ تا ۳۰ سالگی یقیناً
امروز عادی و ایجاد از بسی
و معایبات دینی رامی نماید.
چندین بین نوع بیماری رحم و عنق
رحم مکنت باشت خوبی‌یاری از -
طرقی مغل کرد که زنان مکنت
آنراه قاعده‌گی نسبت دند هند
در حالیکه این خوبی‌یاری و انعام
- -. باشد، بایست در هرجو
مورد از زیابی دقیق صورت بگیرد
تامیاد افراد مناسب تداوی را از
دست بد هم.

تومورهای رحم، بواسیه
لحن، فرسایش‌های رحم، بیماری
شکر، سلطان عنق رحم، تومور
های تخدی اند و غیره می‌توانند
باخت خوبی‌یاری رحمی
گردند.

هرگاه چیزی غیرعادی مشاهده
نمی‌رسد، در آن صورت می‌توان عادت
های ماهیانه را از طریق وسایل
شخصی متوقف ساخت. کنیدن -
هر د و تخدمان یا تخریب تعالیت
آنایوسیله اشمه بعلت فقدان
محرك هر روزی، موجب توفیق
قاده‌یار است خواهد شد. تحت
اشمه تراوید این رسم با سوزن
های رادیم شیوه‌یگریست وابته
کنیدن رسم مطلعه طریقه ممکن
توقف قاعده‌یار شما را می‌رسد.

بیمه در صفحه ۹۰

مکمل میتووزد:

باید گفت و اورام‌تیغه ساخت
تازنین تکی را بخترین راند هد
که گویا خانصه دیگری ایجاد
بپیست. این عمل از کظرف
اطهان خاطرپیشتر را به خان
مورد نظر خواهد پخته و از جانی
هم از داد رتتحمل این تغییر
طبیعی یاری خواهد کرد.

در بخی از زنان شایسته
لازم بیفتند تا آنرا در رجبان این
مرحله حس اسلام ساخت و دوایی
مکن تجویز کرد طریق کرنش
اد پیش بعده از جند روز محدود
متوقف گردند زیرا این دواها
مکن شکل عادت را بخود بگیرد
پس مادر نظرد اشت این نکه
توصیه می‌شود تا این نوع دواها
صرف برای یک مدت کوتاه‌تر جیز
گردد.

د رموارد سرنخی صورت توصیه
می‌شود تازنان درین سن و سال
از کلول، تغیه و سیاه داغ
حمل گرم و خلاصه هر آنچه که
موجب تحریک گردد، اجتناب
در زنده شاید برای چند روز محدود
به گرفتن دواهای مکن و خواه
او رنیزد اشت باشند در ربخی
مورد، تجویز تابیت های
روتامین ای توصیه می‌شود.

از عادت نمودن و توصیه
تدابی را هر روز می‌درهه اند
اعراض باید در وی جست در -

واقعیت امر، از هر روزن ها
می‌توان در گاهش اعراض میتووز
استفاده کرد ولی اینها می‌شوند
از او زنده باشند داد و مطمئن ساخت
از درد مغایل - مصلالات
ساق یا عضلات دیگر شکایت
مید اشت باشند و به قدران کلیم
در استخوانها OSTEOPORESIS

سرخ شدن و گزین صورت

بنکل کاملاً منظم درین مرحله
د زنان بشاهده رسیده که
مزاحمت زیادی را برای آنان ایجاد
کرد ماست طوریکه در صورت و گرد ن
احسان گزین می‌کند. برای این
خانه‌ها پیشتر حالت تعریف پیدا
می‌شود. قرمی صورت اکثر در -
حالت هیجان و قهر پیشتر داشتا
هده می‌رسد. در محیط‌گرم نهیز
قرمی صورت پیشتر عویض است از دار -
پیش از زنان روزی زنی داشت
د چاراًین حملات جنسی توانند در
برخی دیگر تراکاران هر ۱-۲۰
دینه بعد صورت می‌گردید. بر -
هنگام شب نسبت به روز، این
حال پیشتر محسوس بود و خواب
رابطه‌قابل للاحظه ای مختل
می‌شود. بعد از این حملات
به قین زن احساس خنک می‌گردید
تند خودخشن می‌شود.

کاهایی برخی از زنان
از درد پاشکل یک پارچه مغلس
در رستان شکایت دارند و این
ناشی از تغییرات هر روزن است
که متوجه به التهاب مزمن می‌شوند
در زنده شاید برای چند روز محدود
باشند این حالت رامکن
با سلطان استباه گردید بنابران
تصویر می‌گردد تا در چنین مواردی
با انگشت مشوره گردید. برخی از زنان
از درد مغایل - مصلالات
ساق یا عضلات دیگر شکایت
مید اشت باشند و به قدران کلیم
در استخوانها

متلامیشوند و قرع تمام این
اعراض، لزوماً ناشی از میتووز
نیوده بلکه مکنت است بگیری
تمادف باشد. متوقف عادت هیچ
 نوع بیماری را بیماری آورده. بنا
بران، میتووز خطاً لصرخ از
زیادی به جسی و چه روحی
دارد ولی اینکه تاچه حد سبب
ناراحتی و کسالت می‌گردد و باسته
به طرز تلق و خروز زن وسط
آکاهی اور برایه میتووز است.

شدایی:

در اکتروارد، صرفاً لازم
من افتاده اشمنان و تسلی
دادن خانه‌ها اکتفا نمی‌کند
و احتیاجی به تداوی اضافی دیده
نشود. تخمیناً در زنایکه
نیازی به تداوی لازم نمی‌شود.
هرگاه زن را در عرض می‌کند
که اکنون دیگر منبع جنابیت وزن
بودن شان نیز ازین رفتار
و حامل دیگری که تواند جنس
مشهود است، چون نکر می‌کنند
که اکنون دیگر منبع جنابیت وزن
شکایت دارند. اشتهای بعض
سقطوط می‌کنند رحالیکه برخی
هرگاه زن این بروزه را در ک
کنند و به طرز سازش و توانی‌آن
رابیا می‌زند، د رأْنَسُورَتْ، همَّهِ
چیزی همیشود. ایجاد می‌کند
تابه هر دو، زن و شوهر، مشهود
دیده.

بیمه در صفحه ۹۰

نهاد افم دلم . . .

موقیت رادر اکت ولبستگه اسانتر
بدست میاره .
در مرور کهوز سازی باشد بگویم
که کارست دشوار تراز توان بنده .
شاید بتوان مانند عده بن کبوتر
های بسانه اما جون میدان که
ساخته خود خامنزا هنگزاری
که دارم است . ترجیح میدم از
دیگر اهنجازان بخصوص «حترم
شاد کام و خیال کهوز بگیم .

خوب یعنی میخواهید بگویید
که با کبوترهای ساخته خودتان
نمیخواهید تخریب هنری بیا
بیاورد و در مرور لبستگه اهنگها
در مرور که آزاد رایانه
از بازیکن و نیزه بی بروخوددار .
است یا بد یاد آورشند که زمانیکه
خوانند تابع کهوز و شعر و
ارتباط خود را در یافته و حین
لبستگه مثلالمه» ((ناخداد))
قبل از آنکه به معنی ناخدا بیس
بپرسند به بالاتر میکنند گویا که
حروف بر سر خدا جان باشد تایک
کشتن ران .

عده بی از علاقمندان شما
محتفد اند که بهتر میور اگر
موسیقی جاز میخوانند بد چرا
تایحال از این موسیقی بفره -
نگرفته اید -
قبلاً یاد آورشدم که اتاق
تعزیز د ریاد پوتلوزیون نیست
من با کام گروه هنری نظریه
قویود فامیلی نیتیوان همکاری ری -
داشته باشم . این کارست که
با پله و سیستان راد پوتلوزیون هارا
یاری نموده زینه نمین رای -
موزیک جاز نیز مهیا سازند . من
مخالف این مفکره «علاقدان ان
همیزیم .

از گفت هایی بالا در راهنم که
سیستانه میخواهد خود را مهیج
خانواده «خوش نشان دهند»
بنابراین از طرف سوال هایی که
عده بی از و سیستان مطرح نموده
آنده بین برای یکه او در جراحته
نقش نمیبرد نیز هر چند نظر نمود
جه اخیری زهیمین باسیم که بگویم
احزمه غایلی خود را حیزد پیش
بحروف مانخواهند اند .

آخرین سوالی را با گفتن ترس
مغض میکنم :
پیشین احزارها فاسیه شان -
است تاین مساحتیه را در رسایند
نیز کیم ؟
لار که هنراست باین بگشتم .

میازد . با گفتن تائمنی میخواهد
از من خواهش کند که از تلاش هنری
گرفتن جواب بپرسیم و امانتا زه

این حال برشده که جراحته
نمیخواهد از عشق خود جیز بی

بگوید آنهم در رایر سوال گروهی
از علاقمندان ایشان . ازدواج ترانه

زیاد تر سر زبانه ایست . زیاد تر
ار دیگران برای ازدواج ترانه -

بهم برآهان وجود دارد : -
شاید بخطاطرا یکه تعلل سپاه
ترانه را در برابرد که آزاد ریعا -

پیش این یک تعلل است .
ماره این مهارت در زندگی ؟ بیمه افتخار
است یانهای علاقه به عشق ؟

بنابراین ناگهانیم در سوال کاری
کرد . دوست ترانه بعض گزه
میخورد چشمها پیش بر بیان ش

شهادت مید هند . ترسته و
با حجاب میگردید :

عشق را دوست دام زیاد
هم دوست خود ایم عشق دزنه میگش
من مقام و میزالت والای دارم . من
نه تھاشق را احساس میکنم .

بلکه احساس نیزیمکم . تھا یکبار
عشق شده ام . پیکار عاشق شدن

بهتر است .

- سیا جان ! میخواهید افاده -
بد هید که عشق شما یک بیکری از
آفریده های تغیل شماست و -

تصویری که تھا در زمین خسوسی
از آن دارید . مثلاً از یک مرد یکه
هیچ وجود بیرونی نداشته امادر

زینه سوال را در مرور عشق و -
ازدواج ساعد نیام زیر کانه
میگویی :

- زیاد تر خودم ترجیح میدم
اشعار انتخاب کم ، اما نظر

محتم شاد کام که کبوترهای هم
میازد نیز نیتیواند بی تاثیر

باشد .

با زاد امه مید مه :

- ۰۰۰ . . . چرا مکار مرد ((نسی
دانم دلم دپانه کیست)) خو-

شنان نیامد ؟

- چرا بسیار هم خوب فالی
خورد . شعر جای فراغ در -

کپیز دارد . ریتم آرام چنانیکه
روان شعر قصه میکند وجود از داد

و اتفاقاً خوب هم ادا شده و
حال خوانند و نیز بیان و قرایشن

را بایضهون شعروشک کهوز

آهنگ دارد . همچنان این

پرسن را شاعر زیادی از علاقدان

شندان نهاده . سیستان نموده

ان که چرا سیستانه ازدواج -

نمیگد ؟ عاشق نیست ؟ عشق -

ادای ((بسیست)) و ((اکس))

هنری موافق تراسته - من فکر

میکنم وقتیکه کبوترهای از از از خوب

آن و شعره طابق میگشند باشند این

بزرگ حمامه سرای بد رایم .
آخرین توانندی بیو پی را
صریحت دارد تا کسی سرود های
حاسی بسازد ، بسراید و گزرم
استقبال شود . گاهی مسویلین
مریوط این ساله راکت درک -
مینا پند .

- میخواهید بگویند مشکلاتی
د رینهور موجود است ؟

- کامله همینطور است .

- من سخت ذلابت «فرهنگ

ملت خود است . اما گاه تا همین

وضع فرهنگیان کشی باعث رنجو -

ری من میگرد د رینجی که من و
شاید بیشتر هنرمندان بیه آن خو

کرده ام . اتحادیه هنرمندان
ماراد ریاوس و ناباری قرار

داده ام .

گذشت از همه «حرفا ها حتی در

دعوه های هنری هم برا ای

ما جای نمی یابند . انقدر که

برای ارتقا طلاق شخص جاده اد .

اند - بازدیل آدم به هنر

من سوزد وقتیکه بد آند در قلسر و

راد پوتلوزیون کشیده اتاق تعریف

مو سیقی نیست . زیرا

امکانات تحقیک محدود است

هرراه با اثاق تعریف اتاق لباس

را نیز تحقیک گرفته . در گذشت

نیز برا بلم های از این قسم

د امنیت هنرمندان بوده و حلا

هم . بس آفرین به هنرمند یکه

در همچو حالت یک آهنگ هم

ثبت نمیکند . مکن کرده اد امسه

مید هد ؟ واقعین بوسیه ایه

که راد یو ۰۸ -

آهنگ به تلویزیون تبت میکند .

و شما رایان تازه گی ها چند

آهنگ ریتر را آماده دارید ؟

- مه آهنگ : یک آهنگ بد خنی

است که محل بوده و د آهنگ از

ساخته های میحتم شاد کام است .

از پیشینه هنرمند شدن و رو

آوردن ش به هنرمند میگردید :

- در سال ۱۳۵۶ هنر صندده

مکب بودم که در مسابقه «ز هنری

راد یو نظریه ب پوشش گردانیده »

برنامه پایه ای سا - ری - گه -

به - پا را شکار میگردید احساس

کردم که زیاد تشریف شدم .

یک خدمت سخن

- ۱- تاک را از خان خوب و بختر از ماد رخوب انتخاب کن.
 - ۲- خوشبخت ترازمن و خانم در دنها دو نفر بودند یک تن کروش کرید کن.
 - ۳- زن هفتاد مکاره اند، مگر اخوش گریه است.
- رسالی: ششم ای شعوری

○ ○ ○

- ۱- دوچیزه که دختر امسی ترساند یک مرد یکه زیاد حرف میزند و دیگر دختری که از او زیباتراست.
- ۲- عشش دختران چون آتش باد و دشروع و با خاکستر خانه میباشد.
- ۳- پنجم دختر دختر رخیابان - خطروزان تراز شیطانی در جنگل است (ایطالی)

۴- دختری را که در زمان جنگ گرفتی در زمان صلح بد ره نمیخورد.
(فرانسوی)
رسالی: فوزیه میزان

○ ○ ○

- نویسنده: زن شرق است که انتاب سعادت از ان طلوع میکند.
دکتر: زن بختیں دوای رفع خستگی است.
زیگر: زن حکم جیوه را در دکه جزطلا چیزی دیگری نمیتواند اورا جلب کند.

با غایان: زن گل نیست و نه کلهاشی به است.
تاجر: زن چک سفید اینها نا شده است.

فرمانده نظامی: فرمانده هی پاک سپاه اسان ترازه هبیری کرد ن یک زن است.

اشیز: زن نمک زندگی است.
زیاضیه ادان: زن معادله، چهار بعدی است.
روان شناس: احتیاج به زن یک امر طبیعی است نه ضروری.
رسالی: عذرالمجيد مشقق

در دنیا بزرگ داشت

آزمایشات ایدس

یک سخنگوی مرکز تحقیقات ندرالی ایدس در کانادا اگرست: قرار است بیش از صد هزار زن حامله در نخستین سروی عمومی در کانادا مورد آزمایش قرار گیرند. هدف ازین سروی آنست تامیل-گرد دکه بیماری ایدس تاکدام اند ازه به نفوس کشور سرایت کرده است.

زنای راکه به کلینیک های سقط جنین مراجعه میکند و نمونه های راهم از کلینیک های بیماری جنسی مورد مطالعه فراخواهد دارد.

ترا را غفارات د اکتروبرست ایسلس تحقیقات ازان جهت روی خون زنان صورت میگیرد که د تیغه های و صفحه ترین شیوه برسی و شناخت بیماری رادر د سترس قرار میدهد.

تداوی قلب

درجکسلواکا عملیات تطبیق

Paemakar (ناظم مصنوعی

حرکات قلب) بالای یک مرد ۱۰۰

ساله بصورت متفاقه اجرا گردید.

این دو میم عملیات تطبیق

Pacemaker تزد اشخاص مسن در

تاریخ طبیعت میباشد که اولین

عملیات آن چندین سال قبل در

انگلستان بالای یک خام (۱۰۸)

ساله صورت گرفته بود.

در عصر حاضر تطبیق

Pacemaker همار میور و سالانه در حدود

۲۰۰ عملیات از این گونه اجرا میگردید که

طی آن یک ساختن کوچک به

اندازه یک قوطی گوگرد، هموار و

پیمارسیک Pacemaker به کار

گذاشتند میشود. طوریکه یک الترود

از طرفی رید داخل بطن راست

قلب گردید و توسط ان سیالهای

برقی به وقه های منظم ازیک

منبع برقی به قلب ارسیده و باعث

تقلص Contraction قلب می

گردد.

یک ازد و کتوان چنین میگوید:

ما سعی مینماییم که برای اشخاص

بیرون کن نایم تا زنده گی با صحت و

سلامت داشته باشد.

ماده جدید برای عدالتیه چشم

منیان، چهل سال یا حتی بیشتر از

ان باقی میاند. و در سابق از

مواد یک برای ساختن عدسه

های مصنوعی ازان استفاده

مینمودند خاصیت (هیدرونوبیک)

داشته و در نتیجه باعث تخریب

انساج جاواه خود میگردید.

همچنان خراشیده گی ها را در

قسمت رنگه چشم (Iris) به

وجود می اورد. در حالیکه ماده

متعدده امیکا قرار خواهد گرفت.

عدسه های مصنوعی چشم

باکشی یک ماده جدید بلا

ستیک با خاصیت هیدرونوبیک

انتظار میگانی راکه به قریب و

عدسه های مصنوعی ضرورت دارند

تحقیق می یابد.

انساج جاواه خود میگردید.

همچنان خراشیده گی ها را در

استفاده ۲ را میلیون میمان میاب

به Cataract

باکشی یک ماده جدید

مواده خداره در المپیاد میلیون

استفاده از مواد مخدوش که بی جانس سرعتیں مرد جهان ویرنده مدار طلا در مسابقه د و شرحد متري نیز مرتب از شد در ایامی الیا در رسیل قسمه به رویداد ناگوار تبدیل گردید.

شماره متعادلین به این مواد د رسیل مشابه ارقامی بود که در آنها میگردید. استفاده ازین ماده میگردید. بیش از ۱۹۸۴ در لاس انجلس بیداشد به این نفاوت کاشاخان مفترضه رسانید و فشارخون را به سطح خطرناک آن بلند می بود و حتی سبب مرگ میگردید.

این ماده ایاولیک نام دارد.

انقلاب گریجف

زمان مفهوم ((مشت آهنین))
را پدست هوشمند تبدیل میکند
خاصتاً در سیاست های جهانی.

در شوروی چه میدارد؟ -
بسیاری از ثروت‌نالیستان جهان
در رافت‌های خود را در راست به
این سوال منترساخته اند . -
نتیجه گیری هامختلف است. اما
بسیاری هایم خواهند بگویند که
((انقلاب گریجف)) از اهمیت
خاص برخوردار است. سه نوز
آقامت در مسکو ما را نیز به
نتیجه گیری های ما نزد پک کرد :
زندگی مانند گذشته در روسیه
رفت و آمد میلیون هاشهروروند، هزار
هارسیله، ترانسیبورس وداد و ستاد
روزمره بازار جلوه گرای است اما
جاده‌ها و کوچه‌های زیادی برای
اعمار مجدد آبادانی های گذشته
سد و دندانه اند و یک شیوه
جدید در ساختان هاجلب توجه
میکند و آن مد نیزه کردن عماره
ازد اخیل است. ساختان ها از تو
ساخته می‌شوند اما مشکل قبلی
خود را حفظ میکنند گویا فرمول
((جاده‌دان محتوی نود رشکل
سابقه)) به کار گرفته شده
باشد، چون نشانه بسیاری
بریسترویکا یا بازاریزد رجهات
عصره آن ...

د اموکلس بر فرق انسانها اویزان
است. کشورهای کوچک نیز نه
میتوانند برخورد منفعل باشند -
سه های قدرت‌های بزرگ -
داشته باشند. جراحت این سیاست
ها در منتوش آنان نیزه شر
است. اگر شوروی امریکا از خطر
رویارویی و امیرهند و تقابل جا پش
را به رقابت مالمت آمیزیده
امکانات بسیاری برای شکوفایی
سیاره ما بدید خواهد آمد. رهبر
شوروی در سال ۱۹۸۰ گفت بود:
((ماهه این شروع کرده ام که
د گرگونه بینند یشم و سیاستی چیز
های ما نوس از جمله در عرصه
نظامی و ... در عرصه سیاسی را
در انطباق با شرایط جدید قرار
دهم)) انوار شوروی زونا -
لیست آرائی نویسی میکند : -
((اند یشه نوین سیاسی به ما -
امکان داد تا بسیاری سیاست خارجی
شوروی طرح نود اشته باشیم
طرحی که باروحه بازاری مطابق
است و میکنند گویا فرمول
را در بر میگیرد. مامتنقد استم که
جهان ها کل واحد است کدر -
آن هم خطرجهانی نابودی نسل
بشر وجود دارد و هم توان عظیم
همکاری و حل سیاسی مسائل جهان))

مشخص میشود که سیاست خار -
جی شوروی در حقیقت بهبود
مناسبات بین المللی به وجود
آورده است. دو فاصله سه مال چهار
دیدار در مسطح رهبران امریکا
و شوروی صورت گرفت. تاریخ داد -
بسیار هم در مرور بر جهه نداشت
که های بابرده کوتاه و متوسط
را به این شرط میگردید. اتحاد -
شوروی در روزهای جدید پیرا -
در عرصه روابط بین دولت‌های
و پرخورد های جدیدی را در راه -
بطه با حل مسائل منطقی -
پیشنهاد نمود. امروز تمام این
سیاست های اسلام تفکر جدید را به
خود گرفته است. اساس این
سیاست هایهارت از این
است که چگونه خطر جنگ را قبی
زد، چگونه که در شرایط کویس
ناپولی جهان را در برداشد
د رانعهاد شوروی هفدهه بر
این است که با در نظر داشت
خطر هستی در قرن ما باشد به
منافع عام بشیری اولویت داده شود
این هسته اصل تفکر نوین را -
می سازد. در فربنیز مردم -
امیدی زیادی به تحقق این
سیاست بسته اند. آنجایی که
سلاح های اتی چون شیشه

بنده از صفحه (۸۱) میخاپیل گریجف گفته است: -
بوتگیل امروزین اقتصادی، فکری
و فرهنگی که در هفتاده تا ربع
مالاباشته شده است از این تحقق
الکس امروزین برای جامعه را
میطلبد. جامعه ای که برای افضلی
خود سطح بالای زندگی، امکان
نات متنوع برای ارضاء نیازها دارد -
مخصوصی و فرهنگی، ازادی برای
عقیده و انتخاب راتای مین کند
باشد در راه نوسازی محافظه کاری
راشکسته باشد. در برخی از جامعه
منبع تغذیه محافظه کاری نه تنها
د گاتیم اند پیش، کلیشه های -
تبدیل شده به عادت و توهین از نو
بلکه همچنین منافع خود خواهانه
است. او گفته است هدایت راه نو -
سازی مایا پدیده ایجاد پک میکند -
نهن دموکراتیک که دایه عمل کند
اقدام کنم. هدف آنچنان میکند -
نیزی است که بازگشت ناید -
بری تحولات جدید را میسر میکند -

لریانالیستان خارجی و حتی میتوان
شناخت را شنید. گان سهاره
ماه سیاست های جدید اتحاد
شوروی در عرصه بین المللی با
توجه خاصی نگردد. روابط سه
سال اخیر با د گرگونی های پی

د پیشه گودن

به گلدوزی شوی وو. دفعه غاری
به دنیو کالیود پاسه افسوست
کیدی اویه تیپو به ترل کیدی د
پتر کبیر له وخت خخه لزد مخه بو
بل دلوله غاری هم وی چی د متون -
سطو طبقو خلکوبه افسوست. لمه
غاری به تاویدی د طلا. نقریا و
قیمتی دانی به می تک و هل شوی
وی دی تر لایزی زمانه اورواج د روود
اویم هم یخن. غازه. کالراود -
کپس د غاری پتی به جامکی د -
اهمیت در محای لری به تیره بیا
بنجعینه لباس کی چی د نجونو. -
غاری بنایمته برخه جو وی پنه
دی برخه کی لویه هشنه گیزی
چی بنشکی. نفیر او بنایمته
غاره لرونکی کیسونه انتخاب شی .

د (۲۹۱) مخ پاسی
لرل لرل د د فسی فار و افرستلو
خیل حاید اوز د ولاستولونکو
کاچوغا و نجواستعمال تیورینیو
غاری اویخونه روسته بیانی د
یوی پس لرونکو غار وه واسطه
تعویض شول چی بیاروسته د -
سیود نیایویه شان می مخ کمه
خواته فار و ته محای لری بیشود. د
بلن چبه یخن غاری د ۱۷ بیتری
به ترخ کی رواج شوی خو بیا
دروسته د هفو برخای نکای سره
بو محای متوسطو پخنو محای ونیو.
روس اشرافو او تزارانو به خولی
لوله پخونه افسوست چی د قیمتی
مرفلو به واسطه چکن اویسه پوره



برگش فال گوشه لکم



مولده بیان ماه میزان :
پاس و ناامیدی چاره رنیست. تضمیم غیر ماقلانه شایرای گریستن
وناامید شدن درست ننمایت. افراد متاهل آرزوها دین شما را
برآورده من یابند. دلیل روزها یک جانس عالی نصیب تان میشود.
شاید صاحب موترباخانه نی شود که همینه آنرا آرزو داشته باشد.

مولده بیان ماه مهر :
شایعه است بدینه درین استدلایل باید بود بروید که باشد.
نیز مالی دارد. مدت تان را با ظرفیت مینماید و این امر سبب میگردد
که شایعه از هر کسی به کار نزدیک نماید. گن خوب رویده گن شایعه در وقت
خوبی شایعه نماید.

مولده بیان ماه مطب :
خوبی ترن فرد خانواده تان را بهتر دوست دارد و از دلیل او -
همینه شماران را خواست میگذرد. معموماً بیماری او سبب ناامنی
خطاطیان میگردد. دلیل بسیار تا سف آرنیست. مجرد هایرای اینجا د
زندگی گن مشترک تلاش مینماید اما بعترای استعجله تداشتند باشند.

مولده بیان ماه فروردین :
چرا همینه تعمیرشیده هتر است پایه شانی بازخوش خوبی بر -
خورد داشته باشد. کسی راک درست دارد منظره بدارش است.
بهر استاد رحلی کارهای زنده به زندگی گن ماضی تان نیز
رسیده گن نمایید.

مولده بیان ماه تیر :
کس راک های زندگی گن تا انتخاب کرده اید شخص خوب -
است اما همینه خوبی برای خوب نیست و باید بسیار سخت گیری -
شید. آنچه راک انتخاب مینماید بخرید. تردید و دلی را خود
دریساند. ستاره اقبال شاد رخشنانشین ستاره است.

مولده بیان ماه جوزا :
خانواده تان منتظر خبرهای خوبی از جانب شماست شما باید
همینه معنی نمایید که پیشتر پیشنهاد داشته باشد به سایر یوهش راه
تان تضمیم ماقلانه انتخاب نمایید. مجرمه هاد پدارهای خن -
دین ماه خواهند داشت. در خرید ازی پانز عالی خواهید
دانست.

مولده بیان ماه جمی :
موسیقی را درست دارید. کارخانی می کنید که بهترین موسیقی
توشیح هایی داشت که سبب تقویت روان شما میگردد. به خانواده آنساز
تان اعتماد داشته باشد. سو غلن نسبت به افراد خانواده آنساز
 تمام به بختی های شما خواهد بود.

مولده بیان ماه سرطان :
مجبو نیستید هرای هر سخن خوب بود بلی بلی بگوید. بهتر
است با تعقل باش بد هید. احساس را کانگذارید. روز آخر
هفت دیدار چنانچه بیان دارید. افراد متاهل مواطن خانواده خود
باشد چون با تغییر هوا مکان بیماری اعضای خانواده مخصوصاً طفال
موجود است.

مولده بیان ماه دلو :
چرا همینه همسر تازه ملامت میگیرد آیا هی هم اندیشیده اید
که شما زندگی گن مشترک دارید و باید با اشتراک هم مشکلات را بر
طرف نمایید. با حرف های بی بنیاد خوشبختی تانرا تباء نکنید.
 مجرد هاد پدارهای خوبی دارند.

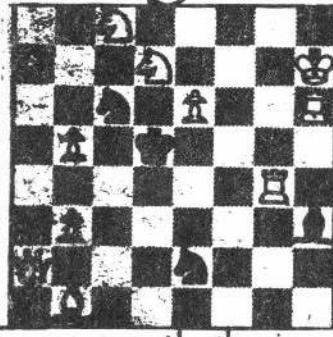
مولده بیان ماه آستان :
پنداشته دنیاره شما هرگونه که قضاوت میکند همان طبق بود -
پیشنهادی شما برحق استه و این موافه نگیری در زندگی گن شما را
کم میساند. تا بعینه اشید منازعه ها جانش زنید هرای موسی دارند.
در آن هفت یک از آرزو های تان برآورده میگردد.

مولده بیان ماه حوت :
سفری که در پیش دارید بدین سلطراست. از دوستان هرای شما
نامه های مرسید که شما را بپشت اید و ارمیگارد. مجرد هاتانه های
دین افتخاره داشت که در زندگی گن آنها یک خاطره خواهند
سازند اطفال تازه و سه داشته باشید و به صحت و زندگی گن آنها توجه
کنید. شریش های اجتماعی شما را فرج میگردند. زیرا اثبات خانواده
دین یکی از بزرگ نصیب شما میگردد.

مولده بیان ماه سنبله :
پارسیگر که تان همین روزها از راه میرسد. معنی نکنید هرای
هر گز خدمت پیشوده را انجام دهید. تنهاد وستان واقعی تان
است که پاشما تا آخر راه همراه خواهند بود. دنیکی از آرزو های
این ماه کتاب جالبی بدست تان میرسد که با خواندن آن یکند رسیزگه
رانجیه نگیری من نمایید.

پروردشها

شطرنج



سفید بازی را شروع و دارد
حرکت سیاه را می‌توان کرد

حل کنندگان

محمد اصفهانی - جاوید احمد ذکری
علی احمد زمیری - غلام حسین
تقی احمد - عالیه نوری - سوسن
اندر - شکری اذربایجانی - سید فاروق
بهادر - شفیع الله کاور - لیلما
ایوار خایابانی - شکیلا امید
طبعی الله - بشیر نژاد
عبدالرزاق حسن پار - فرزانه ملک
اصغر - احمد داود واحد
احمد فردی اختیاعی - محمد مهدی
اکبر سینا - ملالی همدادی

بشار نژاد
سید فاروق بهادر
ملالی همدادی
مستحق جایزه
شناخته شدند
جوایز بخش تست
درختن در شماره
بعد ی به نشر
میرسد. کسانیکه
بعد از جایزه مجله
تامدست بیست روز
برای دریافت
جایزه حاضر نگردند
جایزه شان سلب
میگردند.

یک مسئله فکری

یک مسئله فکری: شخصی لنگه جو را بهای خود را از مدنی باینظرف در صندوق انداخته و اینک در آن صندوق بیست و پنج لنگه جو را سفید و سیاه و پنج جو را جو را سیاه جمع شده است. حالا در موقع شب انسان شخص محتاج به یک جفت جو را بشد و چون چرا غایید انکه در تاریک مجبور به بید کرد ن یک جفت جو را از صندوق مذکور است که هر دو هم یک چکانند باشد.

آیا میتوانید بگویید چند لنگه جو را باشد با خود برداشته باشد. البته صندوق خودش قابل انتقال در آنوقت نیست.

گسترش - بیرون نیست -

مار - خطرناک -

۱۰ - پیشوایان دیزگان طرقت -

دوا دارد - سحر - گمتنم

کمان -

۱۱ - از عشق تاریخی - در روز -

رستاخیز قرار است دمیده

شود -

عصودی :

۱ - بوشانده گناه - مجلملک دن

۲ - نادار - معمول و مروج -

۳ - برکت و افزونی - خوب نیست

مانند -

۴ - اصل هرجیز - روان است -

خاص نیست -

۵ - گادی دوابیه - مرض -

۶ - بخشنودن گناه شادمانی و

نشاط -

۷ - بی عیب - نازو کشمه

دام دل -

۸ - فرمانبرد اراست - سازوسا -

مان - آواز -

۹ - دود مان - پیشاوندی به

معنى طرف و نزد - بزنده -

خرد -

۱۰ - ازعاجیب هفتگانه جهان

افق :

۱ - از آثار بیهوده - ازدانش -

مندان بنام فرن چهارم -

۲ - دانایت - چوپرخا طرنشیند -

زندگی راتلخ سازد - مهرو

علاقه - کریلای سابق -

۳ - زمین - بخشش فراوان میکند

زایل کرد - بانگ و فریاد

باپند و گرفتار -

۴ - همان راه است - قصد کنده

وقاطع - سبیده صبح که همه

افق را در ریگرد - خدای منیخ

ابیرباران -

۵ - زیرسگدارند - مهارشتر -

برزین گستراند - ماه دی از

فصل بهار - بنیاد -

۶ - در مید هد - ناوان - هم

وزن - میان نیک و بد حکم میکند

۷ - گوشت ترک - دوست بی رها

چنان باشد - کلمه تنبیه و

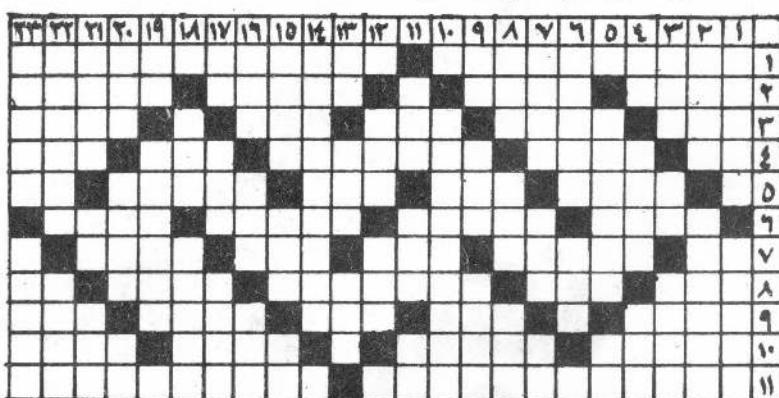
تاكید - کرد که در من نخوانده

فرام باشد -

۸ - مادر بزرگ - حیرت زده -

ملک الموت - وسیع - فلزمن

۹ - درخان - بانک و باکیزه



حل کنندگان جایزه بزرگ دید



صحت طفلاً، تازراً، تضمني ميگند
محل فروش: بردیکرین دکان منزله تان

شرکت تولیدی برادران فلز

شرکت تولیدی برادران فلز بهترین بخاری‌های دیرینه تضمین شده
را که از هر حیث قابل استفاده باشد تازه تولید نموده.

قابل توجه ادارات و موسسات

هنگامیکه غرض تعبیه گزارش برای مجله سپاروون خبرنگاران
مراجعه می‌نمایند، لطفاً کارت یا استعلام نام را مشاهده نمایند.
چون اخیراً برخی ها با استفاده ازین هدیت مراجعتی داشته‌اند
که اداره مجله ازان مطلع نیست.

آدرس: نمایندگی شرکت
واقع قلعه فتح الله متصل لیسه زرغونه

مجله سپاروون اعلانات موسسات، تجارت
وکمینی‌های داخلی و خارجی را می‌پرسد از اشخاص
صیک بطور کمیشنکار در جم اوری اعلانات
با مجله همکاری مینمایند، خواهشمندی‌ها ماده
نماش شوند.

محله سپاروون در نظر دارد تا آدرس معاشرانه
خانه‌های ارایشگاه ها و واخانه ها را در نظر بگیرد
حق الشاعه اعلانات تحت سنتون نمایند یعنی
شهریان به نشر برسانند. خواهشمندی‌ها
علاوه‌بر این باما در تماس شوند.

لهمای معاملات
رخسار معاملات
حبرستم شیارگاه
دیگر دیگر فنه و پرداز
کارکار شماره رخسار میکنند
کارکار شماره رخسار پرداز
دوستی خود را همچوپان
و حاره های رفاهی
سبعون ۳۲۴۶۸

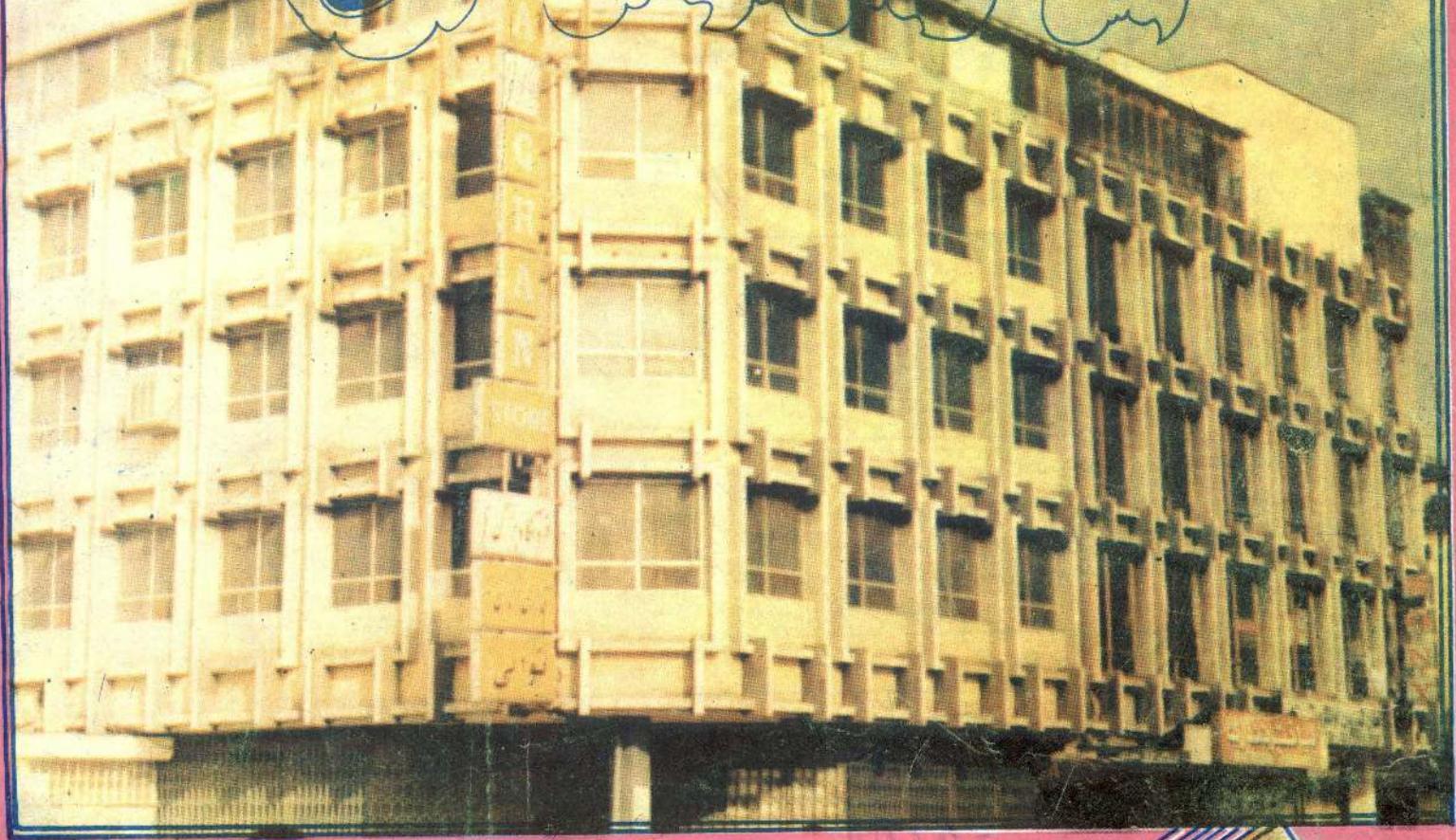


فروشگاه فرید



فروشگاه فرید ولقع زعفرانی شهرنو ولد دکتره بهترین
رجسیز مشهور ترین کمپینی های چشم

فروشگاه بزرگ افغان



صنایع ملی را تشویق نهایید

فروشگاه بزرگ افغان و سیر دامان
کلاس کریتر ۱ جمیرا دار دخوده است

شمایل نیز در این خریدار نماید

محصول و خوشی خود را در ستور افت فروشگاه بزرگ افغان

برگزار نماید

قیمت یک شماره ۳۳ افغانی

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library